

چاپ دوم

ویژه خانواده‌ها

خانه جمعیت

ویژه‌نامه جمعیت
قیمت ۲۵۰۰ تومان

● تهران ۱۵۰۰

● ما فریب کیفیت را خوردیم

● از ژاپنی‌ها عبرت بگیریم

● جان شما و جان جمعیت

تنها
برادر
من

تنها
خواهر
من





من روزی مو میارم!





«فلسفه رفاه‌گرایی» را با ترجمه ساده «تنبلی، عالی است!» به خوردمان دادند تا خیلی‌ها همه حوصله پدری و مادریشان را خرج «یک» بچه کنند، و ماجرا ادامه یافت با موجی از همسران که با گذشت چند سال از ازدواج، هنوز اجاقشان را روشن نمی‌کردند! این البته پایان قصه نیست ما یک طبقه قابل توجه جدید به شما معرفی می‌کنیم؛ مجردان قطعی. ایران ما دارد پیر می‌شود. ●

زنگ خطر را با ۶/۱ زدند. قرار بود آمار به ۵ برسد؛ یعنی برای هر خانواده «پنج» بچه. پیشنهاد سازمان ملل، «چهار» تا بود. مجلسی‌های داغ، پیچ قوانین را روی «سه» بستند و برای چهارمی، کلی جریمه بریدند. وزارت بهداشت و آموزش و پرورش اما شعار «دو فرزند کافی است» را همه‌جا به رخمان کشیدند و این بار کارمان از محکم‌کاری عیب کرد. اولش رادیو و تلویزیون و بعدش بیل‌بوردهای بزرگ در همه‌جای شهرها و خیابان‌ها

اگر دیروز مثل ما فکر می‌کردند
امروز من و تو نبودیم

پادشاه خونین پادشاه سبزه دلها

۱۰



ما یعنی بچه‌های نسل سوم انقلاب و به‌قول مشهور این روزها «دهه شصتی‌ها» نسلی سوخته بودیم! از یک طرف، آخرین بازمانده خانواده‌هایی با جمعیت متوسط (با حدود ۴ فرزند) بودیم و از طرف دیگر مجریان واقعی و مخاطبان اصلی برنامه‌های کنترل جمعیت! ما کمبودهای دوران جنگ و مدرسه‌های چند شیفته و کنکوره‌های چند میلیونی را تجربه کردیم.

۱۹



هم‌اکنون «خانواده کوچک» برای زوج‌های جوان به یک آرمان تبدیل شده است. پژوهش‌ها می‌گوید هرچه سطح رفاه اقتصادی و درآمدها، جایگاه اجتماعی و تحصیلات و شهرنشینی بالاتر باشد، گرایش به فرزندآوری کمتر می‌شود.

۲۲



نسبتی را که «مالتوس» برای افزایش جمعیت جهان بیان داشته، تاکنون حتی در یک نقطه جهان و در یک زمان معین، مصداق پیدا نکرده است. آماري که از تعداد نفوس جهان در آغاز قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم به‌دست آمده و همین‌طور نمودارهای منتشر شده درباره افزایش مواد غذایی، پایه‌های پیش‌بینی مالتوس را متزلزل کرده است.



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته

معاونت تربیتی فرهنگی

مدیر مسئول: دکتر محمد دولتخواه

سر دبیر: اصغر عرفان

مدیر اجرایی: محمد کیاپاشا

مدیر روابط عمومی: محمدعلی رامین

طراحی و صفحه‌آرایی: مجید بزم‌آرا، محمد صداقت

تصویرساز: مرتضی حیدرزاده

عکاس: حسین رحیم‌زاده

همکاران اجرایی: حمید ترابی، سید مجتبی هاشمیان

امور مشترکان: سید عبدالرسول موسوی‌فرد

نشانی: قم، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته

صندوق پستی: ۱۴۱-۳۷۱۶۵

تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۳۱۲۲

سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۱۶۷۸



۳۱



پیری جمعیت، آثار اجتماعی و سیاسی هم دارد. جوانان سرچشمه تحرک و شادابی اجتماعی و سرشار از نوآوری و آرمان‌گرایی‌اند؛ در حالی که سالمندی همراه با پیرنگ شدن روحیات محافظه‌کارانه استاز این‌رو، جمعیت جوان کشور، عامل پیشرفت علمی و اجتماعی و فرهنگی است و اگر پیوند اجتماعی مردم و حکومت استوار باشد، ضامن امنیت ملی و تأمین‌کننده نیروهای نظامی برای رویارویی احتمالی با دشمنان خواهد بود.



۶۶



اکثر خانم‌هایی که ازدواج می‌کنند هدف نهایی‌شان بچه‌دار شدن است. این امر یکی از هدف‌های نهایی خانواده‌های ایرانی است. زمانی که این مسئله تحقق نمی‌یابد: اولاً یک هدف بزرگ خانواده اجرایی نمی‌شود و باعث می‌شود که ضربه عاطفی به زن و شوهر وارد شود و این امر از سوی خانواده مرد مشکلات زیادی ایجاد می‌کند.



۴۴



«عزیزم! امروز روز تولد مریم است لطفاً موقع برگشتن، یک عروسک برایش بخر.» مرد یادداشت را دوباره در جیبش گذاشت... بعد از جشن تولد که مهمان‌ها رفتند، مریم مشغول بازی با عروسک جدیدش شد؛ پدر، طوری که کسی نفهمد و در حالی که لبخند می‌زد، به او گفت «ولی اصلاً دست‌خط مامان‌ت رو خوب تقلید نکردی!».



۷۰



دو نوزاد پس از این که ۱۲ هفته زودتر از موعد به دنیا آمدند، در اتاقک مخصوص نوزادان زودرس قرار داده شدند و پزشکان انتظار داشتند تنها یکی از آن‌ها زنده بماند. پس از سه هفته، یکی از نوزادان به دلیل مشکل در تنفس به مرگ بسیار نزدیک شد...



۵۲



سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (CIA) توسط برنامه‌ای دقیق و مخفی، بیش از ده هزار زن سرخ‌پوست را با عناوین مختلف قانع کرده است که تنها راه درمان بیماری‌شان، عقیم شدن آن‌هاست و به این وسیله سیاست انقراض نسل سرخ‌پوستان را پیگیری کرده است!



۷۲



مسابقه پیامکی...
پیشنهاد برژینسکی برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران
۱. تشدید تحریم‌های همه‌جانبه
۲. حمله پیش‌دستانه به تأسیسات هسته‌ای
۳. شروع یک بازی طولانی با توجه به آمارهای جمعیتی ایران



۵۸



تصور خیلی از ما بر این است که نگهداری از کودکان، کاری بسیار سخت و پر دردسر است و همیشه از آن فراری هستیم. در ظاهر ممکن است این چنین به نظر برسد، اما واقعیت چیز دیگری است. تحقیقات نشان داده است که پدر و مادرهایی که بعد از یک روز کاری سخت و پراسترس به خانه بازگشته‌اند و به نگهداری از کودکان مشغول شده‌اند، خیلی زودتر به آرامش رسیده‌اند تا زوج‌های بدون فرزند.

شاه کلید

مرحوم آیت الله حسن علی اصفهانی مشهور به «نخودکی» در طول هشت دهه عمر پربرکت خود کرامات بسیاری را رقم زد که از جمله آن‌ها می‌توان به تشریف نزد حضرت خضر نبی و امام رضا (ع) اشاره کرد. وی همچنین دارای قدرت‌های ماورائی مثل طی الارض، آگاهی از غیب، چشم برزخی و دم مسیحایی بود که این قدرت‌های الهی را با تهجد، توکل، شب‌زنده‌داری، خواندن نماز اول وقت و انس با قرآن به‌دست آورده بود. مرحوم آیت الله کشمیری در این باره می‌گوید: مرحوم شیخ حسن علی نخودکی اصفهانی تا چهار سال در مشهد مقدس، هر شب تا صبح، قرآن را ختم و به امام رضا (ع) هدیه می‌کرد تا به آن مقامات رسید.

مرحوم شیخ بر خواندن نمازهای روزانه در اول وقت تأکید بسیار داشت و این نخستین وصیت او به فرزند خویش بود. این عارف حقیقی می‌گفت: اگر آدمی یک اربعین به ریاضت بپردازد، اما یک نماز صبح از او قضا شود، نتیجه آن اربعین، «هَبَاءٌ مَّنْثُورًا» خواهد شد. (اشاره به آیه ۲۳ سوره فرقان و به معنای پراکنده شدن ذرات غبار در هوا)

جناب شیخ فرزندش را بر تهجد و نماز شب سفارش می‌کرد و می‌گفت «بدان که در راه حق و سلوک این طریق، اگر به جایی رسیده‌ام، به برکت بیداری شب‌ها و مراقبت در امور مستحب و ترک مکروهات بوده است، ولی اصل و روح همه این اعمال، خدمت به ذراری (فرزندان) ارجمند رسول اکرم (ص) است.»

نقل است جوانی نزد شیخ حسن علی نخودکی اصفهانی آمد و گفت: سه قفل در زندگی‌ام وجود دارد و سه کلید از شما می‌خواهم. قفل اول این است که دوست دارم یک ازدواج سالم داشته باشم، قفل دوم این که دوست دارم کارم برکت داشته باشد و قفل سوم این که دوست دارم عاقبت به‌خیر شوم.

شیخ نخودکی فرمود: برای قفل اول، نماز را اول وقت بخوان. برای قفل دوم نماز را اول وقت بخوان؛ و برای قفل سوم هم نماز را اول وقت بخوان! جوان عرض کرد: سه قفل با یک کلید؟!

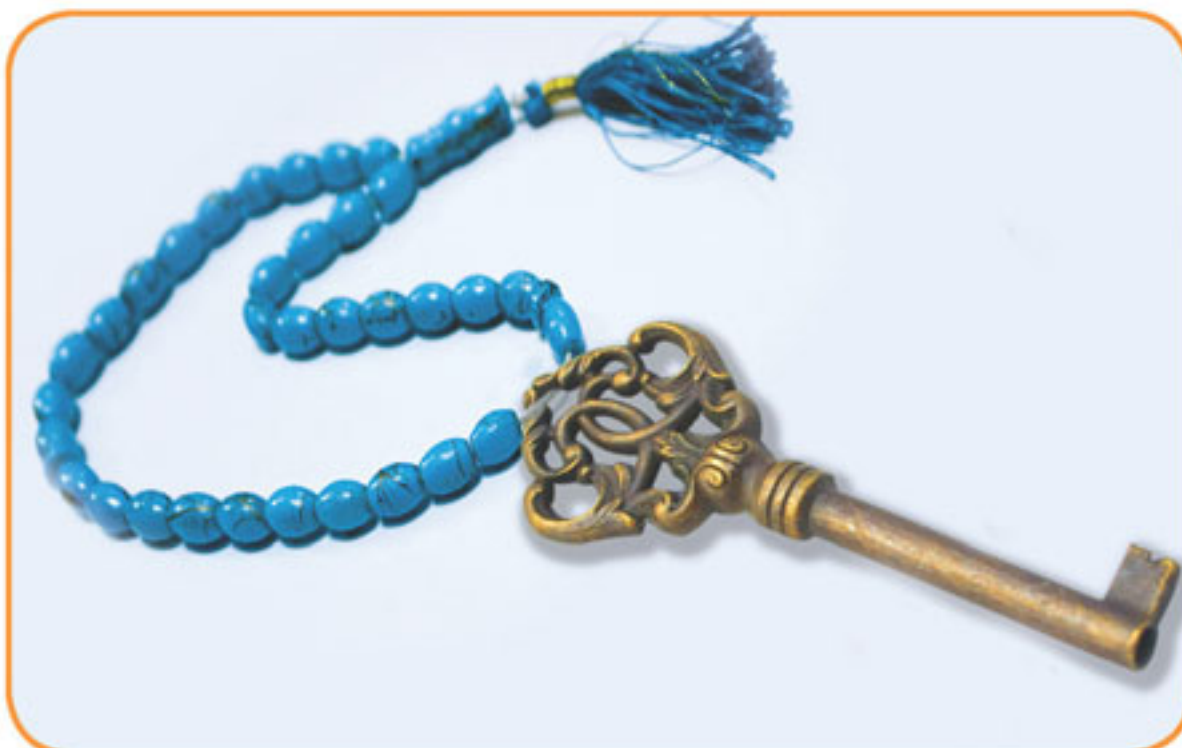
شیخ نخودکی فرمود: نماز اول وقت، شاه کلید است. ●



اهل تجمل حسابشان خیلی سخت است

بعضی‌ها ازدواج را مشکل می‌کنند. مهریه‌های گران و جهیزیه‌های سنگین، ازدواج را مشکل می‌کند... [اگر] خانواده پسرها توقع جهیزیه‌های سنگین بکنند، [اگر] خانواده دخترها برای چشم و هم‌چشمی دیگران جهیزیه‌ها را و تشریفات را و مجالس عقد و عروسی را رنگین‌تر بکنند... اثر این کارها این است که دخترها و پسرها بدون ازدواج در خانه‌ها می‌مانند، کسی جرئت نمی‌کند به ازدواج نزدیک شود.

مگر کسانی که با تجمل، عروس و داماد می‌شوند از کسانی که ساده عروس و داماد می‌شوند، خوشبخت‌ترند؟ چه کسی می‌تواند چنین چیزی را ادعا کند؟ این کارها جز این که یک عده جوان را، یک عده دختر را حسرت به‌دل کند و زندگی را بر این‌ها تلخ نماید، اگر نتوانستند آن جور آن‌ها هم عروسی بگیرند تا ابد حسرت به‌دل بمانند یا اصلاً نتوانند عروسی بگیرند، چیز دیگری نیست... من گمان می‌کنم آن کسانی که با مجالس و محافل سنگین، با مهریه‌ها و جهیزیه‌های سنگین کار را بر دیگران مشکل می‌کنند، حسابشان پیش خدا خیلی سخت است. نمی‌شود بگویند که آقا ما پول داریم، می‌خواهیم بکنیم، چون داریم. این از آن حرف‌های غلط روزگار است. داریم که دلیل نشد. انسان وقتی «دارد» کاری بکند که دیگران نتوانند هیچ اقدامی بکنند، این درست است؟! ●

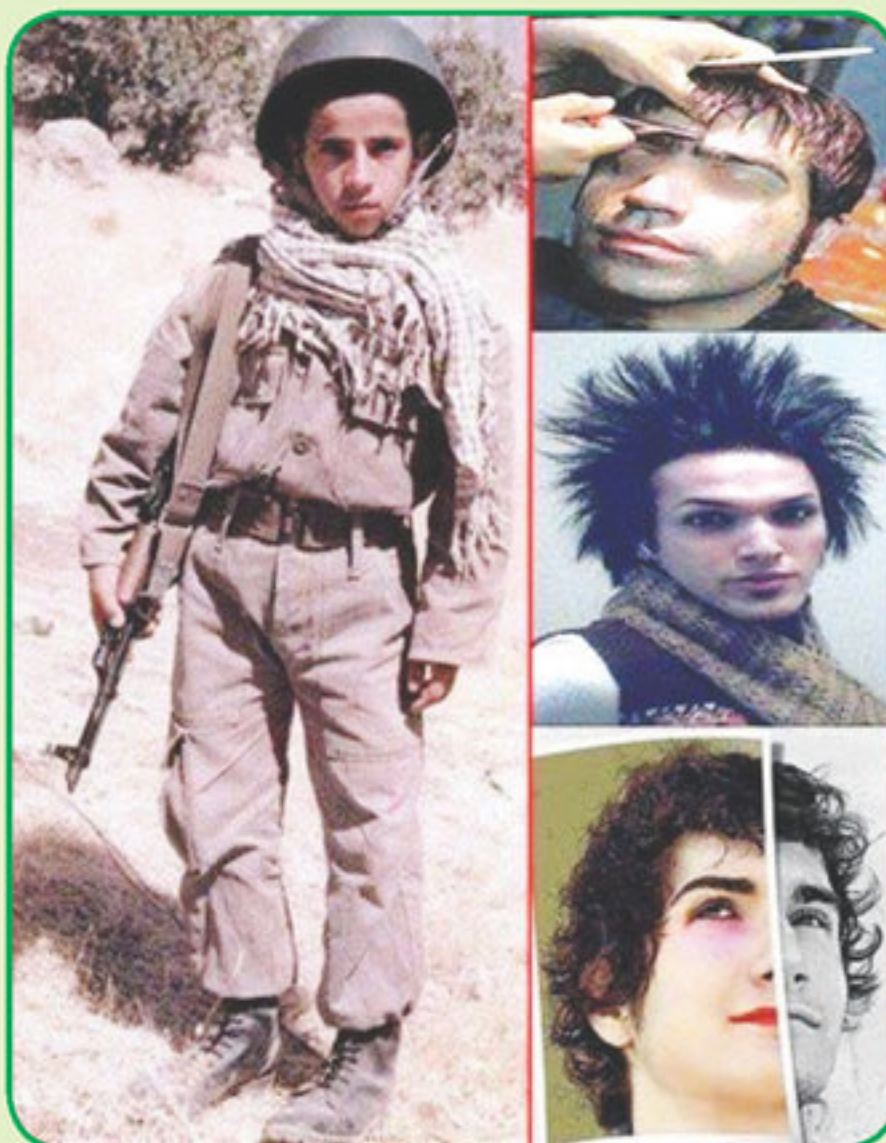


یک حرف بس است

آیت‌الله بهجت (ره)

بسمه تعالی. گفتم که الف، گفت دگر؟ گفتم هیچ؛ در خانه اگر کس است یک حرف بس است. بارها گفته‌ام و بار دگر می‌گویم کسی که بداند هر که خدا را یاد کند، خدا هم‌نشین اوست، احتیاج به هیچ وعظی ندارد؛ می‌داند چه باید بکند و چه باید نکند؛ می‌داند که آن چه را که می‌داند، باید انجام دهد و در آن چه نمی‌داند، باید احتیاط کند.

فقط زمانی گریه کن که ...



مادرم زمانی که خبر شهادتم را شنیدی گریه نکن. زمان تشییع و تدفینم گریه نکن. زمان خواندن وصیت‌نامه‌ام گریه نکن. فقط زمانی گریه کن که مردان ما غیرت را فراموش می‌کنند و زنان ما حیارا...

(فرازی از وصیت‌نامه شهید سعید زقاقی)

آخرین بازدید

فیس‌بوک: آخرین بازدید ۳۰ دقیقه پیش

پلاس: آخرین بازدید ۱۷ دقیقه پیش

وی‌جت: آخرین بازدید ۱۲ دقیقه پیش

وایبر: آخرین بازدید ۵ دقیقه پیش

قرآن: آخرین بازدید رمضان سال گذشته

«الم یأْن للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله» (حدید، ۱۶)

آیا هنوز وقت آن نرسیده است که دل‌های کسانی که ایمان آورده‌اند، در برابر ذکر خدا و آن چه از حق نازل شده است، خاشع گردد؟

خطا، خطا

فدایی مازندرانی



ای رحمت تو به حق هر ناروا، روا
وی خلعت تو به قد هر نارسا، رسا
ما سر به سر گناه و سزاوار رحمتیم
ما را مده ز فعل بد ناسزا، سزا
بر بندهات ز روی عدالت مکن سلوک
وز فضل خود مگیر ز فعل خطا، خطا
بنما ز لطف خویش به مستقبلم قبول
بر ماضی‌ام ز فضل بگو «مامضی، مضی»

نه از گرانی بترسید نه از تحریم آیت‌الله جوادی آملی



است، قارون هم که بیش از این نگفته بود و نمی‌گفت، می‌گفت «إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي؛ خودم زحمت کشیدم و پیدا کردم.» بسیاری از ما اسلامی حرف می‌زنیم ولی قارونی فکر می‌کنیم، ما هم خیال می‌کنیم خودمان زحمت کشیدیم، خیلی‌ها آمدند حوزه ولی چیزی نشدند، خیلی‌ها رفتند دانشگاه چیزی نشدند، خیلی‌ها رفتند بازار چیزی نشدند، این‌طور نیست که هرکس برود جایی چیزی گیرش بیاید، اگر بگوییم «إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي» همان اسلامی حرف زدن و قارونی فکر کردن است باید بگوییم «ما بنا من نعمه فمن الله».

هم در قرآن هست و هم اهل بیت علیهم‌السلام دستور دادند در نماز و بعد از نماز در تعقیبات بگوییم «اللهم ما بنا من نعمه فمّنک» این برای تنها ثواب بردن نیست، ثواب را بالاخره می‌دهند، عمده آن است که این دین در زندگی ما بیاید که اگر آمد راحت هستیم، نه از گرانی می‌رنجیم نه از تحریم، چون او دارد ما را اداره می‌کند، به‌واقع اگر باور کردیم که تمام مار و عقرب عالم پیش خدا روزی دارند، شرق و غرب عالم بخواهند ایران را تحریم کنند اثر ندارد، ما باور نکردیم این حرف‌ها را، مگر آن‌ها رازقند؟ خدا در قرآن فرمود «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» (و هیچ جنبه‌ای در زمین نیست مگر آن که خداوند متعال عهده‌دار روزی اوست).

اگر باور کردیم که همه عالم پیش خدا روزی دارند، شرق و غرب عالم بخواهند ایران را تحریم کنند اثر ندارد، مگر آن‌ها رازقند؟ ما مسلمان و موحدیم اما توحید در زندگی ما نیست، در نماز و روزه و حج و عمره ما هست اما در زندگی ما نیست موحدانه زندگی نمی‌کنیم، نشانه‌اش هم این است که مواظب حرف‌هایمان نیستیم، اگر یک سبد میوه‌ای به ما برسد می‌گوییم چیست؟ می‌گویند میوه است. می‌گوییم کی داد؟ می‌گویند فلان باغبان، همین! به‌جای این که بگوییم کی آورد، می‌گوییم کی داد. این فرهنگ ما است؛ اصلاً نمی‌دانیم چگونه باید حرف بزنیم، یک عده معتقدند که دین از سیاست جداست ولی ما متأسفانه عملاً معتقدیم که دین از زندگی جدا است.

نمی‌دانم شما با مردان الهی برخورد کرده‌اید یا نه، آن‌ها در حرف‌هایشان به‌واقع موحد بوده‌اند، نمی‌خواستند مقدس‌مآبانه زندگی کنند، می‌خواستند موحدانه زندگی کنند، ما از آن بزرگان نشنیدیم که بگویند فلان کس داد، می‌گفتند فلان کس آورد و این زحمت را کشید.

این حرف، قارونی است که بگوییم ۵۰ - ۴۰ سال زحمت کشیدیم و عالم شدیم. این اصطلاح ناروای «دود چراغ خوردن» همین

از قناعت دور نباشیم

استاد سید علی‌اکبر حسینی



حضرت سلمان رضی‌الله‌عنه یک رکوه‌ای (مشک کوچک) داشت. آن را گرو گذاشت و مقداری نمک زبر گرفت و بر سر سفره گذاشت. وقتی غذا تمام شد، مهمان، خدا را شکر کرد و گفت «الحمد لله علی القناعة؛ خدای را شکر که قانعم.» حضرت سلمان فرمود: اگر قانع بودی رکوه ما به گرو نمی‌رفت! این نشان می‌دهد یکی از کارهایی که خیلی انسان را گرفتار می‌کند، نسیه‌خوری است.

زیدبن صوحان که از یاران و اصحاب امیرمومنان علیه‌السلام است. از حضرت سوال کرد: «ای القنوع افضل؛ کدام قناعت بهتر است و فضیلت بیش‌تری دارد؟» حضرت فرمود: «القانع بما اعطاه الله؛ کسی که به آن‌چه خدا به او داده است، قناعت کند.» هر کس باید تمام تلاشش را برای کسب نعمت و روزی به‌کار برد و پس از آن، به آن‌چه در سفره نعمتش قرار گرفته است، بسنده کند.

خانمی می‌گفت: من هر غذایی که درست می‌کنم، وقتی آقا به خانه می‌آید، نفس عمیقی می‌کشد و می‌گوید «خانم! غذا چه درست کرده‌ای؟» می‌گوییم:

عدس‌پلو. باز نفس عمیقی می‌کشد و می‌گوید «خانم! از این همسایه‌ها یاد بگیر، این‌ها قرمه‌سبزی دارند، بوی قرمه‌سبزی می‌آید.» چنین آدمی به آن‌چه در سفره خود دارد، بسنده نمی‌کند و از قناعت دور است.

روزی برای حضرت سلمان رضی‌الله‌عنه مهمان آمد. او مقداری نان خشک در منزل داشت و همان را به‌عنوان پذیرایی از مهمان آورد. مهمان گفت: ای کاش کمی نمک هم بود و نان را با نمک می‌خوردیم.

دوستی با بچه ها دکتر علی اصغر احمدی



کنار گوش دادن به اخبار یا خوردن ناهار و شام و یا مطالعه کردن، فرزند را رنج می دهد.

در اوصاف پیامبر اکرم ﷺ آمده است که حضرت تمام توجه خود را به سمت کسی می کردند که با او سخن می گفت. حتی نگاه خود را به سمت او داشتند گرچه به او خیره نمی شدند، اما تمام توجهشان به طرف او بود. بنابراین تماس چشمی داشته باشید. تمام رخ به یکدیگر توجه کنید و به دنبال صحبت فرزند از عبارت هایی استفاده کنید که او احساس بی توجهی نکند.

دومین نکته در کنار مهارت گوش دادن، راز قرار دادن میان خود و فرزند است. با فرزندمان اگر بخواهیم دوست باشیم باید بدانیم دو تا دوست معمولاً یک رازهایی با یکدیگر دارند. با داشتن راز، احساس نزدیکی و دوستی زیاد می شود. لازم نیست راز خیلی امر مهمی باشد.

یکی هم همدلی کردن و همراهی کردن با فرزند است. با او همراهی کنیم تا احساس نکند اگر حرف غلطی زد کاملاً رودرروی او می ایستیم. آرام آرام باید جلوی نکات منفی و غلط او را گرفت.

در محیط خانواده، افزون بر این که پدر و مادر با هم یک رابطه زن و شوهری و با فرزندان رابطه والدینی دارند، باید یک رابطه دوستی نیز میان پدر و مادر و هر کدام از آن ها با فرزندان و فرزندان با یکدیگر وجود داشته باشد. برای ایجاد این ارتباط لازم است همان نوع رابطه ای را که میان دو دوست وجود دارد، الگو قرار دهیم. در روابط دوستانه وقتی ملاک دوستی مطرح می شود، دو چیز به چشم می خورد: یکی خوب گوش دادن است که به نظر روان شناسان خودش مهارتی لازم دارد، بلکه مرکب از مهارت هایی است. شنیدن، با گوش دادن متفاوت است. در عربی نیز «سمع» و «استماع» متفاوت است. با به دست آوردن مهارت گوش دادن ما می توانیم در دل فرزندمان نفوذ کنیم. در بسیاری اوقات، والدین نمی توانند به حرف های فرزندانشان گوش دهند، بلکه تنها آن را می شنوند، اما گوش نمی دهند؛ این جا است که مشکل آغاز می شود. باید با تمام توجه به سخن فرزندمان گوش بدهیم. وقتی او صحبت می کند، باید نگاهمان به طرف او باشد. شنیدن سخن فرزند در

تحصیلات خانم ها سرکار خانم نیلچی زاده



دیدهایم که نهایتاً در مورد خانم ها باید یا خانم دکتر باشد یا خانم مهندس، اما چقدر قرار است نقش دختری، همسری و مادری را که نقش های کلیدی و ماندگار زندگی اوست، یاد بگیرد و برای آن آماده شود؟

با چنین نگاهی خب طبیعتاً زمانی که این فرد به مقطع دانشگاه می رسد و وارد دانشگاه می شود، چرا یک بُعدی بالا نرود؟ پدر و مادر زندگی یک بُعدی را به او یاد داده اند و از او خواسته اند، ابتدا لیسانس، فوق لیسانس و دکتری بگیرد. فرزند یک باره خودش را در یک کویر پیدا می کند که نه همسری از نظر شغلی و تحصیلی در موقعیت شبیه خودش پیدا می کند و نه کسی را که بتواند با او به طور حقیقی انس بگیرد و بتواند به او وفادار باشد، چیزی که در کشور ما اتفاق افتاده است و ما بیش از هفت میلیون دختر مجرد تحصیل کرده در مقاطع عالی داریم. چرا باید ۳۰ سالگی برای پسر ها سن یأس از ازدواج و ۲۷ سالگی سن سختی برای ازدواج دختر های ما باشد؟!

اگر ما آن بحث خودمحموری را که قرآن هم به آن اشاره می کند به عنوان یک بحث زیرساختی و مهم ترین آسیب شناسی این قضیه تلقی کنیم، حل کردن باقی پازل کار آسانی می شود و با اندک توجه، خانه های دیگر پازل هم تکمیل می شود. بهتر است این گونه بگوییم که گاهی افراد ترجیح می دهند نام های حقیقی چیز های بد را نگویند تا از قشنگی کلمات برای کار زشت و ناپسندی که می خواهند انجام دهند استفاده کنند؛ این همان جابه جایی ارزش ها است؛ داشتن تحصیلات دانشگاهی یا جاه طلبی علمی خانم ها، داشتن شغل مؤثر خانم ها یا جاه طلبی شغلی خانم ها و یا حضور اجتماعی مفید خانم ها یا خودنمایی و جلوه گری خانم ها و... بله، قطعاً تحصیلات عالیه برای زنان، مفید و مؤثر است، اما کی، کجا و چگونه؟ زمانی که از پیش دبستانی و اول دبستان، فرزندمان را آماده می کنیم که در کنکور موفق بشود، ما داریم در یک «حمایت مرکب» زندگی می کنیم. یعنی بچه را یک «مادربرد» کامپیوتر

ما بی صاحب نیستیم

طهورا فاخر

نماز خیلی وقت بود که تمام شده بود. اکثر خانمها رفته بودند. من هم چادر نماز و سجادههای خودم و دو تا دخترم را تا کردم و گذاشتم توی کیسههایشان. دخترها چادرهای مشکی شان را سر کردند و راه افتادیم. خانم جوانی که از اول ورودمان به مسجد حواسش به ما بود، صدایم کرد: ببخشید خانوم!

- بله. با منید؟

- اینا دخترای خودتون؟

- بله.

- می شه برای منم خیلی دعا کنید؟

- دعا که می کنم، ولی چه دعای خاصی منظور تونه؟

- می شه چند دقیقه باهاتون حرف بزنم؟

- دخترها را فرستادم توی حیاط که بازی کنند و کنارش نشستیم:

- بفرمایید.

- راستش من خیلی از بچه دار شدن می ترسم.

اونقدر می ترسم که به شوهرم گفتم یا بچه دار نمی شم، یا فقط یه دونه.

- از چه نظر می ترسی؟ از بارداری و زایمان؟ از پول و امکانات؟ از چی؟

- هیچ کدوم. من می ترسم توی این دوره زمونه ناجور، تنوم بچه هامو خوب تربیت کنم. خودتون که بهتر می دونین چه وضعیه. دیدم شما دختراتونو توی این سن کم، چادری کردید، مسجد آوردید، گفتم هم راهنماییم کنید، هم برام دعا کنید.

- مگه ما بی صاحبیم؟

- بی صاحب؟

- بچه شیعه ها بی صاحب نیستن؛ بالاتکلیف نیستن. ما دو تا اصل مهم داریم: توکل و توسل. بین عزیزم، ما خودمون به تنهایی یه کارای محدودی ازمون برمی یاد. اگه لطف خدا و اهل بیت پشتمون نباشه، به خودمون و تربیتای ناقصمون که امیدی نیست. ما به خدا توکل می کنیم؛ ازش کمک می خوایم؛ به

اهل بیت (علیهم السلام) متوسل می شیم و خواهش می کنیم؛ بچه هامونو پیششون بیمه می کنیم؛ از قبل تشکیل نطفه تا دوران بارداری و دوران رشد بچه ها، موبه مو به توصیه های روایات عمل می کنیم؛ خلاصه این که ما بی صاحب و بالاتکلیف نیستیم. به جای ترسیدن، مطالعه کن؛ راههای درست رو پیدا کن و بهشون عمل کن.

- آخه فضای جامعه خیلی خرابه. نمی شه توی این محیط بچه خوب تربیت کرد.

- فضای امروز بدتره یا قبل از انقلاب که مشروب و برهنگی و بی دینی همه جا پر بود؟

...

- ایران ما بدتره یا اروپا و آمریکا؟

...

- توی همون ایران قبل از انقلاب و توی همین اروپا و آمریکای پر از فساد، می دونی چه آدمایی بار اومدن؟

- می دونم.

- پس این جوری نیست که نشه؛ البته راحت

نیست، ولی می شه. به اون کاری که درسته

عمل کن، خدا هم پشت و پناشته.

جای ترس نداره. یه چیز دیگه

بگم. شما اگه یه بچه خوب تربیت

کنی، بیش تر از ۵۰ درصد تربیت

بچه های بعدی هم حل می شه؛

چون خود بچه ها خیلی

روی هم تاثیر

می دارن. ●





تجربه‌های بر باد رفته

فهمیده نجابت

دخترک حدود یک سالش بود. مادر با ناشی‌گری خاصی او را بغل گرفته بود و وسط اتوبوس ایستاده بود. زن میان‌سال نفس نفس می‌زد. نمی‌توانست دستش را به میله بگیرد و تلوتلو می‌خورد.

رو کردم به دختر جوانی که روی صندلی کنار ما نشسته بود و گفتم: دختر خانوم! نظرت چیه جات رو بدی به این خانوم که بچه بغلشه؟

دختر جوان از جا پرید: ببخشید! من حواسم به شما نبود! بفرمایید خانوم. بفرمایید بشینید.

زن، تشکرکنان نشست روی صندلی و کیف و بچه را گذاشت روی پایش. لبخندی زد و به من گفت: خدا خیرت بده؛ خودم روم نمی‌شد بگم.

می‌دونم. خب بقیه باید حواسشون باشه.

چند لحظه گذشت. زن عصبی بود. احساس کردم منتظر یک جرقه است که سر دردش باز شود و از مشکلاتش بگوید. به این اتفاق احتیاج داشت. تصمیم گرفتم جرقه را بزنم:

همین یه بچه‌رو دارید؟

نه. یه پسر ۱۳ ساله هم دارم. خودمو بیچاره کردم. نمی‌دونی چقد پشیمونم.

از چی؟

از این که این همه بین بچه‌هام فاصله افتاد.

الان که مده. همه همین کارو می‌کنن.

د من بدبختم گول همین مد و راحتی و این چیزارو خوردم. هم خودمو بیچاره کردم، هم بچه‌هامو.

می‌شه بگید چرا؟

هرچی سر بچه اولم یاد گرفته بودم و تجربه کرده بودم، یادم رفته. درست مثل اینه که سارا بچه اولمه. اونقدر همه چیز توی این ۱۲ سال عوض شده که همون تجربه‌هایی هم که یادم موندن، به دردم نمی‌خورن. حتی وقتی سارا مدرسه بره، درس‌ها و روش‌های تدریس کلا یه

نه بابا! دیگه از من گذشته. مردم چی می‌گن؟

بازم که می‌خواین زندگی‌تونو روی حرف مردم بنا کنین! مگه همین چند دقیقه پیش نگفتین از این کار پشیمونین؟ - چه می‌دونم! خب نمی‌شه که بی‌خیال بشم. آدم اذیت می‌شه خب. هر کی از راه می‌رسه یه چیزی می‌گه.

- قبول داری حرف من درسته؟ قبول داری باید دخترتو از تنهایی نجات بدی؟ قبول داری روشی که مردم پیش گرفته‌ان و به تو هم تحمیل می‌کنن، غلطه؟ - آره راستش.

- پس همون کاری که برای خانواده خودت درسته انجام بده؛ نه اون کاری که دیگران تجویز می‌کنن. ●

دنیای دیگه شده. اونقدر فاصله بچه‌ها زیاده که اصلاً انگار خواهر و برادر نیستن. نه می‌تونن با هم بازی کنن، نه دنیاشون به هم شبیهه. هر چقدرم بزرگ‌تر بشن این مشکل بیشتر می‌شه. هردوتا بچه‌هام تنهان!

پسرم برای خودش، تنها، پای کامپیوتر و تلویزیون بزرگ شد، دخترمم همین بلا سرش می‌یاد؛ چون داداشش حوصله‌شو نداره.

- خیلی از وضعیت پسرتون ناراحتید؟

- خیلی.

- خب یه کاری کنید دخترتون این‌جوری نشه.

- چی کار کنم؟

- یکی دو سال دیگه یه بچه دیگه داشته باشید.



نگاه ما، نگاه او

تظیفه سادات مودن

من پای تلویزیون بودم و خواهر بزرگم پای تلفن. نمی‌دونستم با کی داره بحث می‌کنه ولی انگار موضوع جدی بود. کم‌کم احساس کردم بحث خواهرم از برنامه تلویزیون جذاب‌تره. تلویزیونو خاموش کردم تا صداشو بشنوم:

مسئله اینه که ما و شما معیارها و اولویت‌هامون اونقدر با هم متفاوته که با دلا یلمون همدیگه رو قانع نمی‌کنیم. من قائل نیستم بچه‌رو باید مای بی‌بی کرد که مجبور بشی اون همه پول براش خرج کنی.

من قائل نیستم بچه‌رو حتماً باید مدرسه غیرانتفاعی گذاشت. من قائل نیستم اگه بچه موبایل و تبلت نداشته باشه دنیا رو سرش خراب می‌شه. من قائل به مدل زندگی‌های امروزی بعضی آدم‌ها نیستم. من می‌گم بچه باید از نظر روحی سالم و کامل بار بیاد. بچه سالم و کامل، اگه تبلت نداشته باشه احساس بدبختی نمی‌کنه.

من می‌گم برای تربیت خوب، بچه‌ها به داشتن خواهر و برادر، خیلی بیش‌تر احتیاج دارن تا داشتن کامپیوتر و این چیزا. توی فضا هم حرف نمی‌زنم. هم خودم این‌طوری بزرگ شدم و هم بچه‌هامو این‌طوری بزرگ کردم و هم خیلی از اطرافیانم این تجربه‌رو دارن. با درآمد‌های خیلی کم بچه‌های خیلی خوب تربیت کردن و چون اولویت‌های زندگیشون با شماها خیلی فرق داره، با این‌که بعد از ۲۰ سال زندگی، هنوز مستأجر هستن، به‌جای غصه‌خوردن برای این مسایل، به فکر تربیت بچه‌هاشونن. بچه‌ها هم فهمیده و قانعن. واقعاً می‌شه این جور زندگی کرد. مشکل از طرز فکر ماست!

....

- گاهی خوبه به اندازه اعتمادی که به حرفای دوستمون داریم، به حرفای خدا هم اطمینان داشته باشیم. یعنی خدا قدرت داره که روزی من و همسرم و یه بچه یا دو تا بچه‌مو برسونه، ولی همین‌که شد سه یا چهار تا نعوذبالله از دادن روزی این یکی عاجز می‌شه؟! خدای مهربون ما داره روزی کفار و مشرکین رو می‌ده؛ حالا اگه نوبت به روزی یه بچه شیعه برسه نعوذبالله دست بسته می‌شه؟!

موضوع جالب شد. پاشدم رفتم پیشش و با اشاره ازش خواستم که از اون خانم اجازه بگیره تا منم حرفاشو بشنوم. خواهرم اجازه گرفت و تلفنو گذاشت روی آیفون؛ صدای یه خانوم میان‌سال بود:

- من با افزایش جمعیت با شرایط فعلی مخالفم. یه طوری نشه

که بعداً کالاسا تو مدرسه‌ها بشه ۵۰ نفره، بعدشم سه شیفته شدن مدارس و بیکاری و ...

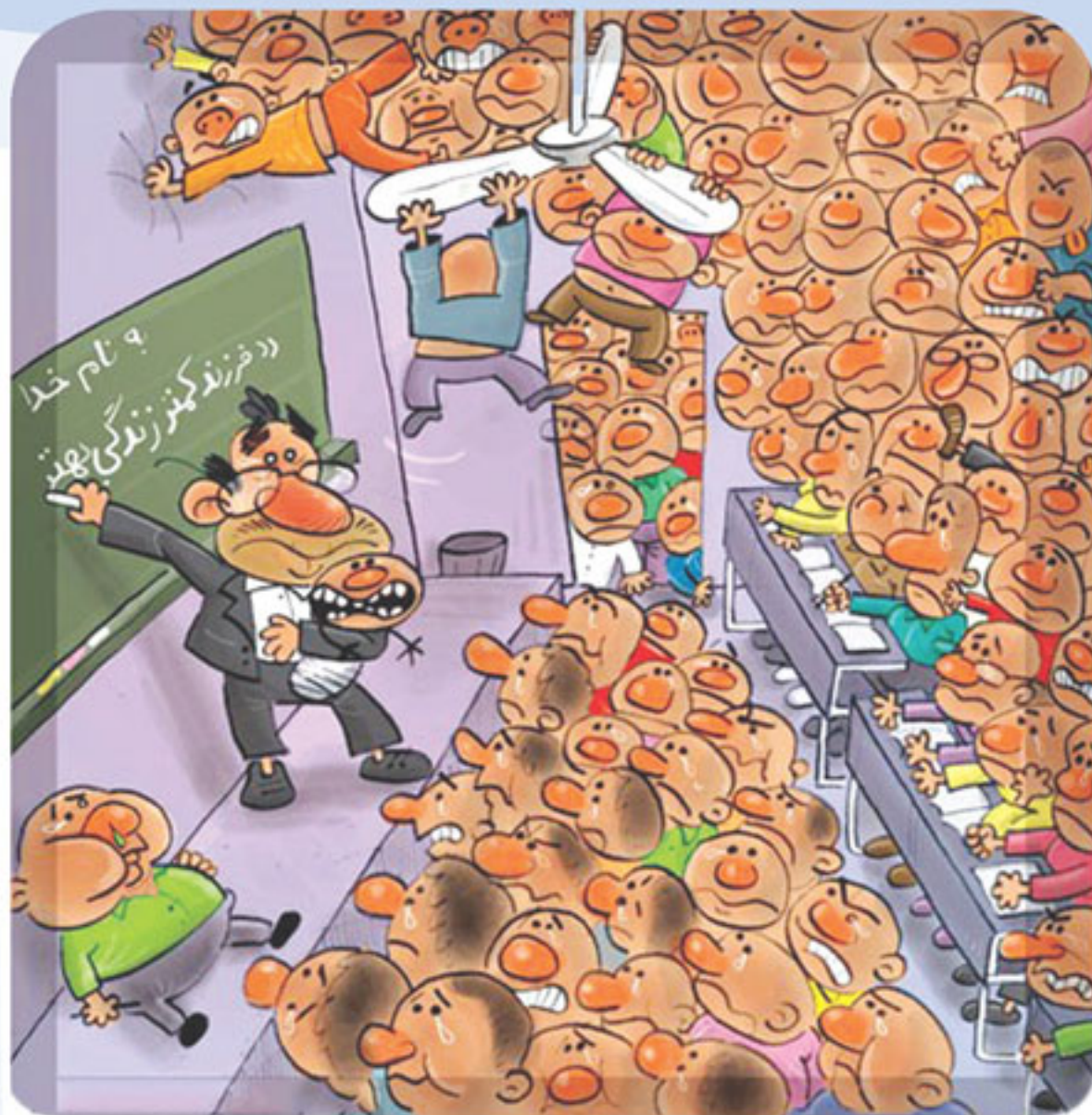
- همین‌طوره که می‌فرمایید، ولی این دور باطله که بگیم اول امکانات باشه بعد جمعیت بیاد. خب وقتی تعداد دانش‌آموزا کمه برای کی مدرسه بسازن؟ باید بچه‌ها باشن، آمار نشون بده که ۶ سال دیگه فلان تعداد دانش‌آموز داریم تا برای اون تعداد مدرسه ساخته بشه. این اتفاق به تدریج می‌افته. اگه تصمیم همگانی برای افزایش جمعیت گرفته بشه، حتماً جوانبشم لحاظ می‌کنن؛ البته هر کس باید وظیفه خودشو درست انجام بده.

- مگه یادتون رفته دهه ۶۰ و بعد از جنگ با کالاسای ۵۰ - ۶۰ نفری و سه نوبته مدارس چی به سرمون اومد؟ مگه این همه جوون بیکارو نمی‌بینید که به‌خاطر سیاست غلط افزایش جمعیت دارن خیابونارو متر می‌کنن؟ با اوضاع طلایی اقتصاد که روزبه‌روز شکوفاتر می‌شه باید چی کار کرد؟ باید بچه‌رو عذاب داد؟ یه کارگر چه‌طوری باید زندگی‌شو بچرخونه؟ باید با فقر بگذرونن که جمعیت زیاد بشه؟ فرهنگم که دیگه نگو... یکی درمیون سیگاری شدن!

- برای کسی که ایران امروز رو با ایران بعد از جنگ مقایسه می‌کنه و ایران فردارو تا این حد سیاه می‌بینه جوابی ندارم. واقعاً این وضع مملکت ماست؟ من نمی‌گم مشکل وجود نداره ولی اصلاً به این صورتی که شما می‌گید نیست. ضمناً مثل شما سیاه‌بین و ناامیدم نیستم. همین جوونا، همین بچه‌ها باید بیان ایرانو بسازن.

طاقتم تموم شد. دهنمو بردم جلوی آیفون گوشی و گفتم: چه بهتر که آدمایی با طرز فکر شما فرزند کمتر بیارن! چقدر کشورمون قشنگ‌تر می‌شه! آدمایی که به ایران امید دارن، آدمایی که تصمیم دارن برای پیشرفت کشورشون همه جور سختی‌ای بکشن، آدمایی که فکرای مثبت دارن بچه‌دار بشن، زیاد بشن، ایران پر بشه از انرژی مثبت!

خواهرم لبخندی زد و به خانوم پشت خط گفت: می‌بینی؟ بچه‌های این دوره زمونه این جورین چه برسه به بچه‌های نسل بعد! این هنوز ۲۰ سالشه دنیارو این جور می‌بینن. من می‌گم شما نگران نسل آینده نباش. اینا خوب بلدن چه‌جوری گلیمشونو از آب بیرون بکشن؛ تازه بچه‌های اینا که به‌قول شما بچه‌های تبلت و لب‌تابن. با این پیشرفت علمی ایران که روزبه‌روز داره سریع‌تر می‌شه، مطمئن باش ایران فردا خیلی قشنگ‌تر و پیشرفته‌تر و آبادتر می‌شه. ●



صفوف در هم فشرده مشتاقان علم و دانش نشان از وجود عطش دانستن در دهه شصتی ها داشت.



غول کنکور بسیاری از دهه شصتی ها را ناکام گذاشت.

قرار است یک فرزند باشد، با سزارین باشد تا حداقل درد کمتری تحمل شود و... به هر حال یکبار است دیگر!

می دانیم که آمار سزارین در ایران بسیار بالاتر از میانگین جهانی است. بالاتر یعنی رتبه دوم در جهان. افزایش سرطان هم از اثرات این تفکر بود. چندی پیش یکی از مسئولان بهداشتی کشور، علل افزایش آمار سرطان سینه را از دواج دیر هنگام، تأخیر در بچه دار شدن و تمایل نداشتن مادران به شیردهی کامل به کودکان دانسته است. گفتنی است سرطان، سومین عامل مرگ و میر کشور و سرطان سینه دومین سرطان شایع محسوب می شود.

اما کار به همین جا تمام نمی شود و پیامد دیگر که پدید آمدن یک «نسل لوس» در کشور است، سر باز می کند؛ نسلی که تک فرزند هستند و تک فرزندی تربیت می شوند. این نکته، توهین نیست؛ تک فرزندان بسیاری از ظرفیت های تعاملی و رشد و بالندگی کسانی را که در برخورد و یادگیری از یک جمعیت زیاد به دست می آورند، ندارند و در ادامه با بسیاری از مشکلات روبه رو می شوند. اگر فرزند یک خانواده پر جمعیت پدر یا مادر خودش را به خانه سالمندان می سپرد، عملی ناپهنجار و غیر اخلاقی مرتکب شده، اما اینک توقع اینکه یک تک فرزند این کار را با پدر یا مادرش بکند، فرضی طبیعی است. تک فرزند اگر به هر دلیل نتواند از آن ها مراقبت کند چاره دیگری جز این ندارد و این یعنی باز فاصله و گسست.

اگر ما بچه های دهه شصت به علت رشد در فضای حساس و پر برخورد فرهنگی، نسلی سوخته محسوب شویم، با کاری که اینک در برابر فرزندان خود انجام می دهیم، از آنان نسلی به مراتب سوخته تر خواهیم ساخت.

وقتی از ثروت نفت سخن می گوئیم و همه حاضریم تا آن را حفظ کنیم تا این ثروت به فرزندانمان هم برسد، باید در مورد آن ها هم مسئولیت داشته باشیم و ثروت دیرینه مان را برای آن ها و نسل های بعدشان بگذاریم. آیا ثروت ارزش های اخلاقی با روند کنونی به نسل های بعد منتقل خواهد شد؟ ●

نسل سوخته، نسل سوخته سوخته!

محمد احمدی

ما یعنی بچه های نسل سوم انقلاب و به قول مشهور این روزها «دهه شصتی ها» نسلی سوخته بودیم! از یک طرف، آخرین بازمانده خانواده هایی با جمعیت متوسط (با حدود ۴ فرزند) بودیم و از طرف دیگر مجریان واقعی و مخاطبان اصلی برنامه های کنترل جمعیت! ما کمبودهای دوران جنگ و مدرسه های چند شیفته و کنکورهای چند میلیونی را تجربه کردیم. بحث ها و تبلیغات اولیه کنترل جمعیت هم درست زمانی بود که ما دوران کودکی را می گذراندیم، این تبلیغات البته روی پدر و مادرهای ما که هم از خانواده های پر جمعیت بودند و هم خانواده های با جمعیت متوسط داشتند، تأثیری نداشت، اما روی ما چرا!

بزرگ شدن ما نسل سومی ها با پدید آمدن مسایل جدید در حوزه فرهنگ و اقتصاد و جامعه همراه گشت؛ مسایلی که باید برای آن ها راه حل پیدا می شد، و پیدا شدن راه حل یعنی این که ما نسل سومی ها باید چاره ای می اندیشیدیم و برنامه ای می ریختیم.

نسل ما تا رسیدن به وقت ازدواج، بسیاری از مسایل مهم اجتماعی را چون شبیخون فرهنگی، تأثیرپذیری فرهنگی، گروه های مرجع، باز شدن فضای سیاسی و... به خود دید، مسایلی که در میان سر و صداها و تاییدها و انکارها آمد و اثرات خودش را بر روی نسل ما گذاشت و البته نرفت!

بالا رفتن سن ازدواج از همین تأثیرها بود و هست و حتی روش هایی هم چون ازدواج آسان و دانشجویی افق های نکرد و سن ازدواج هم چنان بالا ماند.

نسلی که به هر دلیل دیر ازدواج کرد، بر پایه همان تحلیل ها و با ترکیبی از توجیهات فردی و اجتماعی و اقتصادی ترجیح داد که دیر هم فرزند بیاورد؛ آن هم یکی یا در نهایت دو تا! و این یعنی ساخت نسلی سوخته سوخته. این تحلیل ها کم کم به این رسید که وقتی



نظر خدا چیست؟

رضا کیانی

باروری از مفاهیم مهم جمعیتی محسوب می‌شود که نزد ادیان و فرقه‌های گوناگون همیشه مورد توجه بوده است؛ چراکه این مفهوم به بقا و دوام آن ادیان بستگی دارد. با بررسی کتب آسمانی در می‌یابیم رویکرد ادیان نسبت به این موضوع همواره بر افزایش تعداد بوده است. در کتب دینی، از باروری و زاد و ولد به عنوان موهبت و نعمت الهی یاد شده است. به عبارت دیگر، بنده‌ای که عباداتش مورد قبول درگاه حق واقع می‌شود صاحب نسل و فرزندان بیش‌تری است؛ در مقابل از ظالمان و گناه‌کاران نسلی باقی نخواهد ماند. در بسیاری از کتب دینی درباره فرزندآوری احکام ویژه و فرامینی خاص صادر شده است. در قرآن نیز این موضوع در آیاتی جلوه کرده است که به برخی از آنها می‌پردازیم:

■ باروری و برتری

آیه ۱۲ سوره مبارکه نوح

قرآن زاد و ولد موجودات را لطف و مرحمت خدا و نشانه‌ای از قدرت بی‌پایان او می‌خواند. برای مثال در آیه ۱۲ سوره نوح می‌خوانیم «و شما را با اموال و فرزندان فراوان مدد فرماید و برای شما باغ‌های پُرثمر و نه‌رهای جاری آب نصیب فرماید.» و هم‌چنین در آیه ۶ سوره اسراء آمده است «سپس شما را بر آنها غلبه خواهیم داد و بر ثروت و مال و تعداد فرزندانتان می‌افزاییم و نفرات شما را بیش از دشمنانتان مقرر خواهیم فرمود.»

آیه ۶۹ سوره مبارکه توبه

در آیات ذکر شده افزایش فرزند و باروری زیاد همراه با مال و ثروت و ملک از نمونه‌های الطاف الهی بر شمرده می‌شود. در مقابل، انسان‌های گناه‌کار اگر چه دارای فرزند زیاد هم باشند اما به دلیل سرگرم شدن به باطل‌ها و زشتی‌ها، عاقبت مجازات شده و قومشان اگر چه زیاد هم باشد، همگی نابود خواهند شد:

«آنها (کافران و منافقان) که پیش از شما در دنیا زیسته‌اند هم مثل شما بودند، حتی از شما نیرومندتر و دارای فرزندان بیش‌تر... آنها به یابوگویی سرگرم بودند و اعمال آنها در دنیا و آخرت تباه شد، پس به‌واقع زیان‌کار شدند.»

آیه ۱۴۰ سوره مبارکه انعام

خداوند در این آیه زنده‌به‌گور کردن دختران تازه به دنیا آمده را نشانه جهل و نادانی افراد معرفی می‌کند «آنها که فرزندان خود را از روی سفاهت و نادانی کشتند و نیز آنچه را خداوند رزق آنها قرار داده بود، با دروغ بستن به خالق، تحریم کردند مسلماً زیان‌کار شدند، آنها به‌واقع گمراه شدند و اساساً آنها هدایت نیافته بودند.» بر اساس آیات این کتاب آسمانی والدینی که پس از به دنیا آمدن فرزند دختر، او را می‌کشتند نه تنها مرتکب گناهی بزرگ شده‌اند بلکه رزق و روزی را که همراه با نوزاد تازه متولد شده از جانب خدا ارسال شده بود، رد کرده‌اند. خدا در قرآن آنها را به عذاب و نابودی هشدار می‌دهد.

آیه ۵۹ و ۵۸ سوره مبارکه نحل

باید توجه داشت زمانی دین مبین اسلام در سرزمین عربستان ظهور کرد که زن در جامعه آن روزگار عرب، ارزشی نداشت و در مقام پایین‌تری نسبت به مرد قرار می‌گرفت، از این رو آنان دختران نوزاد خود را پس از به دنیا آمدن زنده‌به‌گور می‌کردند. در آیات ۵۸-۵۹ سوره نحل چنین ذکر شده است «و هرگاه به یکی از آنها تولد فرزند دختر را خبر دهند چهره‌اش از شدت خشم سیاه می‌شود ولی از ابراز غم درونی و خشم خویش خودداری می‌کند. او به‌واسطه خبر تولد فرزند دختر و احساس ننگ، از خانواده خود کناره می‌گیرد، از دیار خود متواری می‌شود و در تردید است که آیا نوزاد خود را با خودداری نگه دارد یا زنده‌به‌گور کند؟ این داوری نادرست است که بین دختر و پسر تبعیض قائل می‌شوند.»

■ باروری و تبعیض جنسی

باروری و اراده خداوند

آیه ۴۷ سوره مبارکه آل عمران

با نگاه به آیات ذکر شده در می یابیم قرآن، زاد و ولد را پاداشی از سوی خدا نسبت به بندگان مؤمن و پرهیزگار معرفی می کند. مریم و زکریا هر دو به دلیل آن که پاک دامنی و پاک سرشتی را سرلوحه کار خود ساخته اند پاداش خواهند گرفت و آن پاداش چیزی نیست جز تولد فرزند.

«مریم گفت: پروردگارا، چگونه ممکن است مرا فرزندی باشد در حالی که هیچ مردی مرا لمس نکرده است؟ فرشته گفت: خداوند بدین گونه هر چه را اراده فرماید خلق می کند و چون اراده به بودن چیزی فرماید به آن می فرماید: موجود شو و بر اثر این امر، آن چه اراده فرموده، موجود می شود.»

آیه ۹۰-۸۹ سوره انبیاء

نمونه دیگری که قدرت و اراده خدا در مورد باروری ذکر شده، مربوط به تولد حضرت یحیی علیه السلام است. در سوره انبیاء در این باره چنین می خوانیم «ای پیامبر، از زکریا یاد کن، آن گاه که پروردگار را خواند و عرض کرد ای پروردگار من! مرا بدون فرزند و وارث نگذار اگر چه تو وارث ابدی بندگان هستی. پس ما دعای او را مورد اجابت قرار دادیم و یحیی را به او عنایت فرمودیم و همسرش را از بیماری نازایی بهبودی بخشیدیم.»

آیات ۵۸-۵۹ سوره مبارکه واقعه

بنابراین آن چه سبب ایجاد زاد و ولد می شود قدرت خداست. خالق و پدیدآورنده تمامی انسان ها اوست، نه سایر انسان ها؛ «آیا نطفه ای را که در رحم همسر خود می ریزد، ملاحظه کرده اید. آیا شما خالق نطفه و بچه هستید یا ما؟»

آیه ۳۷-۳۹ سوره مبارکه قیامت

در قرآن، شکل گیری نطفه، باروری و زایمان انسان ها از نشانه های قدرت باری تعالی ذکر شده است. پدیده ای که به خواست و اراده خداوند محقق می شود.

«آیا او از نطفه ای که در رحم مادر ریخته شده به وجود نیامد. سپس نطفه به صورت خون بسته درآمد و آن گاه خداوند به او شکل و تناسب اندام بخشید و از زوج مذکر و مؤنث خلق فرمود.» آیات ذکر شده همگی بر قدرت و تسلط او بر امر باروری

هم چون تمامی پدیده ها اشاره دارد؛ چراکه اگر او نخواهد هرگز چنین نخواهد شد. در آیه ۱۱ سوره فاطر آمده است «خداوند پدر شما، آدم را از خاک آفرید و سپس فرزندان او را از نطفه آفرید و برای شما انسان ها جفت قرار داد و هیچ زنی باردار نشود و نژاید مگر این که این موضوع نزد خدا دانسته است و بر اساس مشیت ازلی نظم یافته و به طور مقدر این روال در زندگی بشر ادامه دارد و هیچ کس عمر طولانی نمی کند و هیچ کس از عمرش کم نمی شود مگر این که همه این احوال در پی تقدیرهای الهی با رمز خاص در لوح محفوظ ثبت شده است و همه این امور بر خدا آسان است.»

نه کاییش... فرزندان



فرزندان را از ترس گرسنگی نکشید، ما شما و آنان را روزی می دهیم

آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره

در آیه ۲۳۳ سوره بقره آمده است «مادران باید تا دو سال تمام فرزندان خود را شیر دهند و این برای مادرانی است که بخواهند دوران شیرخوارگی فرزندشان را خودشان کامل کنند. تهیه خوراک و پوشاک مادر به طور متعارف و شایسته بر عهده پدر است... هیچ کس مکلف به تحمل بار مسئولیت بیش از حد توانایی خود نیست؛ نه مادر و نه پدر هیچ کدام نباید به خاطر فرزند متحمل ضرر شوند و اگر آنها با رضایت بخواهند کودک را زودتر از شیر بازگیرند گناهی بر آنها نیست.»

آیه ۱۵۱ سوره مبارکه انعام

در قرآن کریم کشتن فرزند به دلیل فقر و تنگدستی بسیار مورد نکوهش واقع شده است. آیاتی در قرآن آمده که به طور مستقیم به این موضوع می پردازد. در سوره انعام آمده است «فرزندان را از بیم فقر و تنگدستی نکشید که ما شما و آنها را رزق و روزی می دهیم.»

این موضوع در آیه ۳۱ سوره مبارکه اسراء چنین ذکر شده است «فرزندان را از بیم فقر و ناداری نکشید، رزق و روزی آنها و خود شما هم به عهده ماست. کشتن آنها به واقع گناهی است بزرگ.»

بر اساس آیات مذکور، کشتن فرزندان از گناهان است و چنانچه والدین، فرزندان خود را به دلیل ناتوانی مالی از بین ببرند مرتکب گناهی بزرگ شده اند. آیات کتاب قرآن اشاره دارد که رزق و روزی را خدا مشخص می کند و اوست که بندگان را برکت خواهد داد.

این سخن هرگز به معنای آن نیست که والدین نسبت به فرزندان خود صاحب حق و مسئولیتی نیستند، بلکه بر آنها وظایفی نهاده شده که باید در انجام آنها کوشا باشند؛ البته نه آن گونه که خود با مشکل خاصی روبه رو شوند. ●



برکت در قدمش رسیده است

روایت هایی که کمتر شنیده اید

خانه بی برکت

خاتم الانبیاء ﷺ: خانه ای که کودک در آن نیست، برکت در آن نیست. (کنز العمال، ج ۲۵، ص ۴۴۴)

فرزندان مددکار

امام سجاده ﷺ: از خوشبختی مرد، این است که فرزندانی داشته باشد که یاورش باشند. (الکافی، ج ۶، ص ۲)

کفاره گناهان والدین

نبی اکرم ﷺ: هرگاه کودکی بیمار شود، کفاره گناهان پدر و مادر است. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۹۷)

ارزش فرزند داشتن

امام زین العابدین ﷺ: فرزند چیز خوبی است. اگر زنده باشد دعاکننده آماده است و اگر بمیرد شفیعی حاضر است. (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۸۹)

ارزش مهرورزی به فرزند

امام صادق ﷺ: به درستی خداوند به سبب شدت محبت مرد به فرزندش به وی ترحم می کند. (هدایه الی احکام الائمة، ج ۷، ص ۳۰۴)

فرزند، عامل ماندگاری

امام رضا ﷺ: شخصی که بدون فرزند بمیرد چنان است که در میان مردم نبوده و کسی که بمیرد و جانشینی داشته باشد چنان است که هرگز نمرده است. (من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۱)

ثواب نگرستن به فرزند

پیامبر خدا ﷺ: هرگاه پدر به فرزندش نگاه کند و او را خوشحال سازد، (پاداش) آزاد کردن برده ای را دارد. (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۰)

پاداش مادران باردار

رسول اکرم ﷺ: زنی که حامله می شود در سایه لطف خداست و به عدد هر زایمانی که برایش پیش می آید پاداش آزاد کردن یک برده را دارد. (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۵۶)

ثواب به دنیا آوردن فرزند

پیامبر اکرم ﷺ: فرمود: خدا به بانویی که فرزندی به دنیا می آورد، چنین خطاب می کند: ای خانم (که فارغ شده ای) تمام گناهان گذشته ات را بخشیدم. (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۵)

استغفار برای فرزنددار شدن

امام صادق ﷺ: برای فرزنددار شدن به شخصی چنین توصیه می فرماید: صبر در سحرگاهان به درگاه خداوند، استغفار کن و اگر فراموش کردی قضای آن را به جای آور. (الکافی، ج ۶، ص ۹)

گفتن اذان برای فرزنددار شدن

از حشام بن ابراهیم روایت شده است که از بیماری نزد امام رضا ﷺ شکایت کرد و عرض کرد که فرزنددار نمی شوم. امام ﷺ به او امر کرد در خانه، صدایش را به اذان بلند کند. هشام می گوید چنین کردم و بیماری از من رخت برپست و خداوند، فرزندان زیادی به من داد. (الکافی، ج ۶، ص ۱۰) ●



هم مستحب است و هم مطلوب

رویکرد دین به موضوع جمعیت

آیا می‌توان از آموزه‌های دینی به‌عنوان مشوق‌های فرزندآوری بهره برد؟ اصلاً رویکرد دین به موضوع جمعیت چیست؟ برای پاسخ کوتاه به پرسش‌هایی این‌گونه در گام نخست باید آموزه‌های دینی را در چارچوب برخی مقدمات و قواعد دسته‌بندی کنیم:

از برنامه‌ریزی غفلت نشود

در نگاه دینی ما، تحولات اجتماعی قاعده‌مندند و سنت‌های الهی، هم بر جهان طبیعت و هم بر تحولات اجتماعی حاکمند. یکی از این سنت‌ها آن است که انسان و اراده‌های انسانی در تحولات اجتماعی مؤثرند؛ بر همین اساس، باور داریم که باید برای زندگی برنامه‌ریزی کنیم. آموزه‌هایی که به میانه‌روی اقتصادی و برنامه‌ریزی در زندگی سفارش می‌کنند و آیاتی از سوره یوسف که برنامه‌ریزی اقتصادی ۱۴ ساله را به پیامبر خدا نسبت می‌دهند، دلیلی بر این مدعا هستند.

همه چیز پول نیست

در نگاه اسلام، سبب و علت پدیده‌ها تنها در عوامل مادی خلاصه نمی‌شود و روابط گیتی پیچیده‌تر از آن است که در چارچوب نظریه‌های مادی بگنجد و توضیح یابد؛ برای نمونه:

۱. برخی آموزه‌ها ارتباط میان تقوا و گشایش در زندگی و بهره‌مندی از روزی پیش‌بینی نشده را بیان می‌کنند؛ (طلاق، آیات ۲ و ۳)
۲. برخی آموزه‌ها میان تقوای همگانی و بهره‌مندی از برکات الهی رابطه برقرار می‌کنند؛ (اعراف، ۹۶)
۳. برخی آموزه‌ها به تأثیر استغفار در زیادی نعمت و افزایش توانمندی می‌پردازند؛ (هود، ۵۲؛ هود، ۳؛ نوح، آیات ۱۰-۱۲)

۴. برخی آموزه‌ها صدقه را مایه افزونی و ربا را زمینه‌ساز کاهش و نابودی

می‌دانند؛ (بقره، ۲۷۶)

۵. برخی آموزه‌ها گناه را زمینه‌ساز فساد و تباهی در دنیا می‌دانند؛ (روم، ۴۱)

۶. برخی آموزه‌ها سپاس‌گزاری از نعمت الهی را عامل فزونی و ناسپاسی را زمینه‌ساز عذاب دانسته‌اند. (ابراهیم، ۷)

رزاق بودن خداوند

یکی از سنت‌های الهی «رزاق بودن» خداوند است. خداوند تأمین روزی بندگان را پذیرفته و در برابر، از آنان می‌خواهد که با کلیدهای تلاش و دعا و تضرع و استغفار، درهای روزی را به روی خود بگشایند. تنگی در روزی - که برخی جوامع به آن گرفتار می‌شوند - بیش‌تر برآمده از ضعف تدبیر، گسترش ستم و تبهکاری‌های اجتماعی، سستی در ارتباط با خداوند، ویرانی طبیعت، برگزیدن الگوهای سبک زندگی اسراف و فردگرایانه، و تنبلی و کم‌کاری است؛ البته گاهی هم تنگی در روزی و سختی در زندگی، آزمایشی الهی و برای افزایش رابطه میان انسان و خداست. برخی آیات الهی به موضوع روزی‌دهندگی خداوند اشاره کرده‌اند:

«و چه بسا جنبده‌ای که [از ناتوانی] قدرت حمل روزی خود را ندارد؛ خداوند او و شما را روزی می‌دهد.» (عنکبوت، ۶۰) و یا «و هیچ جنبده‌ای در زمین نیست، جز آن که روزی‌اش بر خداست.» (هود، ۶)

به‌گفته علامه طباطبائی رحمه‌الله این آیات نشانگر این هستند که روزی دادن به آفریدگان بر خداوند متعال واجب است؛ زیرا روزی‌رسانی به آن‌ها از کارهایی است که تنها ویژه خداست و حقی از سوی آفریدگان بر خداوند متعال است.

آموزه‌های دینی درباره افزایش جمعیت

پس از مقدماتی که گفتیم، به‌سراغ

آموزه‌هایی می‌رویم که به‌طور مستقیم، به جمعیت ارتباط دارند و افزایش جمعیت را سفارش می‌کنند. این آموزه‌ها را نیز می‌توان در چند دسته جای داد:

دسته نخست: آموزه‌هایی که با آگاهی دادن به رزاق بودن خداوند، نگرانی از فرزندآوری را می‌زدایند؛ «و فرزندانتان را از بیم تنگ‌دستی نکشید؛ ما آنان و شما را روزی می‌دهیم.» (اسراء، ۳۱)

این آیه و متون همسان آن، درباره سقط جنین و فرزندکشی است، اما علتی که برای آن آورده شده، یعنی رزاق بودن خداوند، نسبت به همه انسان‌ها عمومیت دارد؛ البته از این آیه نمی‌توان تشویق به فرزندآوری را برداشت کرد، اما می‌توان دریافت که ترس از نداری و تنگ‌دستی نباید بازدارنده از فرزندآوری باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود «هر کس ازدواج را از ترس تنگ‌دستی رها کند، به خداوند گمان بد برده است.» (کافی، ج ۵، ص ۳۳۰) در این حدیث نیز به روشنی سخن از فرزندآوری به میان نیامده، اما ترس از تنگ‌دستی هنگام ازدواج، هم درباره هزینه‌های همسر و هم درباره فرزندان پیش می‌آید و امام علیه السلام این نگرانی را از مخاطب زدوده و او را از برآوردهای مادی بازداشته است. روایتی دیگر، آشکارا به همین موضوع پرداخته است:

امام صادق علیه السلام فرمود «روزی (ویژه خانواده) همراه با زنان و فرزندان است (و می‌رسد).» (پیشین)

دسته دوم: روایاتی است که بیانگر مباحثات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر دیگر امت‌ها به‌دلیل فزونی جمعیت مسلمانان است؛ روایتی از امام صادق علیه السلام رسیده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «با دوشیزگان ازدواج کنید. [و فرزند بیاورید!] آیا نمی‌دانید که من روز

قیامت به [جمعیت] شما [مسلمانان] حتی به سقط‌شدگان [از شما] بر [دیگر] امت‌ها مباحثات می‌کنم؟!» (پیشین، ص ۳۳۴)
در این دسته از روایات، به چند نکته باید توجه کرد:

۱. پیامبر اکرم ﷺ این روایات را زمانی فرموده‌اند که مسلمانان بیش‌تر در تنگنای اقتصادی بوده‌اند و گشایش اقتصادی مسلمانان در زمان خلفا و پس از کشورگشایی سرزمین‌های ثروتمند پیش آمد.

۲. در این روایات از مطلوب بودن ازدواج یا فرزندآوری سخن گفته شده است؛ نه مطلوب بودن زیادی فرزند! اما از پایان روایات که درباره مقایسه عددی امت اسلام با دیگر امت‌ها سخن می‌گوید، می‌توان نتیجه گرفت که بیش‌تر بودن جمعیت مسلمانان مطلوب است.

۳. اطلاق روایات نشان می‌دهد که پیامبر ﷺ به همه مسلمانان بر دیگر امت‌ها مباحثات می‌کند؛ نه با افراد شایسته! یعنی افراد عادی امت هم در این ارزش‌گذاری شریکند. گزاره «حتی به سقط‌شدگان هم مباحثات می‌کنم!» به روشنی نشان می‌دهد که شایستگی کنونی، ملاک مباحثات نیست. حتی مسلمانان گناه‌کاری که رده‌ای از ایمان را دارا هستند و سرانجام به بهشت خواهند رفت، در روایات این دسته جای می‌گیرند؛ بنابراین، ادعای این که مؤمنان گناه‌کار و آسیب‌دیده اجتماعی مایه مباحثات پیامبر ﷺ نیستند، هیچ گواهی ندارد.

دسته سوم: برخی متون به روشنی، مطلوب بودن زیادی فرزند را بیان کرده‌اند: از امام صادق ﷺ آورده‌اند که پیامبر اکرم ﷺ فرمود «زیاد فرزند آورید تا فرداروز [در قیامت] به زیادتی [جمعیت] شما بر [دیگر] امت‌ها چیرگی یابم [و افتخار کنم].» (پیشین، ج ۶، ص ۲)

دسته چهارم: برخی روایات فرزندآوری مسلمانان را به دلیل آن که زمینه‌ساز تسبیح بیش‌تر خداوند و زنده کردن یاد اوست، مطلوب می‌دانند:

امام صادق ﷺ فرمود «آن‌گاه که یوسف

ﷺ با برادرش (بنیامین) دیدار کرد، [به او] گفت: ای برادرم! پس از [غم جدایی] من، چگونه توانستی با زنان ازدواج کنی؟!» پس [بنیامین] گفت «همانا پدرم مرا فرمان داد [و] گفت: اگر بتوانی [کاری کنی که] برای تو فرزندانی باشد که زمین را با تسبیح [خداوند] سنگین کنند، چنان کن!» (پیشین، ج ۵، ص ۳۳۹)

در روایتی از امام باقر ﷺ نیز آمده که رسول خدا ﷺ فرمود «چه چیز مؤمن را از اینکه [همسر و] خانواده‌ای برگزیند، باز می‌دارد؟! امید است خداوند فرزندى به او روزی کند که زمین را با [گفتن] لا اله الا الله سنگین کند.» (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۴)

در این جا نیز، توجه به دو نکته مهم است: ۱. در این روایات، علت مطلوب بودن فرزندآوری، احتمال پدید آمدن نسلی

که لا اله الا الله یا تسبیح بگویند، بیان شده است؛ نه تحقق بیرونی آن. به بیان دیگر، آنچه برای پدر و مادر امکان‌پذیر است و به آن تکلیف شده‌اند، انگیزه و تلاش برای فرزندآوری و پرورش نسلی با این ویژگی است و همین تلاش در نزد خداوند مطلوب است و پاداش دارد؛ بنابراین، اگر پدر و مادر با انگیزه به دست آوردن نسلی تسبیح‌گو فرزند آورند؛ اما به دلیل عواملی بیرون از اختیار آنان، فرزند چنان ویژگی را نیابد، پدر و مادر وظیفه خویش را به جای آورده‌اند و پاداش می‌گیرند.

دسته پنجم: برخی

روایات فرزندان نابالغ و حتی جنین را شفاعت‌گر پدر و مادر و دارای سود معنوی برای

آنان دانسته‌اند یا برای نگهداری از فرزند پاداش‌هایی برشمرده‌اند: امام صادق ﷺ فرمود «همانا فرزندان [نابالغ] مسلمانان در نزد خداوند، شفاعت‌گر و شفاعت‌پذیرفته شده نام گرفته‌اند.» (کافی، ج ۶، ص ۳)

امام علی ﷺ درباره بیماری‌ای که به کودک می‌رسد، فرمود «همانا آن (بیماری)، کفارهای برای [گناهان] پدر و مادر اوست.» (من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۲)

از مجموع پنج دسته روایات پیش گفته، هم مستحب بودن فرزندآوری و هم مطلوب بودن زیادی فرزند به دست می‌آید و چنان که گذشت، ترس از تنگ‌دستی هم این مطلوب بودن را از میان نمی‌برد. ●





چرا به این جا رسیدیم؟

برخی زمینه‌ها و عوامل موثر در تحولات جمعیتی

عوامل فرهنگی

هم‌اکنون «خانواده کوچک» برای زوج‌های جوان به یک آرمان تبدیل شده است. پژوهش‌ها می‌گوید هرچه سطح رفاه اقتصادی و درآمدها، جایگاه اجتماعی و تحصیلات و شهرنشینی بالاتر باشد، گرایش به فرزندآوری کمتر می‌شود. موارد زیر می‌تواند نمونه‌های تحولات فرهنگی مؤثر در باروری را تا اندازه‌ای توضیح دهد.

تحولات هویتی

تصوراتی را که هر کس از خودش به عنوان یک شخص دارد، «هویت شخصی» و تصویری را که هر کس از خویش به عنوان یک زن یا مرد دارد، «هویت جنسی» می‌نامند. این تصورات که همراه با انتظارات و ارزش‌گذاری‌هاست، در بستر زمان تحول یافته است.

شاید بتوان مهم‌ترین عنصر در هویت تحول‌یافته انسان امروز را «فردگرایی» دانست. اگر در گذشته، مصلحت‌های اجتماعی پررنگ دیده و منفعت‌های فردی در دامن آن پیگیری می‌شد، هم‌اکنون شادکامی فردی، مناسبات و فرایندهای اجتماعی را تعیین می‌کند. در نگاه فردگرایانه، زندگی فرد از آن خود اوست؛ نه برای جامعه و نه برای خداوند! بنابراین، می‌تواند آن‌گونه که می‌خواهد و می‌پسند، رفتار کند.

در تصور مردانه در گذشته، احساس مسئولیت نسبت به اقتصاد خانواده، احساس وابستگی به خاندان، حق اعمال زور در خانواده، افتخار به عائله‌مندی و پرفرزندگی، و دل‌بستگی به خانواده دیده می‌شد، اما در تصویر مردانه نسل کنونی، چشم‌داشت همکاری اقتصادی از همسر،

خواسته‌های فردگرایانه و کاهش وابستگی به خانواده و خاندان، و کاهش گرایش به اعمال مدیریت را می‌توان دید. در این حال، مرد گرایش کمتری به پذیرش فرزندان بیش‌تر دارد و با تعداد عائله، هویت‌یابی و هویت‌نمایی نمی‌کند. از سوی دیگر، اگر در گذشته، زن با فرزندانش ارزش می‌یافت و دل‌بستگی اصلی‌اش به خانه و خانواده بود، خودش را پیرو تصمیمات شوهر می‌دانست و الگوی تمایز نقش‌ها را می‌پذیرفت و خواسته‌های اقتصادی کمتری داشت، اکنون با تحصیلات و کار هویت‌نمایی می‌کند و ارزش‌های اجتماعی و تحرک اجتماعی برای وی جایگاهی برتر و مهم‌تر از خانه و خانواده می‌یابد. اکنون او استانداردهای بدن و رعایت تناسب اندام را مهم می‌داند و کمتر از گذشته پیرو تصمیمات مرد، به‌ویژه تصمیم‌گیری درباره فرزندآوری است.

از دیگر سو، خانواده‌های جدید با مصرف، هویت‌سازی و هویت‌نمایی می‌کنند. روشن است که با فراگیری سبک زندگی مصرفی و افزایش مصرف، برای پذیرش فرزندان بیش‌تری که مصرف دیگر اعضای خانواده را محدودتر می‌کنند، جای کمتری می‌ماند! افزون بر این، در چنین فضایی فرزندآوری هرچه بیش‌تر، به خوار شدن خانواده‌هایی می‌انجامد که نمی‌توانند در مسابقه مصرف، خودی نشان بدهند و حتی پدر و مادر هم احساس می‌کنند در حق فرزندان کم‌برخوردار خویش ستم کرده‌اند.

در تابستان ۱۳۹۱ در شهر تهران، روی افراد همسررداری که یک فرزند زیر پنج سال دارند، پژوهشی انجام شد که نشان داد ۳۵ درصد از این پدران و مادران، می‌خواهند همان یک فرزند را داشته باشند و نزدیک به ۵۵ درصد بر آنند که دو فرزند داشته باشند و ۸ درصد از آنان خواهان سه فرزند و



باز می‌گردد:

اول: مفاسد اجتماعی افزایش یافته و احساس می‌شود فرزندان در فضاهای ارتباطی جدید آسیب‌پذیرتر شده‌اند. دوم: امر تربیت به‌دنبال پیچیدگی جوامع جدید، پیچیده شده و در نتیجه، پدران و مادران باید از مهارت کافی برای شناخت پدیده‌ها و رویارویی با مشکلات جدید و نیازمندی‌های نوپدید در تربیت فرزندان برخوردار باشند.

سوم: پیدایش مرجعیت‌های جدید تربیتی مانند نظام آموزشی مدرن و رسانه‌ها که به کنار زدن پدران و مادران و افزایش شکاف نسلی می‌انجامد، توانمندی تربیتی پدران و مادران را کاهش داده است.

امروزه، بسیاری از پدران و مادران به این نتیجه رسیده‌اند که برای تربیت درست فرزندان خویش، باید جامعه رزم بر تن کنند و در چند آوردگاه، در برابر رسانه‌ها و فضای اجتماعی و حتی مدرسه، ایستادگی کنند و در این راه، هزینه و باری سنگین را بر دوش بکشند.

عوامل اقتصادی

در میان عوامل اقتصادی می‌توان دو عامل زیر را برشمرد:

پرهزینه شدن فرزند

در گذشته، افزون بر آن که فرهنگ اقتصادی، گذران زندگی با هزینه کم را ممکن می‌ساخت، فرزندان نیز در سن‌های پایین‌تری به بازار کار روی می‌آوردند و می‌توانستند نیروی کارا و درآمدزا برای خانواده خویش باشند، اما امروزه، به‌درازا کشیده شدن زمان تحصیل، افزون بر زمان سربازی برای پسران، فرزند را به مصرف‌کننده‌ای هزینه‌بر تبدیل کرده و خانواده پُر جمعیت را به خطر انداخته است.

بی‌ثباتی اقتصادی

بی‌ثباتی اقتصادی برآمده از تورم و بیکاری بر زندگی مردم تأثیری آشکار و نمایان می‌گذارد. در چنین وضعی خانواده به این باور می‌رسد که در پشتیبانی از فرزندان

سینما خانواده‌های کم‌فرزند، خوشبخت و بدون نگرانی اقتصادی، و خانواده‌های پُر فرزند، ناتوان، آشفته و پُر اختلاف نشان داده شده‌اند. با این‌که درباره رابطه میان فرهنگ‌پذیری از رسانه‌های مدرن و گرایش به باروری، پژوهش‌های درخوری دیده نمی‌شود، می‌توان گمان برد که رشد استفاده رسانه در ایران که به گسترش ارزش‌های جدید می‌انجامد، در کاهش گرایش به باروری مؤثر بوده است. از سوی دیگر، گسترش کارهای خدماتی و ارتباطی، به افزایش حضور زنان در این کارها می‌انجامد و به‌دنبال آن، داشتن درآمد اقتصادی و حضور در عرصه‌های اجتماعی جدید به تحول در خودآگاهی زنان، چیرگی ارزش‌های غیرخانوادگی بر ارزش‌های خانوادگی، و تحولات هویتی در آنان می‌انجامد؛ بنابراین، پیامدهای حضور زنان در محیط‌های کاری دور از خانه و تغییر نگرش‌ها و ارزش‌ها دست‌به‌دست هم می‌دهند تا از گرایش به فرزندآوری بکاهند.

نگرانی از بی‌ثباتی خانواده

تعداد فرزندان و ثبات خانواده رابطه‌ای دوطرفه دارند؛ هم احتمال طلاق در خانواده‌های کم‌جمعیت بیشتر است و هم ناپایداری در زندگی خانوادگی و احساس ناامنی نسبت به آینده، فرزندآوری را به تأخیر می‌اندازد. از سال ۱۳۷۹ تاکنون، نسبت ازدواج به طلاق، روند کاهشی داشته و از ۱۲ ازدواج در برابر یک طلاق در سال ۱۳۷۹، به ۵/۵ در سال ۱۳۹۱ رسیده است؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت که ترس از پایداری خانواده، فرزندآوری را بیش از این، به تأخیر اندازد. بسیاری از زوجها در سالیان نخست ازدواج، از شریک زندگی خویش دل‌آسوده نیستند و در حال سنجش همسر و بررسی پایداری زندگی مشترکند؛ پدیده‌ای که چنین پیشینه‌ای نداشته است.

افزایش نگرانی‌های تربیتی

نگرانی روزافزون پدران و مادران از موفقیت در تربیت فرزندان خویش، به چند عامل

تنها یک درصد خواستار بیش از سه فرزند هستند. هم‌اکنون، بسیاری از خانواده‌ها فرزند نخست را برای گرم شدن زندگی و فرزند دوم را فقط برای تکمیل جنسیت (جور شدن جنس) فرزندان می‌خواهند و نسبت به فرزندان بیش‌تر تمایلی ندارند. گسترش آموزش‌عالی به‌ویژه برای زنان، افزون بر بالا بردن سن ازدواج، به شکل‌گیری هویت‌های جدید برای زنان و پدید آمدن ارزش‌های نو در مناسبات خانوادگی انجامیده است. برخی پژوهش‌ها نشان داده زوج‌هایی که در محیط شهری پرورش یافته‌اند و از تحصیلات بالاتری برخوردارند و زنایی که در سن‌های بالاتر ازدواج می‌کنند، هماهنگی بیش‌تری با الگوهای مدرن باروری از خود نشان می‌دهند و با احتمال بیش‌تری، پیش از نخستین بارداری خویش روش‌های پیشگیری را به کار برده‌اند و امروزه نیز، فرزندان کمتری را برای هر زوج کافی می‌دانند.

بازنمایی تصویر زن و مرد و خانواده در رسانه‌های جدید نیز، از عوامل تأثیرگذار در تحولات هویتی در بُعد خانوار است. در این سال‌ها در تصاویر تلویزیون و





ناتوان تر است.

در کنار بی ثباتی اقتصادی باید به وضعیت نابسامان بخش غیر دولتی اقتصاد نیز اشاره کرد؛ تعهدات زیادی که قانون در مواردی مانند مرخصی زایمان و شیردهی، بر دوش کارفرمایان بخش خصوصی می گذارد، آنان را به قانون گریزی و به کارگیری افراد بی همسر و اخراج زنان همسر دار ترغیب می کند و این زنان احساس می کنند که فرزندآوری برایشان خطر اخراج را به همراه دارد.

عوامل اجتماعی

نقش عوامل اجتماعی را به ویژه در موارد زیر می توان مؤثر دانست:

شهرنشینی

شهرنشینی از ۳۱/۴ درصد جمعیت ایران در سال ۱۳۳۵، به ۷۱/۴ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. مهاجرت از روستاها به شهرها، بیش تر با انگیزه های اقتصادی و امکانات تحصیلی و اجتماعی انجام می شود، اما بیش تر مهاجران افراد کم درآمدی هستند که ناگزیر در حواشی شهرها زندگی می کنند. انبوهی جمعیت، گرانی زمین، خانه های کوچک، درآمد کم، هزینه های زیاد محیط شهری، فزونی آسیب های اجتماعی و اعتیاد در بخش های پیرامونی شهرها انگیزه فرزندآوری را در مهاجران کم می کند. از سوی دیگر، شهرنشینی به زنان امکان می دهد کار بیرون از خانه بیابند و آزادی بیش تری، پیش و پس از ازدواج داشته باشند. جوانان نیز، بهتر و کامل تر از پدران و مادران با محیط شهری هم نوایی می کنند؛ دگرگونی هایی که سبب کاهش توانمندی مادران و به ویژه پدران می شود و از نقش تربیتی آنان می کاهد.

جمعیت شهرنشین، چه مهاجر و چه غیر مهاجر، گامپه گام سبک زندگی مدرن را پیش و بیش از روستاییان فرا می گیرند و به سوی خانواده های کم جمعیت گرایش می یابند.

تحرک اجتماعی زنان

با افزایش گرایش زنان به حضور در عرصه های اجتماعی مانند تحصیلات و کار مدرن که مهم ترین ویژگی آن، دوری محیط کار از خانه است، فرزندآوری به بازدارنده ای از تحرک اجتماعی تبدیل می شود. برخی کشورها با شناخت این واقعیت، تلاش هایی را برای کاهش ناسازگاری نقش های مادرانه با نقش های اجتماعی انجام داده اند؛ برای نمونه در برخی شهرهای انگلستان که دوری میان آموزشگاه ها و کارگاه های زنان با خانه آنان تا ۱/۵ ساعت می رسد، نهادهایی راه اندازی شده اند که صبحگاه فرزندان را از مادران می گیرند و در این بازه ۱/۵ ساعته، از فرزندان نگهداری می کنند و سپس آنان را به مدرسه می رسانند و شامگاه از مدرسه می گیرند و تا هنگام بازگشت مادران، نگه می دارند و سپس به مادرانشان برمی گردانند. پس از بازگشت به خانه هم، پدران و مادران آسوده اند که برنامه های خشن یا غیر اخلاقی در ساعتهای آغازین شب که فرزندان بیدارند، پخش نمی شود.

اما در کشور ما به طور مستقیم یا غیر مستقیم، زنان به آموزش عالی و همکاری های اجتماعی و اقتصادی فرا خوانده می شوند و در عین حال «مادری» نیز از آنان انتظار می رود، اما نه مهارت های جمع میان این دو را به آنان می آموزند و نه زیرساخت های آن را فراهم می کنند!

تحول در ازدواج و طلاق

در پنج دهه گذشته، با بالا رفتن سن ازدواج و افزایش تجرد قطعی در دختران روبه رو بوده ایم. میانگین سن مردان در نخستین ازدواجشان، از ۲۴/۹ سالگی در سال ۱۳۳۵ به ۲۶/۷ در سال ۱۳۹۰ رسیده و میانگین سن دختران در نخستین ازدواج در همین بازه زمانی، از ۱۹ به ۲۳/۴ سالگی افزایش یافته است که این افزایش به معنای کاهش بازه احتمال باروری پس

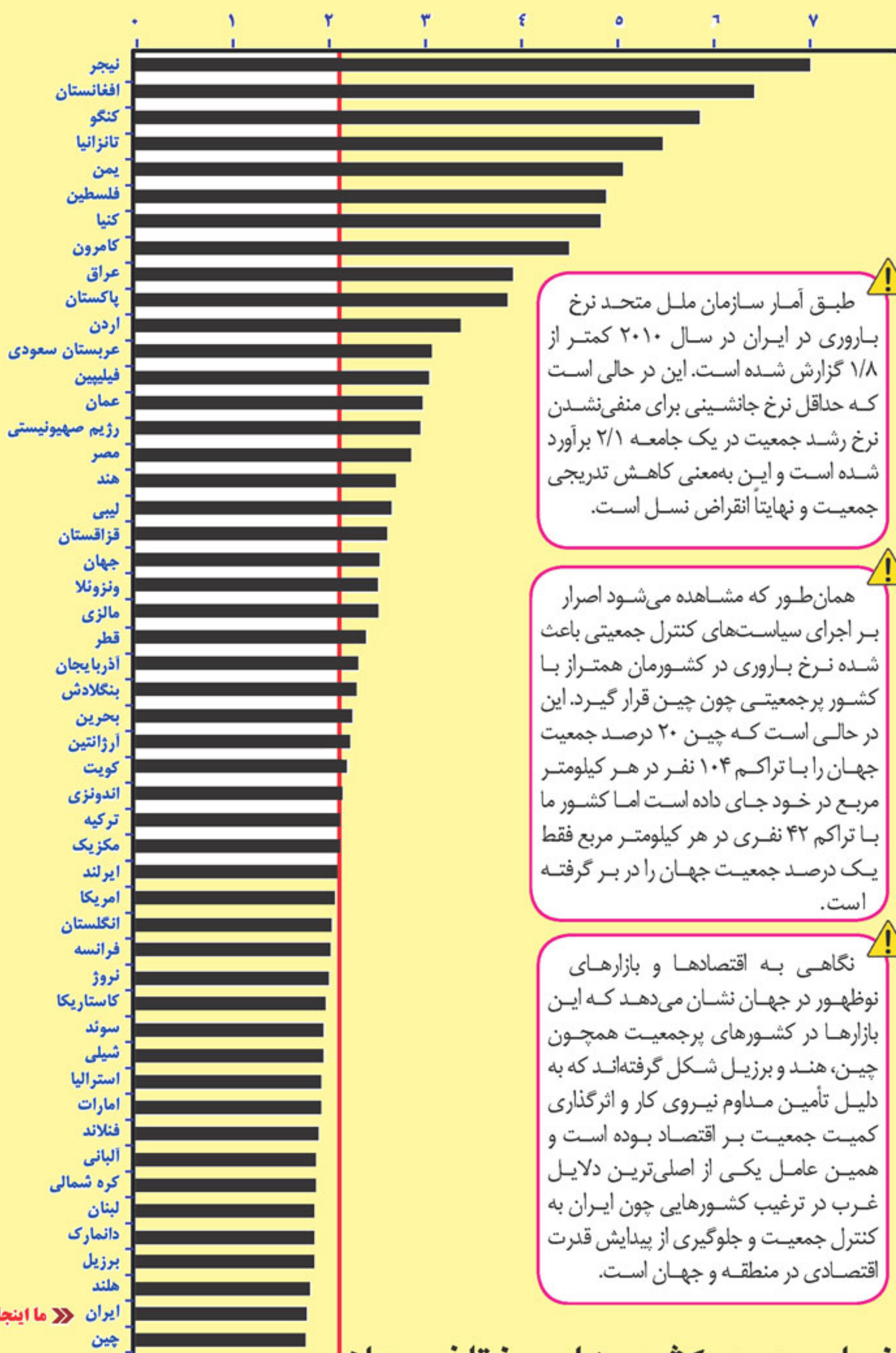
از ازدواج است. از سوی دیگر، مطالعات نشان می دهد که از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۷۰ شتاب افزایش ازدواج بیش از شتاب افزایش جمعیت بوده و از سال ۱۳۷۰ به بعد، این نسبت وارونه شده است.

افزایش تجرد قطعی دختران در کنار بالا رفتن سن ازدواج و افزایش آمار زنان بیوه و طلاق گرفته می تواند کاهش نرخ باروری را توضیح دهد. در پنج دهه گذشته، بالاترین نسبت ازدواج به طلاق، در سال ۱۳۷۲ و برابر ۱۵/۸ ازدواج در برابر هر طلاق بوده است که در سال ۱۳۹۱ به پایین ترین اندازه خود یعنی ۵/۵ کاهش یافته است. آمار، نشانگر شتاب رشد خانواده های تک نفره در این سالیان است؛ چنان که تعداد این خانوارها از ۵/۲ درصد کل خانوارهای ایرانی در سال ۱۳۸۵ به ۷/۱ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است که بخشی از این خانوارها زنان طلاق گرفته و بیوه و بخشی هم دختران مجرد هستند.

سیاست های دولتی

از زمان شکل گیری دولت های مدرن، به مسئولیت دولت در خصوص بهداشت و رفاه و آموزش و پرورش همه افراد جامعه توجه شد. دولت های رفاهی وظیفه خود دانستند که همه شهروندان را زیر پوشش حمایت اجتماعی قرار دهند. افزایش شبکه های بهداشتی دولتی، بیمه و بازنشستگی، آموزش همگانی، فراهم کردن فرصت های کاری و مواردی از این دست، تعهدات مالی دولت ها را به گونه نگران کننده ای افزایش داد.

در کشور ما نیز، افزایش متولدان در دهه ۱۳۶۰ و احساس ناتوانی دولت در فراهم کردن فضاهای آموزشی و خدمات بهداشتی و رفاهی، انگیزه دولت را برای اعمال سیاست های مهار جمعیت افزایش داد؛ تا آن جا که زنان به فعالیت های اجتماعی، و جوانان به ازدواج در سن های بالاتر و باروری کمتر تشویق شدند و انواع روش ها و ابزارهای پیشگیری از بارداری نیز در دسترس آنان گذاشته شد. ●



طبق آمار سازمان ملل متحد نرخ باروری در ایران در سال ۲۰۱۰ کمتر از ۱/۸ گزارش شده است. این در حالی است که حداقل نرخ جانشینی برای منفی نشدن نرخ رشد جمعیت در یک جامعه ۲/۱ برآورد شده است و این به معنی کاهش تدریجی جمعیت و نهایتاً انقراض نسل است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود اصرار بر اجرای سیاست‌های کنترل جمعیتی باعث شده نرخ باروری در کشورمان هم‌تراز با کشور پرجمعیتی چون چین قرار گیرد. این در حالی است که چین ۲۰ درصد جمعیت جهان را با تراکم ۱۰۴ نفر در هر کیلومتر مربع در خود جای داده است اما کشور ما با تراکم ۴۲ نفری در هر کیلومتر مربع فقط یک درصد جمعیت جهان را در بر گرفته است.

نگاهی به اقتصادها و بازارهای نوظهور در جهان نشان می‌دهد که این بازارها در کشورهای پرجمعیت همچون چین، هند و برزیل شکل گرفته‌اند که به دلیل تأمین مداوم نیروی کار و اثرگذاری کمیت جمعیت بر اقتصاد بوده است و همین عامل یکی از اصلی‌ترین دلایل غرب در ترغیب کشورهای پرجمعیتی چون ایران به کنترل جمعیت و جلوگیری از پیدایش قدرت اقتصادی در منطقه و جهان است.

آمار نرخ باروری در کشورهای مختلف جهان

نرخ باروری میانگین تعداد فرزندانی است که یک زن در طول زندگی‌اش به دنیا می‌آورد.

ما اینجا هستیم



یک نسبت دروغ

سیدموسی صدر

نسبتی را که «مالتوس» برای افزایش جمعیت جهان بیان داشته، تاکنون حتی در یک نقطه جهان و در یک زمان معین، مصداق پیدا نکرده است. آماری که از تعداد نفوس جهان در آغاز قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم به دست آمده و همین‌طور نمودارهای منتشر شده درباره افزایش مواد غذایی، پایه‌های پیش‌بینی مالتوس را متزلزل کرده است. به‌طور کلی می‌توان گفت: رابطه ثابت و محکمی بین افزایش جمعیت جهان و زیادتی مواد غذایی وجود دارد و هر چه جمعیت زیاد شد، به تدریج کشت زیاد می‌شود، زمین‌های بایر، دایر می‌گردد.



بیدار شوید

امام خمینی رحمته الله

مملکت ایران ۳۵ میلیون حالا می‌گویند جمعیت دارد. وسعتش آن قدر است که برای ۱۵۰ میلیون تا ۲۰۰ میلیون جمعیت کافی است یعنی اگر ۲۰۰ میلیون جمعیت داشته باشد در ایران به رفاه زندگی می‌کنند... و همین‌طور ممالک دیگر وسیعند. عراق وسیع است و جمعیت کمی دارد. چه وقت می‌خواهند این حکومت‌ها بیدار بشوند و دست از اغراضشان بردارند؟ و چه وقت می‌خواهند مسلمین توجه بکنند به این که مصالحشان چه است و دردشان چه است؟ و چه وقت باید دوا کنند این درد را؟ (صحیفه نور، ج ۷، ص ۳۹۳)



فرهنگ‌سازی کنید

از پیام رهبر معظم انقلاب به همایش ملی تغییرات جمعیتی در قم

■ بلاشک از نظر سیاست کلی کشور، کشور باید برود به سمت افزایش جمعیت؛ البته به نحو معقول و معتدل. همه اشکالات و ایرادهایی که وارد می‌شود - که بعضی از اشکالاتی را هم که مطرح می‌کنند ما دیده‌ایم - قابل برطرف شدن و قابل پاسخ دادن است. آن چه مهم است این است که کشور ما با ظرفیت طبیعی و با ویژگی جغرافیای سیاسی خود احتیاج دارد به یک جمعیت بیش‌تر؛ علاوه بر این همان‌طور که قبلاً هم گفته‌ایم - مسئله نمای جوان برای کشور یک مسئله اساسی و مهم و تعیین‌کننده است.

■ فرهنگ‌سازی در این مسئله مثل خیلی از مسائل دیگر اجتماعی، حرف اول را می‌زند. باید فرهنگ‌سازی بشود که متأسفانه امروز این فرهنگ‌سازی نیست، تعطیل است، با این که گفته شده، ما هم گفته‌ایم، دیگران هم گفته‌اند، در مجلس هم مطرح شده، بعضی‌ها هم کم و بیش این‌جا و آن‌جا بحث می‌کنند، لیکن کار فرهنگی به معنای صحیح انجام نگرفته.

■ جوانب قضیه را بسنجید، ببینید چه چیزهایی است که موجب می‌شود جامعه ما دچار میل به کم‌فرزند بشود. این میل به کم بودن فرزند، یک عارضه است؛ والا انسان به‌طور طبیعی فرزند را دوست می‌دارد. چرا ترجیح می‌دهند افرادی که فقط یک فرزند داشته باشند؟ چرا ترجیح می‌دهند فقط دو فرزند داشته باشند؟ چرا زن به شکلی، مرد به شکلی پرهیز می‌کنند از فرزند داری؟ این‌ها را بایستی نگاه کرد و دید عواملش چیست؛ این عوامل را پیدا کنید، بر روی علاج این عوامل بیماری‌زا - که به اعتقاد بنده این‌ها عوامل بیماری‌زاست - متخصصین و صاحبان اندیشه را بخواهید فکر کنند.

■ بنده هم‌چنان معتقدم کشور ما کشور ۷۵ میلیونی نیست، کشور ما کشور ۱۵۰ میلیونی [است] حالا ما دست کم را گرفتیم ۱۵۰ میلیون؛ بیش‌تر هم می‌شود گفت. قطعاً این کشور با این سطح وسیع، با این تنوع آب و هوایی، با این امکانات فراوان زیرزمینی، با این استعداد بالقوه علمی که در این کشور وجود دارد، می‌تواند یک کشور پر جمعیتی باشد و ان شاء الله خودش هم این جمعیت را اداره کند؛ یعنی هم‌چنان که ما فکر می‌کنیم که اگر چهار پنج بچه افتاد روی دوش یک خانواده وضع زندگی‌شان چگونه خواهد شد، فکر این را هم بکنید که این چهار پنج بچه وقتی بزرگ شدند و کاری پیدا کردند و شغلی پیدا کردند چه کمکی می‌توانند به پیشرفت کشور بکنند؛ یعنی این را هم باید فکر کرد.



فقط یک صدم

علامه محمدتقی جعفری

آیاتی در قرآن خبر از نامحدودیت‌های روزی می‌دهد... در این مورد بسیار مناسب است جمله‌ای را از سخنان یکی از صاحب‌نظران علوم انسانی بیاوریم. او می‌گوید: اگر یک‌صدم گریه‌ای که در طول تاریخ درباره شکم‌های گرسنه و بدن‌های برهنه ریخته شده است به ارواحی که گرسنه معرفت و تقوای انسانی هستند، ریخته می‌شد، نه شکمی گرسنه می‌ماند و نه بدنی برهنه و نه ارواحی گرسنه.



از برنامه غربی‌ها هم جلو زدیم

زهره سجادی (از مسئولان امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری)

شیوهای که سازمان ملل متحد درباره سیاست‌های جمعیتی برای کشور ما پیاده کرده، به‌قدری موفقیت‌آمیز بوده که خود آن‌ها (غربی‌ها) هم فکر نمی‌کردند روزگاری، الگوهای استعماری آن‌ها در ایران از برنامه آن‌ها هم جلوتر برود. این یک واقعیت است که ما در کنترل جمعیت از برنامه‌ها جلوتر رفتیم. غربی‌ها فکر می‌کردند که ما تا ۴۰ سال آینده به نرخ رشد مورد نظر آن‌ها می‌رسیم اما هم‌اکنون به این نرخ رسیده‌ایم.

جالب است بدانید دولت انگلیس برای فرزنددار شدن خانواده‌های انگلیسی جایزه تعیین می‌کند، آن‌ها فهمیده‌اند که خطر کجاست، اما ما هم‌چنان بر سیاست‌های کنترل جمعیت اصرار می‌ورزیم. برخی از منتقدان انتقاداتی از سیاست افزایش جمعیت می‌کنند که کاملاً سیاسی و غیر کارشناسی است. آن‌ها می‌گویند در صورت افزایش جمعیت، کشور با کمبود آب، غذا و ... مواجه می‌شود. در این باره برای شما استدلالی از مقام معظم رهبری می‌آورم که خیلی جالب است. ایشان در دیدار با اعضای کمیسیون کشاورزی درباره صرفه‌جویی آب در کشور فرمودند: نزدیک ۹۰ درصد آب در بخش کشاورزی در حال مصرف است که اگر فقط ۱۰ درصد از ۹۰ درصد آب مصرفی بخش کشاورزی صرفه‌جویی شود، می‌دانید چه اتفاقی در این حوزه رخ خواهد داد. رژیم صهیونیستی هم‌اکنون نرخ باروری‌اش را در حدود ۳ حفظ کرده و قصد هم ندارد عدد مذکور را کاهش دهد. حتی قصد دارد با ابلاغ و اجرای سیاست‌هایی این نرخ را افزایش دهد. جالب این که سیاست‌گذاران اسرائیلی به تمام خانواده‌هایشان اعلام کردند که هر خانواده باید بیش از ۱۲ فرزند متولد کند.



از اول درست نبود

آیت‌الله سبحانی

یکی از برنامه‌های سعودی‌ها و وهابیت در ایران، از بین بردن تراکم و اکثریت جمعیتی شیعیان در مناطق مرزی و هم‌چنین پراکنده کردن جمعیت در شهرهای مختلف و از بین بردن اکثریت مطلق شیعیان در تمام شهرهای ایران است؛ ترویج کاهش جمعیت و میزان تولد در کشور از هر نقطه‌ای که شروع شد، درست نبود و اگر به این منوال پیش برویم و از این مسائل غافل باشیم، ۴۰ سال بعد به اشتباه امروز خود پی می‌بریم که آن روز دیگر توازن جمعیتی شیعیان نسبت به اقلیت‌های دیگر به شکل فعلی نیست و دستخوش تغییرات گسترده شده است؛ مسئله‌ای که در برخی شهرهای ایران هم‌اینک نیز مشاهده می‌شود.



به جای حمله به فکر تغییر نسل باشید

برژینسکی (سیاستمدار کهنه‌کار آمریکایی)

از فکر کردن به حمله پیش‌دستانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران بپرهیزید و گفت‌وگوها را با تهران حفظ کنید. بالاتر از همه، بازی طولانی مدتی را انجام دهید؛ چون زمان و آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست. (در مصاحبه با روزنامه وال‌استریت ژورنال، مارس ۲۰۰۹ م.)



سهم هر فرد از زمین

آیت‌الله نوری همدانی

عده‌ای از لحاظ این که جمعیت روی زمین به سرعت رو به افزایش می‌رود، چنین فکر می‌کنند که زمانی فرا خواهد رسید که مردم از جهات اقتصاد زندگی به مضیقه خواهند افتاد و زمین قدرت تغذیه و تأمین لوازم زندگی بشر را نخواهد داشت و لذا مردم را به جلوگیری از افزایش نسل تشویق، بلکه وادار می‌کنند. به علاوه، متأسفانه «سقط جنین» را یک عمل منطقی و موجه جلوه می‌دهند ولی این عقیده همان‌طور که بعضی از دانشمندان هم تصریح کرده‌اند درست نیست زیرا سطح زمین به اندازه‌ای وسیع است که به ۵۰۰ میلیون کیلومتر مربع بالغ می‌شود و اگر آن را به‌طور تساوی میان جمعیت فعلی روی زمین تقسیم کنیم، به هر فردی پنج هکتار از خشکی و تقریباً ۱۲ هکتار از دریاها می‌رسد؛ علاوه بر این گنج‌های فراوان و معادن بسیار زیادی در آن قرار داده شده است. در این صورت اگر تمام قدرت‌های علمی و امکانات صنعتی خود را در راه بهره‌برداری از این منابع خداداد به کار بیندازند، زمین می‌تواند چندین برابر جمعیت کنونی را اداره کند.



مثل استان مازندران

دکتر محمد جواد محمودی (از اعضای مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه) با توجه به تراکم حسابی و بیولوژیکی نیز می‌توان درباره مسئله جمعیت سخن گفت. تراکم حسابی در قاره آسیا و ایران به ترتیب برابر ۱۲۰ و ۴۳ نفر در کیلومتر مربع است. این تراکم برای کشورهای ژاپن، کره شمالی، ارمنستان و آذربایجان به ترتیب برابر ۳۳۶، ۱۸۷، ۱۰۸ و ۱۰۰ نفر در کیلومتر مربع گزارش شده است. واضح است که ایران در مقایسه با کشورهای آسیایی جزو کشورهای کم تراکم جمعیتی محسوب می‌شود؛ بنابراین حتی اگر جمعیت کشور دو برابر گردد و به ۱۵۰ میلیون نفر هم برسد تراکم حسابی (کل جمعیت بر حسب کیلومتر مربع) به ۸۶ نفر خواهد رسید. از نظر تراکم زیستی یا بیولوژیکی طبق سرشماری عمومی کشاورزی سال ۱۳۸۲ وسعت زمین‌های قابل کشت ایران در سال مذکور بیش از ۱۷ میلیون هکتار بوده است که بر مبنای این عدد، تراکم زیستی کشور به چهار نفر در هر هکتار بالغ می‌شود.

بنابراین اگر روزی بتوانیم روند کاهشی نرخ باروری را کنترل نموده و به سمت افزایش نرخ باروری تا سطح بالاتر از نرخ جانشینی یعنی ۲/۱ فرزند حرکت کنیم حداقل ۸۰ تا ۹۰ سال طول می‌کشد تا جمعیت کشور ایران به ۱۵۰ میلیون نفر برسد، در آن صورت با فرض توزیع برابر جمعیت از نظر تراکم زیستی وضعیتی مشابه استان مازندران خواهیم داشت.



یک خاطره

دکتر علی اصغر احمدی (روان‌شناس)

بنده به عنوان یک فرد دانشگاهی، این شعار فرزند کمتر، زندگی بهتر را نه پذیرفتم و نه گفتم و نه حاضریم که این را بیان کنم. من به تعداد فرزند کاری ندارم فقط مسأله این است که باید به کیفیت تربیت و به حضور مؤثرمان در خانه خیلی توجه داشته باشیم. مسأله تعداد فرزندان فقط مسئله امروز نیست از آن زمان که ما بچه بودیم در همین تهران، شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» را می‌دادند.

در خانه، ما هشت تا بچه بودیم که با پدر و مادرم ده نفر می‌شدیم اما یکی از همسایگان ما که درست روبه‌روی خانه ما بودند و خانه‌شان تقریباً دو برابر خانه ما بود، یک بچه بیش‌تر نداشتند. آن تک‌فرزند طوری بود که به قول تهرانی‌ها با قاشق و چنگال لحاف را روی او می‌کشیدند. در آن زمان که بچه‌ها ناهار درست حسابی گیر نمی‌آوردند، بخورند، ساعت ده صبح مادر این کودک او را صدا می‌کرد که فلانی بیا! بعد آلبالویی، گیلانی یا چیز دیگری در بشقاب می‌گذاشت و با کارد و چنگال می‌آورد تا او بخورد. حالا همه بچه‌ها داشتند گرد و خاک می‌خوردند! نشان به آن نشان که این تک‌فرزند به جایی که نرسید هیچی، آن چنان معتاد شد که می‌آمد در خانه‌های همسایه‌ها را می‌زد و گدایی می‌کرد، و نشان به آن نشان که پدر این خانواده که این بچه را بار آورده بود و می‌خواستند خوب او را تربیت کنند وقتی مُرد، هیچ کس نبود این را از روی زمین بلند کند؛ شهرداری آمد و او را دفن کرد.



راه انقراض یک جامعه

آیت الله حائری شیرازی

اگر دو تا برونند یکی بیاید، یعنی اگر دو نفر یک اولاد داشته باشند، معنایش این است که جمعیت، نصف شود. اگر دو نفر، دو تا فرزند، که معمولاً می گویند یک پسر و یک دختر، تازه صفره، این راه انقراض یک جامعه است. می خواهید منقرض بشوید؟ جوجه را آخر پاییز می شمارند؛ تا این ها تشکیل خانواده بدهند از هر ده تا اولادی معلوم نیست چندتا شون صاحب اولاد می شوند. تلفات تاسی سالگی هست، عقیم بودن ها هست، مسایل دیگر هست. سه تا و چهار تا هم نزدیک به صفر است چون همه این چهار تا که به تشکیل خانواده و صاحب اولاد شدن نمی رسند چهار تا را که بگیری تازه جمعیت شما ثابت شده، مخصوصاً این اموری که پیش می آید که عقیم می کند؛ این امواج تقویتی موبایل ها که در گذشته نداشتید، این تشعشعات تأثیر گذار، حتی لباس زیر چسبانی که خانم ها می پوشند و... این ها را در سقط جنین موثر می دانند، غذاهای جدید، ظروف یکبار مصرف، فست فودها و انواع تغذیه های این چنینی، این تلفات ناشی از این ها را ملاحظه کنید. خب! شما جنگ دارید، جهاد دارید، تلفات جاده ای آن چنانی دارید. فساد هوا را دارید که گاهی شهری چند میلیونی مثل تهران را تعطیل می کنید و تلف شدن به دلیل این مسایل را دارید. این ها عوارضی است که باید پیش بینی کرد حتی این که اگر در آینده شهید داشتیم، بدل این ها را چگونه باید تأمین کنیم؟ اگر خانوادای یک اولاد داشته باشد، این تک اولاد را چه قدر سخت است که به جبهه بفرستد، برخلاف این که اگر خانوادای ده تا اولاد داشته باشد وقتی که می خواهد این ها را به جبهه بفرستد، فکرش راحت است. شارع این مسایل را دیده که گفته: توالدوا، تناسلوا... می گوید تو تکثیر کن ممکن است در میان این ها اولیا خدایی به وجود بیاید که این اولیا برای من مایه مباهات است حالا یک درصدش بشود اولیا الله ۹۹ نفر دیگر باید باشند تا یک صدم بتوانند اولیاء الله بشوند؛ چون برایش این انسان های پاک اهمیت دارد و تنها درصدی هم به این مقام و این رتبه می رسند، مجموع را توصیه می کند تا مطلوبش توسعه پیدا کند. چون این مطلوب در این مجموع هست. اگر مجموع تنزل پیدا کند مطلوب هم به تناسب او افت می کند.



ضریب هوشی ما پایین آمده

دکتر شاهرخ رامین (از مسئولان بهداشتی کشور)

چندی پیش یکی از مراکز بین المللی، آماری را منتشر کرد که طی آن ضریب هوشی کشورهای مختلف را مورد بررسی قرار می داد. عددی که در آن گزارش درباره ایران قید شده بود، بسیار پایین آمده بود. ما به عنوان کارشناسان حوزه سلامت این موضوع را بررسی کردیم تا ببینیم آیا چنین نتیجه ای درست است یا خیر. در بررسی ها به این نتیجه رسیدیم که ادامه روند موجود باعث کاهش ضریب هوشی جامعه ایرانی می شود. مسئله ضریب هوشی، از جمله محورهایی است که ما به آن افتخار می کنیم و همواره گفته ایم نژاد ایرانیان ضریب هوشی بالایی دارد، اما با بررسی های دقیق مشخص شد اگر به موضوع جمعیت شناسی و افزایش آن نپردازیم در آینده ضریب هوشی ایرانیان کاهش خواهد یافت. مطالعات جمعیت شناسی اثبات کرده که در صورت ادامه شرایط فعلی و پافشاری ما بر کنترل موالید، معدل ضریب هوشی جامعه ایران به سمت زیر ۱۰۰ در منحنی توزیع نرمال ضریب هوشی دنیا میل می کند. ما نباید مانند گذشته اصراری بر کنترل موالید داشته باشیم. در چنین وضعیتی می توان ارتقای سطح ضریب هوشی را دنبال کرد. در کشوری مانند چین اگر تعداد افراد را تقسیم بر مساحت زمین کنیم متوجه می شویم، ایران چندین برابر چین ظرفیت دارد. کشوری مانند چین چگونه می تواند اداره شود و به یکی از کشورهای صادر کننده انواع و اقسام کالاها، تبدیل شود اما ایران با داشتن پتانسیل های بیش تر نمی تواند؟! از سویی دیگر کشور چین چه میزان مشکل اشتغال دارد؟ هیچ مشکلی ندارد و آن وقت موضوع اشتغال در کشور چین حل شده تر از ایران است و معضل بیکاری گریبان گیر این کشور نشده است. این در حالی است که ایران با کنترل جمعیت خود نتوانسته مشکل اشتغال را حل کند. با این اوصاف، مسئله اشتغال ارتباطی با جمعیت ندارد و نمی توان مدعی شد که افزایش جمعیت، بیکاری و فقر را سبب می شود. فاکتورهای متعدد دیگری چون نوع تربیت نیروی انسانی، نحوه مدیریت، میزان سرمایه گذاری و میزان بهره وری از جمله مواردی هستند که بر میزان اشتغال زایی اثر دارند و جمعیت تنها یکی از فاکتورهای اشتغال است؛ بنابراین نمی توانیم جمعیت را عامل بیکاری و فقر بدانیم. البته اگر صورت مسئله را به گونه ای دیگر بخوانیم و بگوییم که کشورهایی که فقیر هستند جمعیتشان زیاد است این حرفی درست است اما علت جمعیت نیست، علت سوء مدیریت است.

کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین

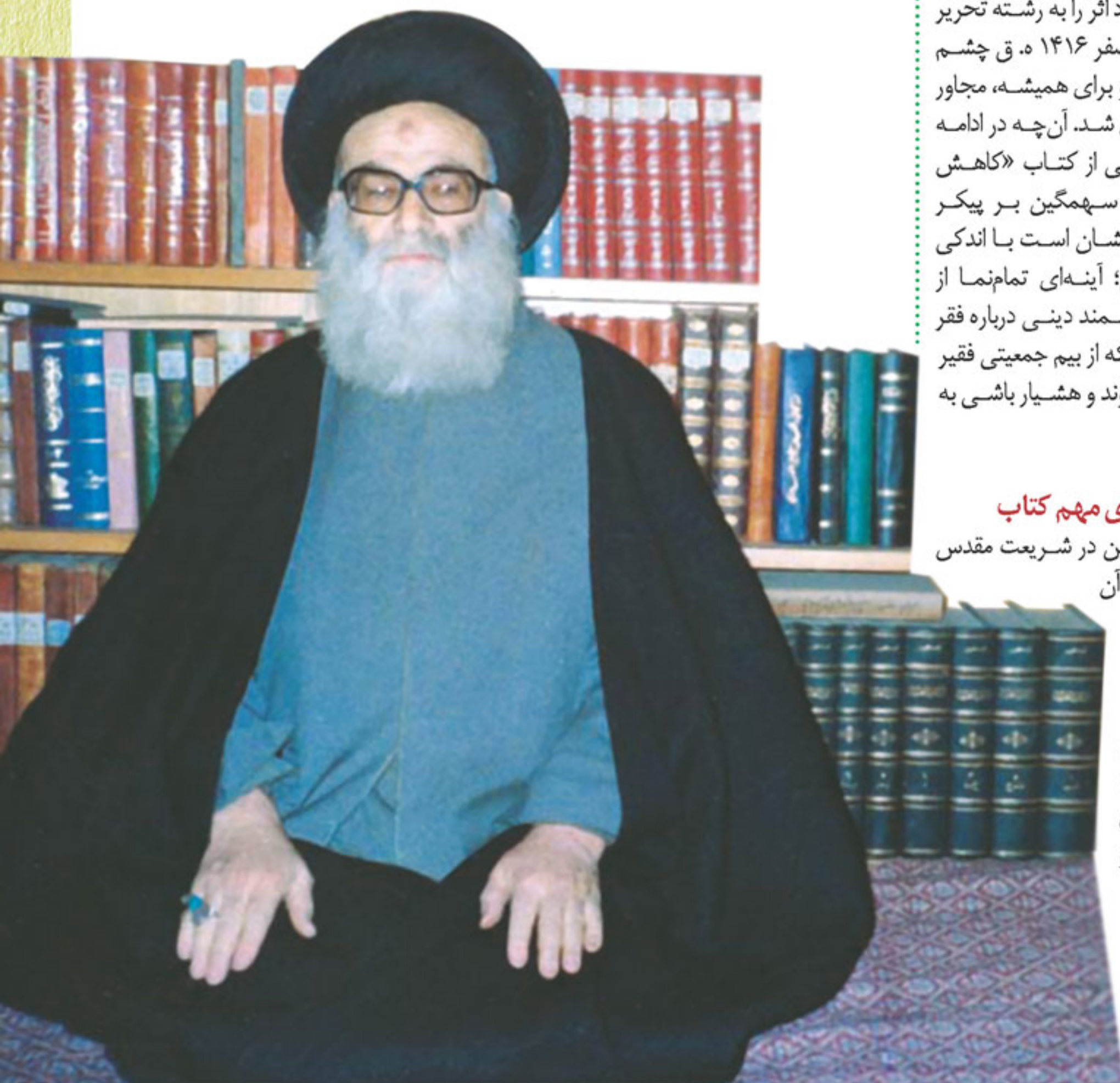
به کوشش محمدعلی رامین

چهارده طلوع از غروب خورشید حسین (علیه السلام) در محرم ۱۳۴۵ هـ. ق گذشته بود که سیدمحمدحسین، در تهران دیده به جهان گشود. سید، راه تحصیل علوم دین جدش را در پیش گرفت؛ راهی که او را تا قم و نجف رهسپار کرد و به درک درس استادانی چون آیت‌الله العظمی بروجردی و علامه طباطبایی رساند. در ۱۳۷۰ هـ. ق علامه سیدمحمدحسین حسینی به تهران بازگشت و چندی بعد نیز راه مشهد خوبان را در پیش گرفت. علامه در طول عمر، بیش از هفتاد اثر را به رشته تحریر کشید و عاقبت در صفر ۱۴۱۶ هـ. ق چشم از جهان فرو بست و برای همیشه، مجاور حریم حرم رضوی شد. آن‌چه در ادامه می‌خوانید برش‌هایی از کتاب «کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین» به‌قلم ایشان است با اندکی تصرف و تلخیص؛ آینده‌ای تمام‌نما از دغدغه‌های یک دانشمند دینی درباره فقر جمعیتی مسلمانان که از بیم جمعیتی فقیر به آن گرفتار می‌شوند و هشیار باشی به آنان که...!

برخی از عنوان‌های مهم کتاب

- حرمت سقط‌جنین در شریعت مقدس اسلام و مقدار دیه آن
- ترغیب اسلام به نکاح و تکثیر اولاد و حامله شدن زنان
- عواقب وخیم و خطرات و امراض ناشی از بستن لوله‌ها در مردان و زنان

- اهداف سیاسی؛ انگیزه کاهش جمعیت
- سیطره غرب و غارت منابع ریشه اصلی مشکلات اقتصادی در کشورهای اسلامی، نه افزایش تعداد فرزندان
- کاهش جمعیت و تجزیه کشورها، کارآمدترین سیاست قدرت‌های سلطه‌گر
- قتل‌عام مسلمانان و شیعیان، اهداف اصلی کمک‌های مجامع بین‌المللی برای کنترل جمعیت
- مالتوس انگلیسی، نظریه‌پرداز ضرورت مبارزه با افزایش جمعیت
- مشکل اصلی؛ عدم توزیع صحیح و استفاده از امکانات، نه افزایش جمعیت
- بس است گزیدگی ما از نیش‌های دیرین استعمار
- حرمت بستن لوله‌های مرد و زن و تعلق دیه کامل به آن
- عقیم کردن از مصادیق روشن تغییر خلقت خداوند
- کاهش جمعیت ضد فلسفه اسلام و روح ایمان



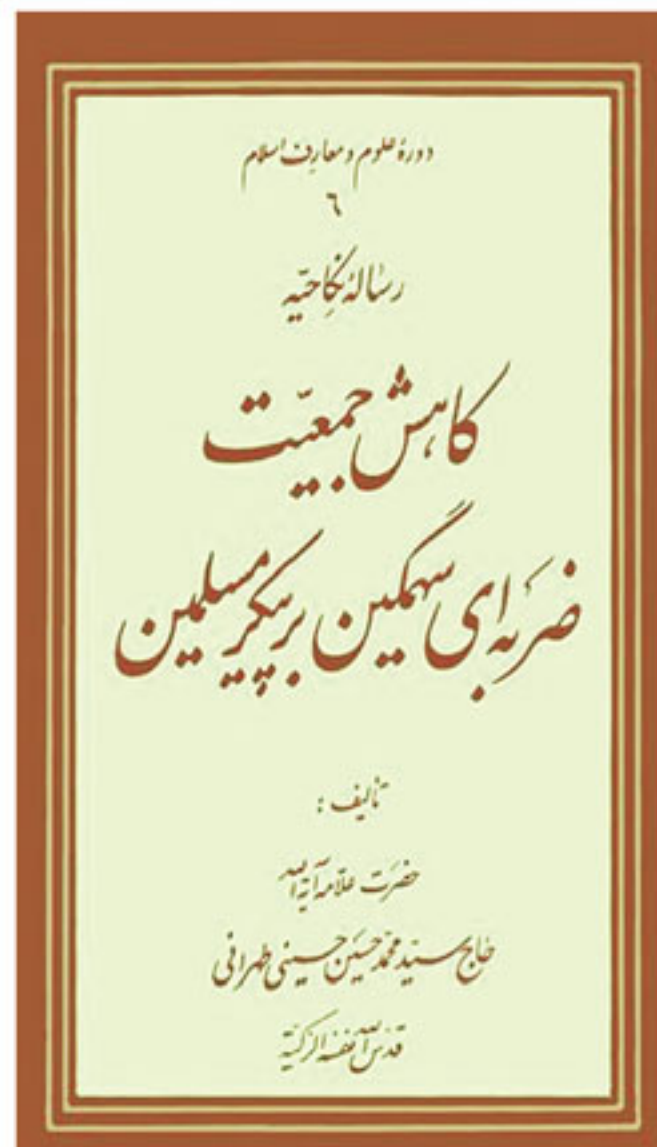
عزل

در اسلام حتی اگر نطفه از زنا هم منعقد شده باشد، سقط جنین حرام است و حتی اجرای مجازات زن خطاکار به بعد از زایمان او موکول می‌شود زیرا در غیر این صورت، حیات و سلامتی جنین در خطر است. در اسلام وقتی نطفه در رحم قرار گرفت، خارج کردنش به هر شیوه‌ای، سقط محسوب می‌شود حتی اگر موقع انزال، نطفه را در رحم نریزند، با آن که دیگر این کار خارج کردن نطفه بعد از استقرارش در رحم نیست (در اصطلاح به این کار عزل گفته می‌شود) اما باز هم در خصوص مشروع بودن آن، تردیدهایی هست و بعضی از علما در چنین حالتی لازم دانسته‌اند که مرد موظف است به زن، دیه بدهد شاید به این خاطر که نریختن نطفه در رحم دو ضرر کلی در پی دارد که یکی از آن‌ها مربوط به زن و یکی هم مربوط به مرد است؛ در مورد مردان، عزل، باعث کسالت و ناراحتی اعصاب می‌شود و اگر تکرار شود به جایی می‌رسد که درمانش بسیار سخت است و در مورد زنان، عزل می‌تواند موجب ایجاد غده فیبرم در رحم یا حتی بروز سرطان رحم شود چون وقتی رحم با رابطه جنسی تحریک و تهییج می‌شود محتاج به نطفه می‌شود اما با عزل، رحم از غذایش محروم می‌شود. حتی خوردن دارو برای جلوگیری از پذیرش نطفه که امروزه به شکل قرص متداول شده هم ضررهای شدیدی به دنبال دارد و موجب بیماری‌های اعصاب می‌شود. به علاوه می‌تواند سبب بروز بیماری‌های قلبی، اختلالات در گردش خون و به هم خوردن تعادل در هورمون‌ها و غدد بدن زن شود.

این قرص‌های ضد بارداری

دکتر پرفسور سیف‌الدین نبوی تفرشی در کتاب «درمان رایگان با ورزش» درباره

ضررهای قرص‌های ضد بارداری نوشته است: در بدن زنان آنزیمی وجود دارد به نام «آلفالپو پروتئین کلسترول» که این آنزیم در مردان بسیار کمتر است و به همین خاطر است که زنان قبل از یائسگی خیلی کمتر به بیماری‌های عروقی قلب و انفارکتوس مبتلا می‌شوند مگر آنکه زنان



در دوران یادشده از قرص‌های ضد بارداری و سیگار استفاده کنند که در این صورت خطر ابتلا به بیماری‌های عروقی قلب و انفارکتوس قلبی در آنان هم مثل مردان بالا می‌رود. بسیاری از زنان مؤمنه هم موقع زیارت مشاهد مشرفه یا وقت حج از این قرص‌ها مصرف می‌کنند که گاهی علاوه بر مشکلات جسمی و به هم ریختگی عادت ماهیانه، به کسالت روحی هم مبتلا می‌شوند و از فیض معنوی زیارت یا حج هم محروم می‌مانند. خداوند متعال هم برای زنان حائض تکلیف خاصی مقرر کرده که با تبعیت از آن، هم حج و هم عمره بانوان صحیح است پس چرا باید در کار خدا دست‌کاری کنیم؟

مزاج زن، موافق بارداری

سلامت بدن زن در بارداری و وضع حمل و شیر دادن است؛ خداوند خالق کل موجودات، مزاج زن را طوری آفریده که بدنش از زمان بلوغ تا یائسگی، پیوسته غذای خاصی را مطابق نیاز کودک تولید می‌کند. اگر زن باردار نباشد این غذا با خون حیض از بدن دفع می‌شود. برای همین است که زنان غالباً در دوران بارداری عادت ماهیانه نمی‌شوند زیرا خون در رحم صرف حیات و غذای جنین می‌شود. وقتی هم کودک متولد می‌شود این غذا همان شیر است و به همین خاطر زنان در دوران شیردهی هم غالباً عادت ماهیانه ندارند. به این ترتیب، وقتی زنی باردار نباشد یا بچه‌ای را شیر ندهد مقداری از قوای جسمی خود را با عادت شدن از دست می‌دهد و گویی از رحمت حق دور می‌شود. شاید به همین خاطر است که خداوند اجازه عبادت و خضوع و خشوع را از طریق نماز و روزه و طواف به او نمی‌دهد. روزی به یکی از پزشکان که از مفاخر چشم‌پزشکان عصر ما در جهان است این موضوع را مطرح کردم و گفتم: سلامت و سعادت زن در این است که یا حامله باشد و یا کودکی را از چشمه بی‌منت سینه‌هایش سیراب کند. جناب پرفسور، قدری تأمل کرد و گفت «آقا این گفتار، مطابق آخرین نتیجه کنگره‌های پزشکی است که امسال در آمریکا برگزار شده است و من هم تیز دکتري خودم را در آمریکا در همین موضوع قرار داده‌ام. طبق آخرین مدارک و آمار، دخترانی که قبل از ۱۸ سالگی بچه می‌زایند سرطان پستان نمی‌گیرند و هر چه دیرتر بچه بزنند درصد خطر تهدید سرطان پستان در آن‌ها زیاد می‌شود چون تا از سن ۳۰ سالگی بگذرند خطر سرطان پستان به نحو مضاعف بالا می‌رود. اما زنانی، که اصلاً ازدواج نکنند و بچه نیاورند، درصد خطر



سرطان پستان در آن‌ها سرسام‌آور است.»

چوب است نه درخت

یک روز پزشکی به خانمی که برای معالجه نزد او رفته بود گفته بود که: خانم! رحم زن حکم درخت را دارد، مگر درخت چه قدر میوه می‌دهد؟ این زن هم به منزل آمده بود و بنای ناسازگاری در آستن شدن با شوهرش گذاشته بود. شوهرش در مسجد نزد من آمد و از زنش گلایه کرد و گفتار آن دکتر را برایم بازگو کرد. به او گفتم: این دکتر در این سخن مغالطه کرده و به اصطلاح عامه مردم، حقه‌بازی نموده است. شما هم برو منزل و به عیالت بگو «درخت میوه تا زنده است بعد از بلوغش میوه می‌دهد. این میوه دادن قطع نمی‌شود مگر این که آفتی به درخت برسد یا ریشه درخت کرم بزند؛ در این صورت هم که چوب است نه درخت میوه! که آن را می‌برند.

بسوزند چوب درختان بی‌بر

سزا خود همین است مر بی‌بری را

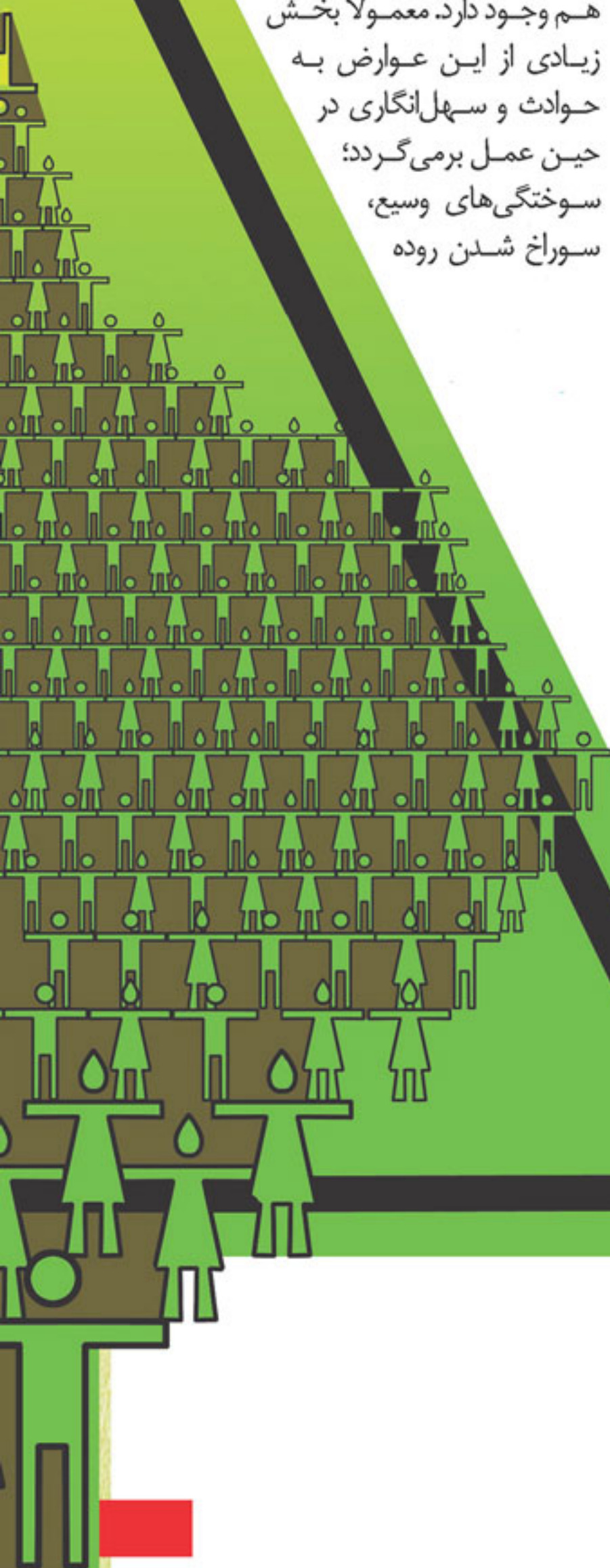
قابل برگشت نیست

بسیاری به غلط و برای رسیدن به هدفشان این‌طور به مردم القا می‌کنند که بستن لوله‌های مردان قابل برگشت بوده و هیچ عارضه‌ای ندارد اما این حق مردم ماست که قبل از یک اقدام پزشکی، عواقب آن را به‌طور کامل بدانند. در مقاله‌ای از دکتر ناصر سیم‌فروش که شخصیتی مطرح و جهانی و نامدار در عرصه اورولوژی هستند، می‌خواندم که اولین و مهم‌ترین عارضه بستن لوله‌های مردان این است که حداقل در نیمی از موارد، عقیمی حاصله دائمی و غیرقابل بازگشت است. این آمار را مجله اورولوژی آمریکا که حاصل از مطالعه و بررسی نتایج در سه کشور آلمان، اتریش و سوئیس است در ۱۹۹۰ میلادی منتشر

کرده است. علت این قضیه آن است که حتی اگر مجدداً لوله‌ها باز شوند، در زمان بسته بودن لوله‌ها آنتی‌کور ضد سلول‌های باروری بیضه تولید می‌شود که برای همیشه خاصیت باروری را از این سلول‌ها می‌گیرد. دومین عارضه قابل توجه بستن لوله مردان، خون‌ریزی و تجمع لخته در محل عمل است که از ۲ تا ۲۹ درصد گزارش شده است. سومین عارضه، عفونت محل عمل است؛ جالب این‌جاست که بالا بودن میزان عفونت عمل در گزارش‌های خارج از کشور باعث تعجب پزشکان بوده و بین ۱۲ تا ۳۸ درصد، گزارش شده است. چهارمین عارضه، درد بیضه و تورم مزمن موضع بستن لوله (گرانولوم) در تعداد کمی از مردان است که باعث ناراحتی فکری او شده و کارایی شغلی او را کاهش می‌دهد. پنجمین عارضه که در برخی دیده شده است ناتوانی جنسی بعد از بستن لوله‌ها است و بیش‌تر منشاء روحی دارد که علت اصلی آن، تغییر تصور شخص از خودش است. گرچه این عارضه شایع نیست ولی از نظر خانوادگی دارای اهمیت خاصی است. ششمین عارضه‌ای که می‌توان آن را برای بستن لوله مردان مطرح کرد دسته‌ای از عوارض عمومی است که اگرچه قطعی و ثابت‌شده نیست اما در کشورهای غربی قبل از بستن لوله در مورد آن از بیمار رضایت و امضا اخذ می‌کنند. در مقاله‌ای که در انگلیس منتشر شده است ادعا شده که بستن لوله‌های مردان، شیوع سرطان پروستات را افزایش می‌دهد و خطر عوارض قلبی و گرفتگی رگ (تصلب شرائین) ایجاد می‌کند.

به این عوارض بیندیشید

بستن لوله در زنان عوارضی دارد که باید پیش از عمل به‌طور کامل برای آن‌ها شرح داده شود. شایع‌ترین عارضه‌ای که در این مورد وجود دارد انجام ناقص عمل و بی‌نتیجه بودن آن است، به‌علاوه امکان از دست دادن حساسیت موضعی، نفخ دائمی شکم، سوختگی، عفونت، التهاب رحم، قاعدگی‌های دردناک و ایجاد ضایعه در لگن و رگ‌های خونی هم وجود دارد. معمولاً بخش زیادی از این عوارض به حوادث و سهل‌انگاری در حین عمل برمی‌گردد؛ سوختگی‌های وسیع، سوراخ شدن روده



آیه ۳۲ سوره مبارکه نور را ملاحظه کنید که چگونه پروردگار به آنان از فضل خود وعده توسعه می‌دهد: «وَأَنْكُحُوا الْيَتَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» و به نکاح درآورد افراد بی‌زن و بی‌شوهر (مجرد) را که از خودتان هستند و صالحان از غلامان و کنیزانتان را اگر ایشان فقیر باشند خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌گرداند و خداوند واسع و علیم است.» در «تفسیر بیضاوی» در خصوص این آیه شریفه آمده است که این عبارات، رد گمان کسانی است که می‌پندارند فقر مانع از ازدواج است اما فضل خدا انسان را بی‌نیاز می‌کند زیرا مال، صبح می‌آید و شب می‌رود. رسول اکرم ﷺ در مورد این آیه فرموده‌اند «غنا و بی‌نیازی را در این آیه بچوید». البته در آیه بعد نیز آمده است: «وَلَيْسَتَغْفِفَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» و آنان که تمکن بر نکاح ندارند باید عفت را پیشه کنند تا وقتی که خداوند از فضل خود ایشان را بی‌نیاز گرداند.»

روزی در ازدواج

در وسائل الشیعه، چهار روایت درباره مکروه بودن ترک ازدواج از بیم تنگدستی و فقر و پنج روایت در خصوص مستحب بودن اقدام به نکاح با وجود فقر و تنگدستی وارد شده است، اما آن چهار روایت، اولش این است که حضرت صادق (ع) فرمود: هر کس از ترس مخارج زندگانی ازدواج را ترک کند، به ذات اقدس الله سوءظن برده است، اما آن پنج روایت، اولش این است که حضرت صادق (ع) فرمود: مردی به حضور پیامبر ﷺ شرفیاب شد و از تنگدستی و نیازمندی به او شکایت آورد. حضرت به او فرمود «ازدواج کن!» چون ازدواج کرد، روزی اش زیاد شد. ●

صحبت از عوارض بستن لوله در زنان، یک بحث اغراق‌آمیز نیست زیرا «در این روش، عملکرد یک ارگان بدن گسسته می‌شود». در این روش، لوله‌های تخمدان زن را از طریق فشار، سوزاندن، برق، بریدن، دوختن یا بستن با نخ پنبه یا باندهای مخصوص به نحوی مسدود می‌شود که دیگر تخمک نتواند وارد رحم شود اما این تازه آغاز کار است؛ ۳/۲ درصد از ۲۵۶ زنی که در یک بررسی از طریق بستن لوله‌ها عقیم شده‌اند، در فاصله ۲ سال پس از این عمل، مجدداً تحت حداقل یک عمل جراحی دیگر در ناحیه لگن قرار گرفته‌اند. در برخی موارد، در فرایندی که ۲ تا ۸ سال به طول می‌انجامد مجرای رحم پیچ می‌خورد و با انباشته شدن مایع در مجرا مشکلاتی ایجاد می‌شود و حتی گاهی منجر به بروز قانقاریا می‌گردد. به‌علاوه، اکثر زنان به حلقه‌ها و نخ‌های مخصوص سیلیکونی که در بستن لوله به کار می‌رود حساسیت نشان می‌دهند و گاهی این حساسیت با عفونت‌های شدید همراه است. با این همه عوارض جانبی، بدیهی است که دیگر نمی‌توان عقیم‌سازی از طریق بستن لوله را یک روش مناسب و مؤثر دانست بلکه این روش خطرات بی‌شماری برای سلامت زن در بردارد. آگاهی زنان از این موارد موجب می‌شود تا در صدد یافتن روش‌های بی‌خطرتری برای پیشگیری از حاملگی باشند.

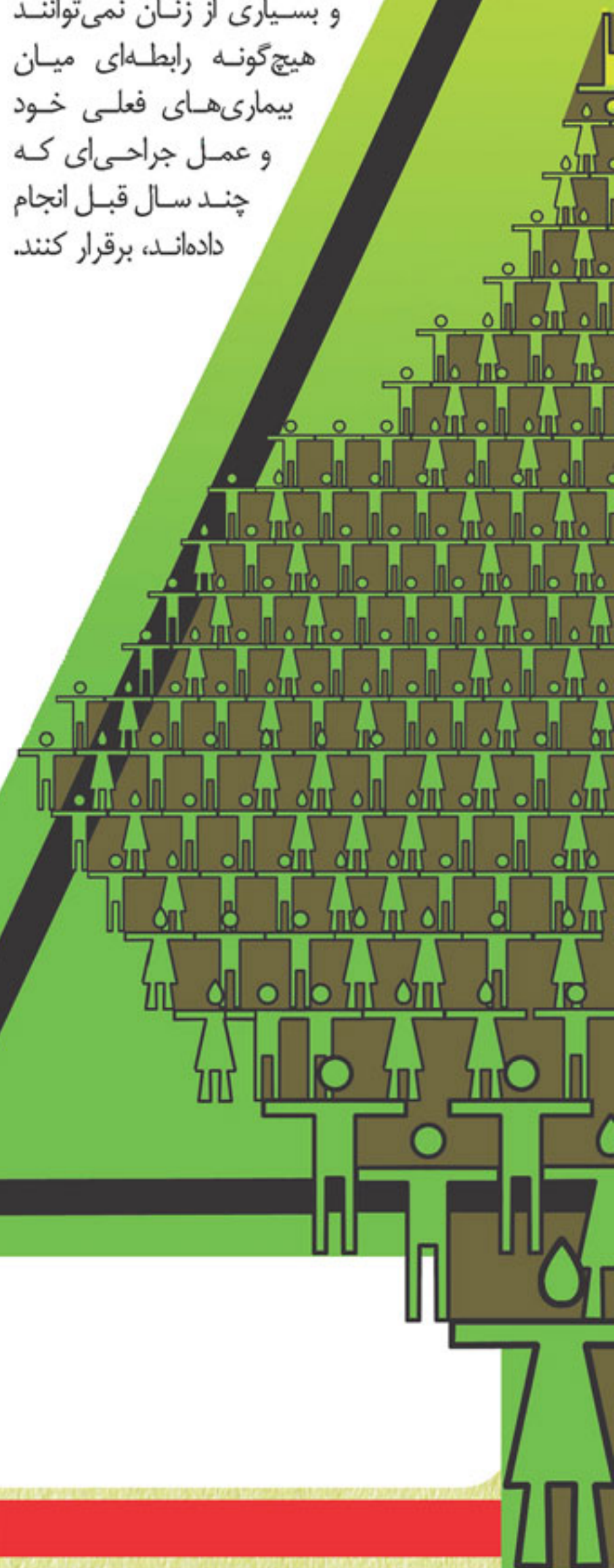
ترس مذموم

ترس از فقر نه تنها مذموم است بلکه باید با آن مبارزه کرد و به ازدواج روی آورد زیرا خود نکاح باعث خیر و برکت و رحمت است. بسیاری از مسلمانان فقیر بوده‌اند که ازدواج موجب غنای ایشان گردید.

یا دیواره شکم یا مثانه یا رحم، انسداد روده و ایجاد فتق در روده کوچک در نتیجه سوراخ شدن رباطها از این مواردند.

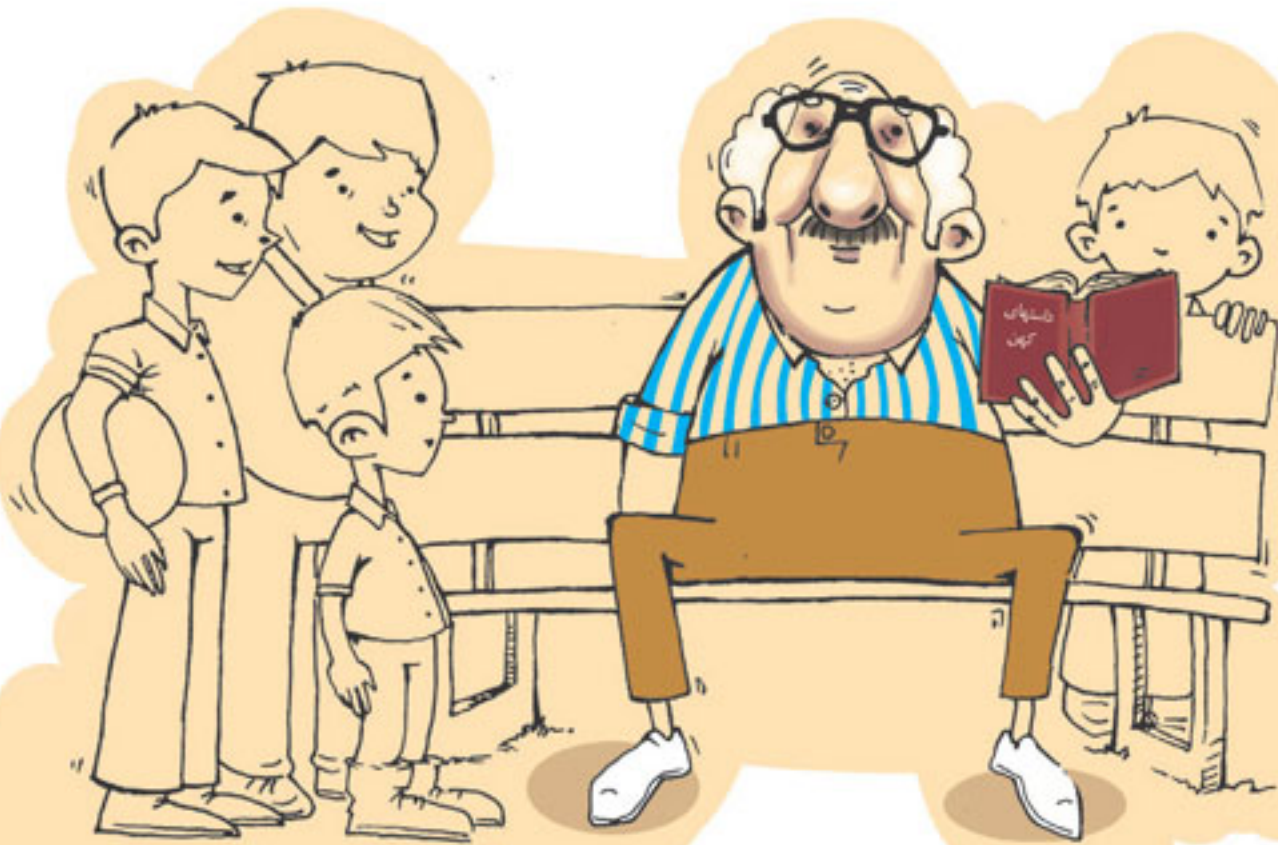
یک نکته پنهان مانده

درباره بستن لوله در خانم‌ها آن‌چه جای نگرانی دارد این است که چه تعداد از عوارض یا حوادث، مخفی می‌ماند و گزارش نمی‌شود! و بسیاری از زنان نمی‌توانند هیچ‌گونه رابطه‌ای میان بیماری‌های فعلی خود و عمل جراحی‌ای که چند سال قبل انجام داده‌اند، برقرار کنند.





به سمت پیر آباد



ده سال قبل...

از ژاپنی‌ها عبرت بگیریم

به گفته جمعیت‌شناسان، ایران با بیش از ۸ درصد جمعیت سالمند، وارد دوره‌ای از سالمندی شده است که اگر زمینه‌چینی و بسترسازی شایسته‌ای برای آن انجام نشود، با بحران سالمندی روبه‌رو خواهد شد. یکی از مسائل پیش‌رو، آن است که با کاهش تعداد فرزندان، با پدران و مادران سالمندی روبه‌رو می‌شویم که تنها یک یا دو فرزند باید بار نگهداری و تیمار آنان را به دوش کشند و این جاست که هم هزینه مالی و زمانی نگهداری از سالمندان، به ویژه «سالمندان سربار» برای فرزندان گران‌بار است و هم واسپاری آنان به خانه‌های سالمندان! در این هنگامه، فشار هزینه‌های سالمندی بر دوش دولت‌ها سنگینی خواهد کرد.

کاهش رشد جمعیت به تغییر تعادل میان نیروهای کار و سالمندان می‌انجامد. در برخی کشورها، بخشی از مالیات‌هایی که نیروهای کار می‌پردازند، برای تأمین اجتماعی و حقوق بازنشستگی کنار گذاشته می‌شود. با این که می‌توان درباره درستی

یا نادرستی سیاست‌های تأمین اجتماعی بحث کرد، امروزه تأمین اجتماعی به یکی از خواسته‌های مهم اجتماعی تبدیل شده که کمتر کسی ضرورت آن را انکار می‌کند. کشور ژاپن در زمان رشد شتابان جمعیت خود در سال ۱۹۶۵ میلادی، در برابر هر ۹ نفر نیروی کار، یک سالمند داشت، اما در سال ۲۰۵۰ میلادی، به ازای هر یک نفر نیروی کار، یک نفر بازنشسته خواهد داشت و این بدان معناست که هر نفر کارمند، باید هزینه زندگی یک سالمند را تأمین کند؛ حال آن که در گذشته، این هزینه بر ۹ نفر تقسیم می‌شد! به هم خوردن این برابری سبب می‌شود که دولت‌ها ناچار شوند بخش زیادی از درآمدهای خود را برای حمایت از سالمندان هزینه کنند؛ چنان که ژاپن در سال ۲۰۱۲ میلادی، نزدیک به ۲۹ درصد از بودجه ۱/۱۲ تریلیون دلاری خود را برای حمایت از سالمندان و مستمری‌بگیران هزینه کرد.

در این میان، سالمندان روستایی با مشکلات بیش‌تری روبه‌رو می‌شوند،

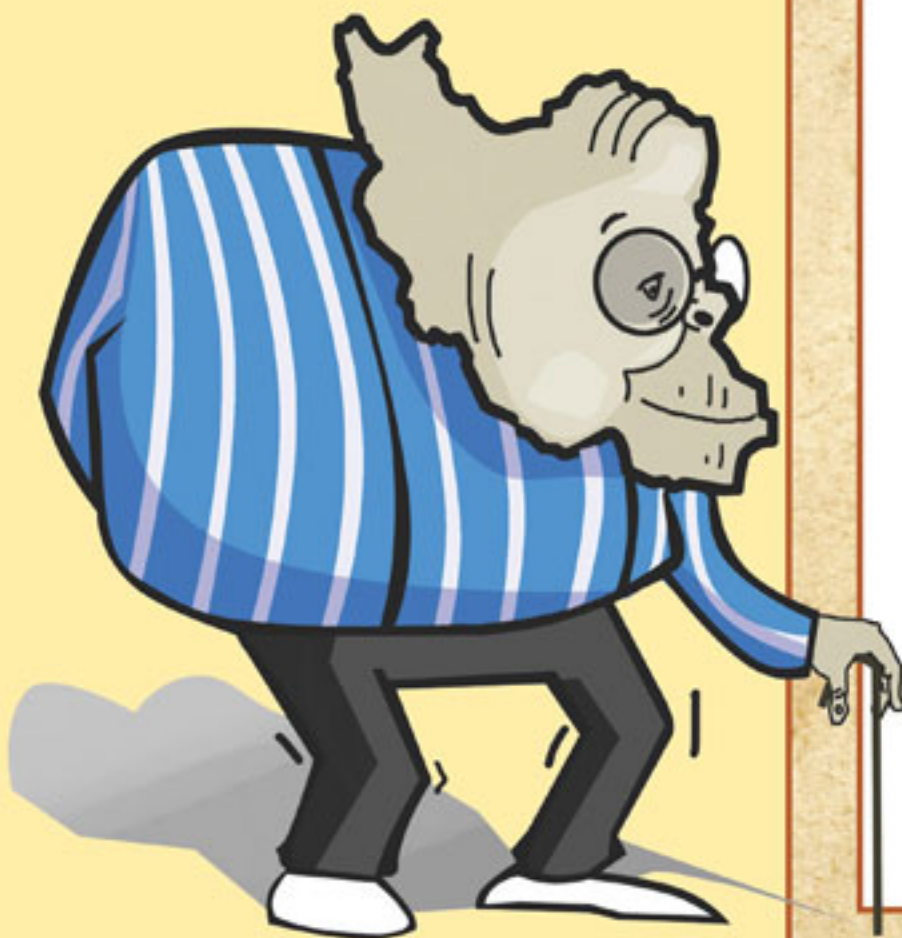
زیرا از یک سو، فرزندانشان به شهرها مهاجرت کرده‌اند و از سوی دیگر، دسترسی کمتری به خانه‌های سالمندان و به پزشکان متخصص طب سالمندی دارند. افزایش خانه‌های سالمندان، خود زمینه‌ای برای کاهش ارتباط سالمندان با نسل آینده و افزایش شکاف نسلی است. افزون بر این‌ها، پیری جمعیت در حوزه اقتصاد نیز مؤثر است و به کاهش نرخ پس‌انداز و افت و رکود بازار املاک و سهام می‌انجامد.

پیری جمعیت، آثار اجتماعی و سیاسی هم دارد. جوانان سرچشمه تحرک و شادابی اجتماعی و سرشار از نوآوری و آرمان‌گرایی‌اند؛ در حالی که سالمندی همراه با پیرنگ شدن روحیات محافظه‌کارانه است؛ از این رو، جمعیت جوان کشور، عامل پیشرفت علمی و اجتماعی و فرهنگی است و اگر پیوند اجتماعی مردم و حکومت استوار باشد، ضامن امنیت ملی و تأمین‌کننده نیروهای نظامی برای رویارویی احتمالی با دشمنان خواهد بود. ●

خطر پیری در کمین ایرانی‌ها

دکتر حبیب‌الله زنجانی (رئیس انجمن جمعیت‌شناسی ایران)

در حال حاضر، مهم‌ترین مسئله ما این است که بدانیم نقطه نهایی عزیمت ما از نظر تحولات جمعیتی کجا است. سطح باروری زنان در تعداد زیادی از استان‌های کشور کمتر از ۲/۱ فرزند است. مسئله‌ای که اخیراً در مورد جمعیت و تغییرات سطح باروری در ایران حساسیت ایجاد کرده است این است که زمانی که کاهش باروری نهادینه شود، با هر تلاشی که صورت گیرد تنها به زحمت می‌توان آن را، آن هم به مقدار جزئی افزایش داد. با این روندی که طی می‌شود در حوالی سال ۲۰۵۰ در حدود ۲۳ تا ۳۶ درصد جمعیت کشور را افراد ۶۰ سال به بالا تشکیل خواهند داد. من معتقدم که ما سیاست جمعیتی ناهدفمندی را دنبال می‌کنیم. در سیاست‌های جمعیتی کشور (که سیاست فعالی هم عملاً وجود ندارد) هدف مشخصی تعریف نشده است. نخست باید هدف‌های بلندمدتی تعریف شود و سپس زمان‌بندی‌هایی برای تحقق آن‌ها تعیین گردد. این زمان‌بندی‌ها باید قابل ارزیابی و بازنگری هم باشد. ●



انفجار عمودی جمعیت

دکتر محمد جواد محمودی (از اعضای مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه)

می‌خواهم برای آگاهی بیش‌تر مردم و نخبگان به برخی از چالش‌های جمعیتی ایران به صورت خلاصه اشاره کنم:

۱. بحران باروری و تجدید نسل: میزان باروری کل (متوسط تعداد بچه‌های زنده‌ای که یک مادر در طول دوره باروری به دنیا می‌آورد) به کمتر از دو بچه کاهش یافته و این به معنی کاهش تدریجی جمعیت و نهایتاً انقراض نسل است.

۲. سالمندی جمعیت: بر اثر کاهش مداوم باروری و افزایش امید به زندگی، میانگین سنی جمعیت افزایش می‌یابد که جمعیت‌شناسان اصطلاحاً از این وضعیت تحت عنوان «انفجار عمودی سالخوردگی» یاد می‌کنند. بر اساس پیش‌بینی سازمان ملل تا سال ۲۰۵۰ بیش از یک چهارم جمعیت ایران سالخورده خواهد بود. این تحول بزرگ مستلزم توسعه قابل ملاحظه اقدامات حمایتی و تأمین برای این گروه است. در حال حاضر، چند کشور اروپایی از جمله آلمان، در چنین وضعیتی گرفتار هستند.

۳. کاهش جمعیت در سن کار و افزایش مهاجرین خارجی: در مرحله بعد، نسل‌های بعدی به تدریج کوچک‌تر و کوچک‌تر خواهند شد و در نتیجه حجم جمعیت وارد شده به سن کار هم رو به کاستی می‌گراید و زمینه کمبود نیروی کار فراهم می‌گردد. در ایران جمعیت در سن کار از سال ۱۳۹۰ به بعد روند کاهشی خود را آغاز کرده، در این مرحله سیاست‌های وارد کردن نیروی کار و کارگر مهاجر مطرح می‌شود که این خود اثرات مهمی بر تغییرات اجتماعی، فرهنگی، قومیتی و نژادی کشور به جا خواهد گذاشت. ●

داریم پیر می‌شویم!

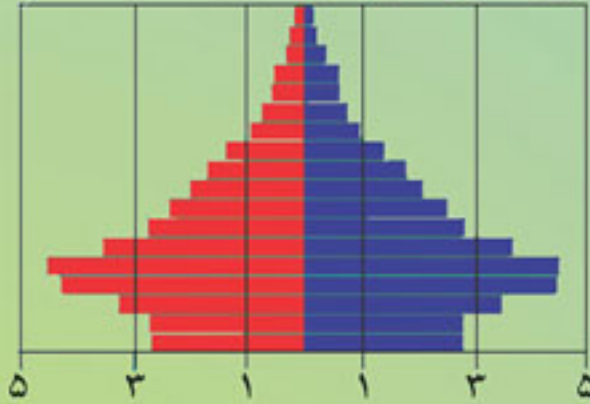
هرم جمعیت

هرم سنی کشور در حال گذر است یعنی گذر از یک ساختار سنی کاملاً جوان به ساختاری سالخورده (کوچک شدن قاعده هرم) با توجه به پیش‌بینی‌های صورت گرفته، می‌توان گفت که وضعیت جمعیتی جمهوری اسلامی ایران در پنجاه سال آینده در وضعیت مطلوبی نخواهد بود و به سمت کاهش جمعیت پیش خواهیم رفت. ضمن آن که جمعیت جوان و فعال کشور نیز به شدت کاهش خواهد یافت. افزایش جمعیت سالمند نیز ضمن عدم توانمندی اقتصادی، نیازمند خدمات بیش‌تر بخش جوان جمعیت خواهد بود.

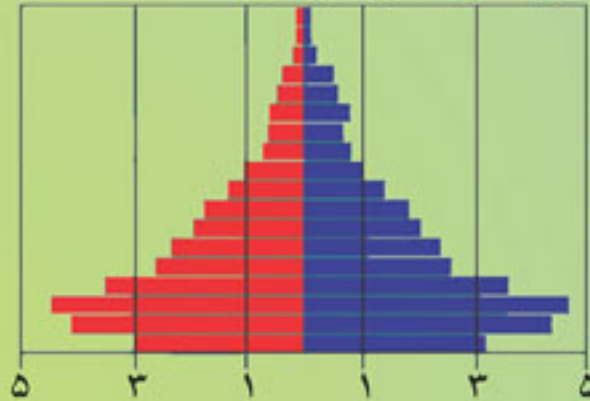
هرم سنی کشور در سال ۱۳۹۰



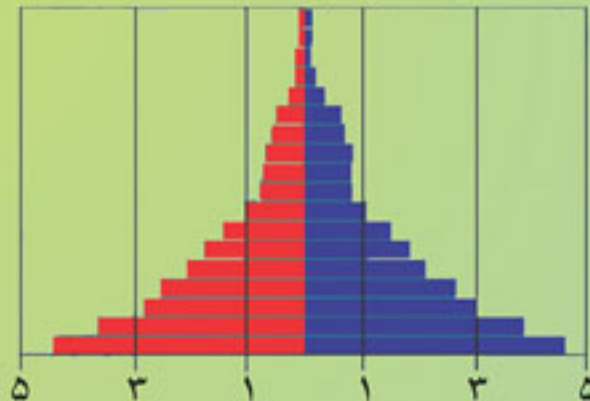
هرم سنی کشور در سال ۱۳۸۵



هرم سنی کشور در سال ۱۳۷۵



هرم سنی کشور در سال ۱۳۶۵



پیش‌بینی جمعیت و نرخ رشد جمعیت ایران



فرض کنید که تمام امکاناتی که در شهرتان وجود دارد بعد از چند سال به دلیل کم شدن جمعیت شهر، بین افراد کمتری تقسیم شود به نظر این رقم می‌تواند شرایط را برای زندگی بهتر مهیا کند، اما ماجرا به این راحتی‌ها هم نیست. برخی از کارشناسان معتقدند در چنین وضعیتی جامعه و شهر شما دچار چالش‌های جدیدتری خواهد شد و شرایط را بدتر از قبل خواهد کرد.



در اثر کاهش باروری، جمعیت در سن کار کاهش یافته و کشورها برای تأمین نیروی کار خود سیاست‌های مهاجر پذیری را در پیش می‌گیرند، مهاجران وارد شده به هر کشور ساختار فرهنگی و اجتماعی آن را دچار تغییرات اساسی می‌کنند.

آمار نشان می‌دهد میزان باروری زنان از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۹۰ کاهش چشمگیری داشته و در صورت ادامه روند کاهش جمعیت، خطر انقراض نسل وجود دارد.

دلایل موافقان و مخالفان افزایش جمعیت

موافقان

- نیروی انسانی منشأ قدرت است.
- رشد جمعیت، سفارش دین و کنترل جمعیت، توطئه غرب است.
- جمعیت زیاد، عامل توسعه اقتصادی است.
- جلوگیری از روند رشد باعث پیر شدن جمعیت می شود.
- وقتی نیمی از جمعیت یک کشور، سالخورده باشند، نیمه جوان جمعیت باید انرژی خود را صرف نگهداری و خدمات رسانی به نیمه سالخورده کنند و این بزرگترین چالش اقتصادی است.

مخالفان

- فراهم نبودن زیرساخت ها (آموزشی، بهداشتی، رفاهی و...)
- مبهم بودن آینده شغلی نسل آینده
- شرایط نامناسب معیشتی و اقتصادی خانواده ها (والدین)
- فراهم نبودن زندگی توأم با رفاه برای نسل آینده
- نبودن پشتوانه کارشناسی برای افزایش جمعیت
- به دلایل فرهنگی رشد جمعیت بیش تر در فقرا رخ خواهد داد و سبب وخامت وضع آن ها خواهد شد.



امید به زندگی:

یک شاخص آماری است که نشان می دهد متوسط طول عمر در یک جامعه چقدر است و یا به عبارت دیگر هر عضو آن جامعه چند سال می تواند توقع طول عمر داشته باشد.

نرخ باروری کل:

منظور از نرخ باروری کل تعیین تعداد فرزندی است که جانشین والدین شوند. اگر این شاخص در حد $2/1$ بچه یا کمتر باشد به معنی کاهش تدریجی جمعیت و نهایتاً انقراض نسلی است.

نرخ رشد جمعیت:

نرخ رشد جمعیت اکنون $1/3$ درصد است که کاهش رشد جمعیت، جدی و سریع اتفاق افتاده و اگر با این روند پیش برویم در آینده با مشکلات مهمی مواجه خواهیم شد.



و خدا فرمود: می‌شود...

از سخنرانی استاد رحیم‌پور ازغدی در موسسه امام خمینی (ره)



اول نگاهت را اصلاح کن

روی پیش‌فرض‌ها دقت کنیم. کسانی که به مسئله خانواده و بچه‌داری نگاه مادی دارند، فکر می‌کنند که بچه‌داری یک مصیبتی است که گرفتارش شده‌اند. این یک نگاه است، اما مکتبی که می‌گوید اگر مادر یا پدری شب برای بچه‌اش بیدار ماند، پیامبر ﷺ فرمود این بزرگ‌ترین عبادت نزد خداوند است. این که می‌فرماید اگر مادری موقع تولد فرزندش از دنیا برود، شهید است، او بچه‌داری را گرفتاری نمی‌داند. اگر نگاهت توحیدی شد، دیگر لازم نیست سر مسائل فروع فقهی با دیگر مکاتب مادی بحث کنیم. خُب اول می‌گوییم نگاهت را نسبت به انسان اصلاح کن، بعد بیا نگاهت را به تولیدمثل اصلاح کن. همه این‌ها فلسفه توحیدی خواهد داشت.

برخورد تدبیری

خیلی دقت کنیم این تصور در افکار عمومی به وجود نیاید که مثل این که دین و شریعت این قدر بی‌در و پیکر و

سیال است که هر دوره‌ای هر چیزی را می‌توان به آن نسبت داد و آن هم به‌طور قاطع و صد در صد. یک دوره اول انقلاب به مردم می‌گفتیم که «الاسلام يقول...» که همه بچه‌دار شوید و یک دوره شروع کردیم به فتوا آوردن و استدلال و آیه و حدیث و فقها و رسانه، که بچه‌دار نشوید و اسلام طرفدار تحدید نسل است. باز یک مرتبه همه گفتند که جمعیت رو به پیری است و ایران ۲۰ سال دیگر یک ایران زوار دررفته است که کودکانها باید به خانه‌های سالمندان تبدیل شود. باز یک مرتبه فرمان اسلام برگشت؟! اسلام هیچ حکم ذاتی اولی قطعی به‌نحو مطلق درباره جمعیت ندارد. یعنی هر دو دسته آیات و روایات هم به‌نفع تکثیر جمعیت داریم و هم به‌نفع تحدید. هر دو هم اسلام است ولی باید به جامعه درست منتقل کنیم که اسلام در این باب، به عناوین اولی و عناوین ثانوی و به جهات مختلف قضیه توجه دارد یعنی برخورد تدبیری است. به هر دوی این‌ها باید توجه کرد؛ اولویت‌ها در شرایط مختلف تغییر می‌کند.

فروپاشی خانواده در قم

در حوزه مباحث عشق و خانواده، یکی از چیزهایی که در برابر زاد و ولد، فمینیست‌ها به‌عنوان یک موضع حمایتی و حقوق زن در غرب مطرح کردند این تفسیر بود که خانواده و بچه‌داری یک غل و زنجیر به‌دست و پای زن است و این همان ایدئولوژی خشونت مردانه است برای کنترل زن و نگهداشتنش در خانه، که از نظر این‌ها زندان است. یک اتفاقات تاریخی در غرب افتاده. مردان به زنان ستم کردند و می‌کنند. شبیه این اتفاق در جوامع ما هم می‌افتد که ربطی به اسلام ندارد و مردانی هم در جوامع اسلامی هستند که به زنانی ستم می‌کنند و چه‌بسا به‌نام مذهب ستم می‌کنند. یک چیزی شنیده به‌نام «اذن شوهر» و «اطاعت از شوهر برای خروج از خانه» یک مرتبه از داخل این‌ها یک زندان درست می‌کند. از طرف دیگر زن چیزی به‌نام «حق نفقه» و این که من طبق فقه، وظیفه کار کردن ندارم و... این ابعاد کاریکاتوری که به احکام اسلام

رشته‌های معنوی هست که جز با مادری و جز با پدری به دست نمی‌آید. در یک روایت فرمودند بعضی از گناهان شما بخشیده نخواهد شد مگر رنج بچه‌داری و مشکلات زندگی را تحمل کنید. یعنی کیفر بعضی از گناهانتان فقط این جور است. یک گناهی هست که با مشکلات کار و اجاره خانه و نان در آوردن و... پاک می‌شود و با هیچ دعایی پاک نمی‌شود؛ البته همه‌اش چیزهای دنیوی هم نیست.

برای مباهات پیامبر ﷺ

یک سری دعا‌هایی هم هست مثلاً خدایا به من منت بگذار و بچه‌ای به من عطا بفرما که بتواند بماند و نگهش دارم و سلامتش، تغذیه‌اش، امکاناتش و زندگی‌اش را تأمین کنم و بتوانم اصلاحش کنم. نه این که خدایا هزار تا بچه به من بده. اصلاحش مهم است. خدایا به من توفیق بده این‌ها را تربیت کنم. آدم تحویل جامعه بدهم که پیغمبر بتواند بگوید مباهات می‌کنم به آن‌ها. خجالت نکشد. اسلام، جمعیتی می‌خواهد که به کم و کیفش هر دو توجه شود؛ امت بزرگ اسلامی، اما به شرطی که باعث مباهات پیامبر ﷺ بشود.

نقشه استعمار

یک بخشی از موضوع هم بحث استعماری است. طرح آمریکایی‌ها این است که تمام کشورها از جمله جهان اسلام باید هم جمعیشان کم شود، هم کشورهاشان تقسیم شود. چون اگر شدند صد تا کشور کوچک با جمعیت کم، دیگر هیچ کاری از آن‌ها بر نمی‌آید و نمی‌توانند جلوی مابایستند و کار اساسی نکنند. همه باید بشوند مانند قطر و امارات و... •

نمی‌توانم خودم را اداره کنم چه‌طوری دو نفری می‌شود؟ خداوند فرمود: می‌شود. بعد می‌گوید بچه بیاوریم یا نیاوریم؟ می‌گوید: بچه بیاور هیچ مشکلی برای رزقش نیست. یعنی هیچ مانع ذاتی‌ای وجود ندارد اما معنی‌اش این نیست که شرطی هم ندارد آیات قرآن را همه کنار هم ببینیم.

بچه با کیفیت بیاور

کم یا زیاد بودن جمعیت، خودش هدف نیست؛ هدف آن صفاتی است که در قرآن می‌آید که این هدف غالباً با ازدیاد جمعیت اتفاق می‌افتد. منتها تو حواست باشد خداوند به ما می‌گوید هر انسانی که به دنیا می‌آید یک: مشمول کرامت عام است. دو: باید برای کرامت خاصش برنامه‌ریزی کنی. آن اسلامی که می‌گوید بچه بیاور، کنارش شش تا چیز دیگر هم گفته. برای تو مسئولیت دنیا و آخرت تعیین کرده که آن‌جا را هم باید عمل کنیم، ولی بعضی‌ها نگویند چون بچه، باکیفیت نمی‌شود پس اصلاً بچه نیاوریم. نه! می‌گوید بچه بیاور و کیفیتش هم را باید رعایت کنی و مسئولی در مقابلش.

یک کمی عقل

اگر فرض کنید هیچ آیه و حدیث و سنتی نیامده بود در باب ازدواج و تولید فرزند، اگر یک کمی عقلمان را به کار بیندازیم، خواهیم فهمید که اتفاقاتی که در اثر این تشکیل خانواده و عواقبش می‌افتد اگر مدیریت الهی بشود نه مدیریت کافران، نتیجه‌اش گسترش بر و نیکی، نزدیک شدن دورها و تألیف قلب می‌شود. انواع حقوقی که به وجود می‌آید که همین حقوق، نتیجه‌اش باعث رشد و تعالی می‌شود. تو وقتی بچه نداری، حق ولد بر پدر معنی ندارد؛ لذا تو از این تکلیف نمی‌توانی استفاده کنی. بعضی از

می‌دهیم، در حوزه خانواده و زن و شوهر، والدین و فرزند، این‌ها برای ما مصیبت درست می‌کند. سرهایمان را زیر برف کنیم و از فروپاشی خانواده در غرب حرف می‌زنیم و نمی‌فهمیم که باید از فروپاشی خانواده در تهران و قم حرف بزنیم. وقتی از هر پنج ازدواج یکی به طلاق منتهی می‌شود یعنی ما ۳۰ سال دیگر مثل بعضی از کشورهای غربی خواهیم شد.

خدا فرمود: می‌شود

چه در غالب تشویق خانواده و اولاد، چه در مقام کنترل نسل، در هیچ کدام از اینها اسلام صرفاً کمیت زده نیست؛ البته در بعضی از آیات و روایات به کمیت اشاره شده، اما بلافاصله قبل یا بعد، یک قید برای این کمیت آورده ولی معنایش هم این نیست که فقط کیفیت مهم است و کمیت مهم نیست. ما چون نمی‌توانیم بچه‌های خوب تربیت کنیم؛ پس دیگر زاد و ولد نکنیم! این توصیه را نکرده. چند تا تهدید واقعی را مطرح می‌کند مثل گرسنه ماندن، آیا رزق برای بچه‌هایی که تازه به دنیا می‌آیند، هست؟ بله رزق هست. اگر خداوند می‌فرماید برای بچه تازه متولد شده رزق هست، معنی‌اش این نیست که رزق بدون قید و شرط، همین‌طور گذاشتیم تو برو بردار یا تو بچه به دنیا بیاور رزقش را ما خودمان می‌آوریم در دهان تو و بچه‌ات می‌گذاریم. بله، خداوند رزاق است ولی رزاقیت خداوند قید و شروطی دارد. به آن‌ها هم توجه داده، ولی مسلمان نباید نتیجه بگیرد چون من خودم تحت فشار اقتصادی هستم اگر ازدواج کنم حتماً مشکلات دو برابر می‌شود و نمی‌توانم حلش کنم. بچه بیاید سه برابر می‌شود اصلاً نمی‌توانم. خداوند هم در مورد ازدواج و هم درباره فرزند، فرمود ازدواج کنید، روزیتان زیاد می‌شود. تو می‌گویی من یک نفری مجرد هستم

ای کاش می توانستم فرزندخوانده‌ای داشته باشم!

در گفت و گو با یک استاد حوزه و دانشگاه

اشاره

خانم دکتر رامین متولد ۱۳۳۹ است، ۱۳۵۸ به دانشگاه تهران رفته و بیولوژی خوانده، با وقوع انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها، به قم آمده و تحصیلات حوزوی را پی گرفته، بعدها تحصیلات دانشگاهی‌اش را در رشته فلسفه ادامه داده، نفر اول دوره کارشناسی ارشد بوده و به‌عنوان نفر سوم پذیرفته‌شده در دوره دکتری فلسفه تطبیقی ادامه تحصیل داده است. در کنار تحقیق و تألیف، در حوزه و دانشگاه تدریس داشته و اکنون نیز از اعضای هیأت علمی دانشگاه قم است. در سال ۱۳۵۹ با مردی که اکنون از چهره‌های به‌نام فکری و فرهنگی کشور است، ازدواج کرده و حالا زندگی بسیار آرام و در عین حال پر مشغله‌ای دارد و...؛ اما دلیل این گفت‌وگو پنج فرزند اوست که این بانوی فرهیخته، یاور آنان تا رسیدن به مدارج بالای علمی بوده و مهر باطلی زده بر باور کسانی که فرزند فراوان را مانع رشد خود و فرزندان‌شان می‌دانند. این مصاحبه خواندنی است:

خانم رامین! چند فرزند دارید و با چه فوایدی قدم به زندگی شما گذاشتند؟

من ۵ فرزند دارم؛ اولین فرزندم سال ۱۳۶۰ به دنیا آمده و آخرین آن‌ها در سال ۱۳۷۰. بچه‌ها تقریباً دو سال با هم اختلاف سنی دارند.

کمی از مدارج علمی و فعالیت‌های فرزندان‌تان برایمان بگویید؟

اولین دخترم، مهیای چهارساله‌اش را بزرگ می‌کند و اکنون در حال تدوین پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی از دانشگاه علامه طباطبائی است. دختر دومم هم ملیکای ۴/۵ ساله‌اش را بزرگ می‌کند و اکنون در حال تحصیل در مقطع دکترای فیزیک است. سومین دخترم در حال تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد فلسفه علوم تربیت است و دختر چهارم من، ارشد عمران است و در حال حاضر با همسرش، مقیم اتریش است و برای دکتری

آماده می‌شود. پسر من نیز لیسانس کامپیوتر با گرایش شبکه دارد و در حال برنامه‌ریزی برای گرفتن سطح دو و سه مدارک بین‌المللی CCNA است که در کشور بسیار کمیاب و با کارایی بسیار است.

چرا دقیقاً در شرایطی که شعار فرزند کمتر رایج بود شما به دو فرزند اکتفا نکردید؟

واقعیت این است که من و همسر من خیلی به شعارهایی که مدتی در جامعه اوج می‌گیرد و بعد هم فراموش می‌شود، وابسته نبوده و نیستیم و سعی کرده‌ایم که با باورهایمان زندگی کنیم و از عادت‌ها فاصله بگیریم. در آن موقع، مانعی نمی‌دیدیم که نتوانیم بچه بیشتری داشته باشیم. با این که ما هر دو شاغل بودیم و درس هم می‌خواندیم و طبیعتاً خلأ ما برای بچه‌ها تا حدودی احساس می‌شد اما بچه‌ها پشت هم بودند، خودشان هوای همدیگر را داشتند. یادم هست که همیشه دختر اولمان رهبر بود و نقش کنترل‌کننده داشت؛ هنوز هم همین‌طور است. با هم بزرگ شدن



نبینند ولی شاید حضور بیش‌تر من در خانه مفیدتر بود. حضور که می‌گویم نه حضور فیزیکی بلکه حضوری با صمیمیت بیش‌تر و ارتباط روحی و معنوی محکم‌تر و ملموس‌تر؛ چون ممکن است مادری، حضور فیزیکی طولانی در خانه داشته باشد ولی این حضور، تأثیر چندانی نداشته باشد و حتی صدمه‌زننده نیز باشد؛ صدمه‌زننده به خودش و حتی فرزندش.

راز موفقیت‌های شما چیست؟

به‌نظرم یکی از عواملی که در پیشرفت علمی من دخیل بود، این بود که ما در قم غریب بودیم؛ فامیل‌های همسر من مشهد بودند و اقوام خودم نیز اکثراً تهران؛ بنابراین کسی را برای رفت و آمد نداشتیم. آن وقتی را که دیگران می‌گذاشتند به رفت و آمدهای زیاد و مکرر، ما درس می‌خواندیم؛ البته علاقه و همت هم بود. من زیباترین ساعات عمرم، ساعاتی است که سر کلاس هستم. هرچند ممکن است هنگام تدریس برخی دروس، شدیداً هم خسته شوم ولی فکر می‌کنم آن ساعاتی که در حال تدریس و با دانشجویها می‌گذرانم گویا از عمرم حساب نمی‌شود. یکی از عوامل موفقیت خود را نیز محیط امن و آرام خانوادگی می‌دانم، خانه‌ای که هیچ‌وقت در آن دعوا نبوده، هیچ‌وقت در آن جر و بحث نبوده؛ واقعیت زندگی خصوصی من و همسر همواره همین‌گونه بوده است. هیچ‌گاه مرزها و حرمت‌ها بین ما شکسته نشده. یادم نمی‌آید تا به حال، دعوای جدی با هم کرده باشیم البته نه آن که معضل در خانه نداشته باشیم، معضل‌های بسیار جدی داشتیم که شاید هیچ‌کس هم نمی‌داند؛ اصلاً قانون ما در زندگی این است که خوشی‌هایمان را با دیگران تقسیم کنیم ولی مشکلات خود را تنها خود بدانیم و خود حل کنیم.

بچه‌های خودم هم تا کم‌سن‌تر بودند فرصت کمتری برای درس خواندن داشتم، یادم هست به‌خاطر غیبت‌های غیر موجه، دو بار از جامعه‌الزهرای^ع اخراج شدم. به‌خصوص این که هیچ‌کدام آن‌ها را به مهدکودک نفرستادم، بنابراین ناچار می‌شدم که یک ترم مرخصی بگیرم. ترم بعد، هم فرزندانم و هم همسر و خانواده‌ام تاب تحمل بیرون بودن من را از خانه نداشتند؛ به‌همین‌خاطر مجبور می‌شدم غیبت کنم و اخراج می‌شدم!

از زمانی که بچه‌ها بزرگ‌تر شدند، طبیعتاً فرصت فعالیت بیرون از خانه و تدریس را بیش‌تر داشتم. تقریباً از سال ۷۵ به بعد، خیلی فعالیت درسی‌ام منظم‌تر و دقیق‌تر شد. جالب این که چون بچه‌هایم مهدکودک نمی‌رفتند بین من و همسر یک همکاری دو جانبه خیلی تنگاتنگی ایجاد شده بود؛ معمولاً صبح‌ها، بچه‌ها را من نگه می‌داشتم و بعد از ظهرها که سر کلاس می‌رفتم و درس می‌خواندم، همسر من از بچه‌ها نگهداری می‌کرد. این هماهنگی و حمایت دوجانبه باعث شده بود که من احساس کنم هیچ تضادی بین رشد علمی و رسیدگی به خانواده‌ام وجود ندارد و همسر من نیز واقعاً مایل بود که من درس بخوانم و مخالف این بود که مرد رشد کند و زن در سطح پایینی متوقف شود، این را ظلم می‌دانست و هنوز هم همین‌طور است.

اگر به گذشته برمی‌گشتید دوباره همین راه را می‌آمدید؟

اتفاقاً همین دیروز دانشجویی این سؤال را از من پرسید. به او گفتم با وجود همه مشکلاتی که تا به حال با آن‌ها روبرو بوده و هستم اگر ده بار دیگر هم به عقب بازگردم، دقیقاً همین راه را طی می‌کنم؛ البته الان که به گذشته نگاه می‌کنم احساس می‌کنم که اگرچه آگاهانه متوجه بوده‌ام که فرزندانم صدمه‌ای

بچه‌ها باعث شادابی‌شان بود و اکنون هر کدام از آن‌ها پشتوانه‌های عظیمی برای یکدیگرند؛ پشتوانه‌های خیلی قابل اعتماد و صبور که هرگز هیچ دوستی نمی‌تواند جایگزین آن باشد.

من و همسر من بسیار به بچه‌ها علاقه‌مندیم. جالب است بگویم که حتی ایشان دو سه ماه پیش به من پیشنهاد می‌داد که کودک یتیمی را به فرزندپذیری قبول کنیم؛ این را جدی می‌گفت. هم به‌خاطر ثوابش و هم این که وجود فرزندخوانده‌ای معصوم و کوچک، گرما و شادابی تازه‌ای به خانواده می‌بخشد.

چگونه بین فرزندداری و مشغله‌های علمی و اجتماعی جمع می‌کنید؟

به نظر من برای یک زن، قانون اولی و اساسی در زندگی باید خانواده‌اش باشد و همه‌چیز باید بر مدار این محور تنظیم شود ولی این امر به این معنا نیست که ما مشغله‌های علمی و کاری را کاملاً کنار بگذاریم؛ چون به‌هر حال حضور زن در سطح جامعه بسیار پراهمیت است و حتی درس خواندن اگر منتهی به اشتغال هم نباشد بسیار مفید است زیرا مادری که تحصیلات علمی دارد و اهل مطالعه آزاد است، نوع تربیت و نگرش وی در خانه با مادری که این‌گونه نبوده فرق می‌کند؛ بنابراین اصل و محور باید خانواده باشد و کنار آن فعالیت‌های اجتماعی در حدی که خانواده صدمه نبیند بسیار مفید است. میزان فعالیت اجتماعی برای یک زن بستگی به شرایط دارد؛ مثل ترازویی است که گاهی کفه به یک‌طرف سنگین و مایل می‌شود و گاهی به سمت دیگر. گاهی وضعیت خانواده اقتضا دارد که مادر حضور فیزیکی بیش‌تری داشته باشد و طبیعتاً فعالیت‌های اجتماعی او محدودتر می‌شود و گاه نیاز به حضور در خانواده کمتر احساس می‌شود و فعالیت اجتماعی پررنگ‌تر می‌گردد.



از خوشی‌ها و آثار و برکات فرزندآوری برایمان بگویید؟

در نگاه اول شاید فرزند زیاد چیزی جز سختی به نظر نیاید. اما اگر دقیق‌تر بنگریم در خانواده‌ای که در آن بچه نیست شادابی و طراوت نیست. در زندگی من، زیباترین و شیرین‌ترین لحظات زمانی است که با بچه‌ها می‌نشینیم و از هر دری سخن می‌گوییم؛ شوخی‌هایی که با هم می‌کنیم، مشاوره‌هایی که به هم می‌دهیم و خلاصه، هر کدامان برای دیگری، تکیه‌گاه محکمی است؛ نه این که تنها من، تکیه‌گاه آن‌ها باشم؛ واقعاً بچه‌ها هر یک سرمایه و تکیه‌گاهی برای یکدیگرند. گاه آن‌ها طوری فکر می‌کنند که من فکر نمی‌کنم، و می‌توانند مددکار من در فهم و درک تمایلات و خواسته‌های جوانان باشند و در نوع برخورد من با دانشجو تأثیر گذارند؛ بنابراین تبادل نظری که بین ما هست، کمک‌کار زندگی‌مان شده است.

جالب است که بدانید آن قدر ارتباط عاطفی و محبتی بین ما و بچه‌ها زیاد است که در نبود هر کدام از آن‌ها فشار روانی شدیدی بر من و پدرشان هست که اگر کسی از بیرون نگاه کند فکر می‌کند ما همین یک فرزند را داریم.

غیر از اثر تبلیغات، چرا جامعه ما به انتخاب فرزند کمتر، کشیده شد؟

به نظرم عامل اصلی برمی‌گردد به همان نگاهی که ما به خانواده مدرن و خانواده سنتی داریم. ببینید من نمی‌خواهم مثل برخی‌ها بگویم که خانواده‌های سنتی خیلی خوب هستند، بهترین هستند و برعکس، خانواده‌های مدرن خوب نیستند و ما باید الان وضعیت خانوادگی خانواده‌های سنتی را تزریق کنیم در خانواده‌های مدرن، نه! معتقدم این کار اصلاً شدنی نیست به‌خاطر این که فرهنگ کاملاً تغییر کرده؛ خانواده سنتی، فرهنگی را می‌طلبد که خانواده جدید و مدرن این فرهنگ را ندارد. بالأخره فرهنگ جدید، یک مزایایی دارد و

شما با چند فرزند موافقید؟ با این وضعیت جامعه ما به کجا کشیده می‌شود؟

تعداد فرزندان بستگی به ظرفیت‌های خانواده دارد. یک خانواده ممکن است واقعاً ظرفیت اقتصادی، روحی، فرهنگی و اجتماعی بیش از دو فرزند را نداشته باشد، اما مشکل این‌جا است که خانواده‌هایی که می‌توانند و شرایطش را دارند دقیقاً ضریب رشد جمعیت در آن‌ها پایین‌تر است و متأسفانه در خانواده‌هایی که شرایط بزرگ کردن و پرورش فرزند محدود است، ضریب رشد جمعیت افزایش می‌یابد و این امر هم به خانواده صدمه می‌زند و هم به اجتماع. باید بپذیریم که یکی از سرمایه‌های مهم یک کشور، نیروی انسانی است. امروزه، یکی از امتیازهای بسیار مهم کشور ما این است که قشر جوانش زیاد است. در برخی کشورهای غربی، اکثر قشر جامعه میان‌سالند و حکومت‌ها نیز متوجه این خطر شده‌اند، و لذا برای تشویق به فرزندآوری شرایط و امتیازهای بسیار خوبی را فراهم می‌کنند؛ از امکانات رایگان بیمارستانی تا کار و... به نظر من، اگر روند کاهش جمعیت در ایران به همین‌گونه افزایش یابد ما نیز به زودی با این معضل بزرگ مواجه خواهیم شد. اگر نیروی انسانی کاهش یابد و جمعیت اکثری نیروی انسانی ما را، افراد میان‌سال و یا حتی پیر تشکیل دهند، ما دچار فقدان سرمایه انسانی خواهیم شد و این سرمایه ملی پر اهمیت را از دست می‌دهیم و در حیطه‌های مختلف سیاسی، علمی، امنیتی و نظامی، شدیداً صدمه خواهیم دید؛ بدون نیروی جوان و پرنشاط ما چگونه می‌خواهیم بخش‌های تکنولوژی، صنعتی و علمی کشور را اداره کنیم؟! لذا ناچار می‌شویم که از بیگانه مدد گیریم و نیروی انسانی را نیز به واردات خود بیفزاییم! و به یقین زمانی که بیگانه وارد کشور شد، فرهنگ و آسیب‌هایش را هم با خودش می‌آورد.

فرهنگ سنتی هم مزایایی داشته. به‌نظرم وضعیت جدید جامعه، بدون این که بخواهیم نگاه ارزشی داشته باشیم به‌خاطر یک تفاوت نگاه است که همین تفاوت نگاه باعث شده جامعه با معضلاتی روبه‌رو شود. شاید مهم‌ترین تفاوت بین خانواده سنتی و خانواده مدرن این است که در خانواده‌های سنتی «فرهنگ جمع‌گرایی» غلبه بیش‌تری داشته تا «فرهنگ فردگرایی». در حال حاضر، خانواده‌ها به سمت فردگرایی رفته‌اند؛ اما در گذشته این‌طور نبود، چه در مورد زن و چه در مورد مرد. مثلاً در خانواده سنتی ممکن بود بچه داشتن زیاد برای زن آزاردهنده باشد ولی زن متوجه بود نتایجی که از این وضعیت، در مجموع، شامل خانواده می‌شود به نفع خانواده است هرچند که خودش در وضعیت سختی قرار می‌گرفت. به همین‌خاطر اگرچه زن در جامعه سنتی ما بعضاً نمی‌توانسته در خانواده خیلی اعمال نظر بکند و این، ظلم به او بوده ولی از این مسأله ابراز ناراحتی نمی‌کرد. طبیعتاً اگر روح جمع‌گرایی در خانواده کم‌رنگ شد و روح فردگرایی محوریت پیدا کرد، چیز زیاد شدن بچه‌ها به غیر از مشکلات، چیز دیگری نخواهد داشت؛ زن فکر می‌کند که فرزندآوری با رفاهش، با استراحتش که شاید بشود اسمش را تنبلی گذاشت، منافات دارد؛ مرد هم همین‌طور است؛ می‌بیند در مسایل اقتصادی فشار شدیدی را باید متحمل گردد و لذا مایل به داشتن فرزند بیش‌تر نیست. بنابراین، به نظر من، عامل مهم در سوق خانواده‌ها به سمت کم‌فرزندی، «فردگرایی» و حفظ منافع فردی است. البته عوامل دیگری چون مشکلات اقتصادی، بالا رفتن سن ازدواج، روحیه تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی، آرمان‌گرایی و... نیز یقیناً در این امر دخیل هستند.



و اما سخن پایانی شما که بی شک شنیدنی است

یک نکته بسیار حائز اهمیت را باید خاطرنشان کنم: زمانی که مقام معظم رهبری سخن از بالا رفتن ضریب رشد جمعیت فرمودند، حوادث و موضع گیری های بسیار اشتباهی به یکباره در جامعه اتفاق افتاد. باید توجه کرد که ما با معضل جدی ای روبه رو هستیم؛ جمعیتی که طی بیست سال کاهش یافته، در طی یک روز و یک هفته نمی تواند جایگزین بشود، اصولاً کشور ما با توجه به مشکلات اقتصادی و تحریم های پیش رو چنین ظرفیتی ندارد که در کوتاه مدت، جمعیت را افزایش چشم گیر دهد؛ به همین خاطر، این موضع مقام معظم رهبری برای برخی خیلی عجیب به نظر می رسید که علی رغم این معضلات شدید بیکاری و مسایل

اگر خاطره ای مرتبط با موضوع بحثمان دارید بفرمایید؟

خاطرات که زیاد است. به نظر من لحظه لحظه ساعاتی که با فرزندان و همسرم بوده ام خاطرات شیرینی است. اما یک مورد را که با موضوع مصاحبه شما مناسب است می گویم. اولین امتحان ثلث اول آخرین فرزندم، سید محمد بود. بالای برگه، جلوی نام نوشت: سید محمد؛ نام خانوادگی؟ نام خانوادگی یعنی چه؟ حتماً مراد نام افراد خانواده است! لذا کنار نام خانوادگی نوشت: زهرا، فاطمه، طیبه و طاهره. بعد اندکی فکر کرد و معصومانه از آموزگارش پرسید: آقا اجازه پهلوی نام خانوادگی باید نام مادرم را هم بنویسم؟!

اقتصادی و تحریم های همه جانبه، ایشان صراحتاً می فرمایند که در این خصوص، اشتباه کردیم و کاهش رشد جمعیت به این شکل صدمه زننده است. درباره این سخنان باید از افراط و تفریط دوری کرد تا به تفسیر احسن رسید وقتی ایشان می فرمایند ضریب رشد جمعیت کاهش یافته، مراد این نیست که یک دفعه ما این کاهش بیست ساله را در یک سال جبران کنیم. سخن ایشان یک هشدار بود که برنامه ریزی ها به سمت وسویی برود که رشد جمعیت به تدریج و مثلاً در طول بیست سال آینده جبران شود تا در نگاه کلان با معضلات جدیدی روبه رو نگردیم؛ لذا من فکر می کنم باید: اولاً افزایش تعداد فرزندان و رشد جمعیت، متناسب با ظرفیت های بالقوه و بالفعل خانواده ها باشد و ثانیاً روند افزایش رشد جمعیت، تدریجی باشد کما این که کاهش جمعیت هم تدریجی و متأسفانه چشمگیر بود. ●



ما فریب کیفیت را خوریم!

تاکتیک دشمن برای کاهش جمعیت

حجت الاسلام علی ابوترابی

که حاکم اسلامی، کاهش جمعیت را لازم و ضروری تشخیص دهد. هم‌اکنون بسیاری از کارشناسان سیاسی کشورهای غربی از جمله کیسینجر، برژینسکی و... با خوشحالی از کاهش سریع جمعیت ایران سخن می‌گویند و آن را مهم‌ترین عامل زوال نظام جمهوری اسلامی می‌دانند.

رابطه کاهش کیفیت با افزایش جمعیت

برای بررسی مسئله در حوزه اجتماعی باید شرایط فعلی را در نظر گرفت. اکنون نظرات کارشناسان حوزه‌های مختلف بیانگر این نکته است که کشور ما در شرایط بسیار بحرانی از نظر کمیت قرار دارد. شاید بین کمیت و کیفیت در بسیاری از مسایل، رابطه عکس وجود داشته باشد، اما در بحث جمعیت نه‌تنها چنین نیست، بلکه گاهی با یکدیگر رابطه مستقیم هم دارند. امروزه در خانواده‌های خیلی کم‌جمعیت، تربیت انسان سالم بسیار دشوار است، بدون داشتن فرزندان کافی، والدین نیز از ترقی باز می‌مانند، علاوه بر این که تک‌فرزندی حتی سبب ایجاد اختلالات روان‌شناسی می‌شود؛ در این زمینه نیز مقالات و پژوهش‌های بسیاری در غرب و در ایران نوشته شده است.

یک واژه برای همه خویشاوندان!

انسان موجودی اجتماعی است و تجربه نشان داده است در جوامعی که با کاهش جمعیت روبه‌رو می‌شوند، سلامت روانی افراد هم روز به روز افول می‌کند. با این رویه فرزندان در دو دهه آینده در کی از مفاهیمی چون عمه، خاله، عمو و دایی ندارند، چه رسد به این که سایر نیازهای روزانه و معنوی آن‌ها رفع شود، همان‌گونه که در ادبیات غربی برای عمو و دایی و هم‌چنین عمه و خاله از یک واژه استفاده می‌شود.

تشویق به صله‌ارحام نیز به سبب بُعد اجتماعی انسان است که با کاهش جمعیت، نیاز افراد به این بُعد، برآورده نمی‌شود.

حمل‌هایی که سقط شده‌اند، اشاره شده است. این نگاه به مسئله کثرت جمعیت، دیدگاه را از رفاه‌زدگی به سمت دیدگاهی تعالی‌بخش و نوعی از سبک زندگی مبتنی بر آخرت‌نگری سوق می‌دهد.



به آخرت بنگریم

بسیاری از روایات بر مطلوبیت ذاتی افزایش جمعیت در جامعه توحیدی دلالت دارد. دسته‌ای از روایات، تشویق به افزایش فرزندآوری کرده و دسته‌ای نیز از برکات وجود فرزندان در خانه‌ها سخن گفته‌اند. برخی روایات نیز به صراحت بر مسئله مطلوبیت افزایش جمعیت، دلالت دارند به گونه‌ای که افزوده شدن یک نفر بر امت اسلامی را نزد رسول خدا ﷺ محبوب‌تر از آن‌چه خورشید بر آن می‌تابد، دانسته‌اند.

در برخی روایات و آیات

قرآن کریم به شبهاتی که حتی امروز نیز درباره فرزندآوری بیان می‌شود، پاسخ داده شده است از جمله آیه «لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِیةَ أَمَلٍ» و روایتی که مردی طی نامه‌ای به امام موسی کاظم ع علیت فرزنددار نشدن خود را فقر و تربیت می‌داند، امام ع فرزنددار شدن را به او توصیه می‌کنند و او را متوجه تفکر و نگرشی صحیح می‌سازند.

در گروه دیگری از روایات نیز یکی از معیارهای انتخاب همسر برای ازدواج، قابلیت داشتن همسر برای فرزندآوری ذکر شده است که این دسته از روایات هم بر مطلوبیت کثرت فرزند دلالت می‌کند. در روایات بسیاری نیز بر مباحثات پیامبر اکرم ﷺ به جمعیت امت اسلام حتی به

یک مؤمن بیش‌تر

آیا با توجه به نظام‌های امنیتی و سیاسی و عناصر قدرت در نظام‌های سیاسی، چه در عرصه بین‌المللی و چه در عرصه داخلی یک کشور، وجود یک نفر شیعه بیش‌تر، نمی‌تواند در ساختارهای حکومتی و اقتدار و کیان اسلامی تأثیرگذار باشد؟ قطعاً تأثیرگذار است و اصلاً به‌همین دلیل دشمن روی تک‌تک افراد جامعه اسلامی سرمایه‌گذاری کرده است. در مجموع می‌توان گفت افزایش جمعیت در یک جامعه توحیدی رجحان و مطلوبیت دارد، مگر در شرایط استثنایی

فریب دشمن

در واقع، طرح کیفیت به جای کمیت، تاکتیک دشمن برای تشویق به عدم فرزندآوری خانواده‌ها بوده است و مسئله وقتی برای همگان به وضوح مشخص می‌شود که حتی وقتی کشور به نقطه بحرانی در زمینه کاهش جمعیت رسیده و افزایش کیفیت در گرو افزایش جمعیت است، نه تنها تشویق به افزایش جمعیت نمی‌کنند، بلکه به محض تذکرات و تأکیدات رهبری در خصوص لزوم رشد جمعیت، رسانه‌هایی چون بی‌بی‌سی بر مسئله کیفیت تأکید می‌کنند و آن را در گرو کاهش جمعیت می‌دانند و از واژه «کیفیت» استفاده ابزاری می‌کنند.

متأسفانه گاهی مبنای طرح بحث کیفیت، تنبلی است. ایران در سال‌های آغاز جنگ تحمیلی دارای میانگین ۶/۱ فرزند در هر خانواده بود که بحث کیفیت و شعار «فرزند کم‌تر، تربیت بهتر» مطرح شد و در واقع کیفی‌نگری مورد توجه قرار گرفت، اما نه تنها چنین مسئله‌ای عملی نشد، بلکه بعد از چند ماه این شعار به «فرزند کم‌تر، زندگی بهتر» تبدیل شد که در این شعار نیز نوعی کیفی‌نگری همراه با ابهام وجود دارد، اما در فاز بعدی این شعار به «فرزند کم‌تر، رفاه بیشتر» تبدیل شد و این رفاه، رفاهی بود که نه تنها در راه تعالی قرار نداشت، بلکه رفاه‌زدگی مطلق بود.

از کجا به کجا رسیدیم!

متأسفانه همراه با طرح شعار کیفیت، تعداد دقیق فرزند منطبق بر کیفیت مطلوب مشخص نشد و سرمایه‌ها نیز در راستای تربیت به کار گرفته نشدند. در آغاز در ادبیات گفتاری سیاست «تعدیل نسل» قرار بود آمار از ۶/۱ به ۵ نفر در هر خانواده کاهش داده شود، سازمان ملل برای ایران پیشنهاد چهار فرزند برای هر خانواده را داده بود، قوانین مجلس بر سه فرزند پایه‌گذاری شد، تبلیغات وزارت

بهداشت و وزارت آموزش و پرورش بر دو فرزند صورت گرفت و بیل‌بوردهای بزرگ در شهرها و ورودی شهرها نصب شد؛ فلسفه رفاه‌گرایی ترویج شد و بسیاری از مردم را به تک‌فرزندی کشاند و در حال حاضر نیز ما با موجی از جوانان روبه‌رو هستیم که چندین سال است ازدواج کرده‌اند و فرزند نمی‌دارند و طبقه‌ای قابل توجه از مجردان قطعی هم‌اکنون به وجود آمده است.

معیار تربیت بهتر

تصور بسیاری از افراد در معیارهای تربیت در خصوص وظیفه پدر، فرستادن فرزند به مدرسه غیر انتفاعی، دانشگاه ویژه، مدرک خاص و در نتیجه رسیدن به پول بیش‌تر است، در حالی که اصلاً چنین نیست.

در روایات، یکی از نشانه‌های آخرالزمان، مباحات

کردن به یکدیگر به‌خاطر کم‌فرزند داشتن عنوان شده است. وظیفه والدین، نشان دادن راه درست از نادرست و فراهم کردن زمینه‌ها در حد مقدور است، اما نباید فراموش کرد که انسان موجودی مختار است که می‌تواند حتی با فراهم بودن زمینه، در راه حق قدم نهد، حتی اگر پدرش نوح پیامبر باشد و این ربطی به مسئله کیفیت ندارد.

عوامل موثر بر کیفیت، نیز تزامنی با کمیت ندارند. وقتی روایات به عوامل تأثیرگذار در هنگام انعقاد نطفه اشاره می‌کنند و یا به برداشته شدن کام طفل با آب فرات و تربت کربلا سفارش می‌کنند، در جهت تأمین بهداشت روانی فرزند

است و البته از مهم‌ترین عوامل کیفیت در تربیت، سبک زندگی والدین است یعنی اگر ویژگی‌های روانی پدر و مادر، نامطلوب باشد، حتی اگر یک فرزند هم داشته باشند، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و اگر ویژگی‌های روانی پدر و مادر، مطلوب باشد مانند درخت پرباری است که همه میوه‌هایش خوب است؛ البته این به معنای نفی اثرگذاری شرایط مادی در تربیت نیست.

بحران جدی آینده

در حال حاضر حدود ۲۲ میلیون بانوی با قابلیت بارداری، در کشور وجود دارد که از این تعداد، در طول سال ۹۰، تنها ۱/۴۰۰/۰۰۰ فرزند به دنیا آمده است. که با احتساب حدود ۵۰۰ هزار واقعه



مرگ‌ومیر در این

سال، تنها حدود ۹۰ هزار نفر به

جمعیت کشور اضافه شده است که حتی تصور این موضوع نیز نگران‌کننده است که در دهه‌های بعد که این گروه عظیم از ردیف بارداری خارج می‌شوند و گروه جایگزین آن‌ها هم به تبع سیاست کنترل جمعیت، بسیار محدود هستند، چه میزان فرزند در طول سال به دنیا خواهد آمد؟! بی‌شک با ادامه این روند، جمعیت کاهش بسیار چشمگیری خواهد داشت و فشار عظیمی به واسطه اثبوه سالمندان بر کشور وارد خواهد آورد. ●

تهران ۱۵۰۰

علی مهر

و «ایست! دو تا بچه کافی است» در درصدی از خانواده‌ها از بین رفته. برای مثال همین چند روز پیش خانمی در همین بیمارستان بغلی سه‌قلو زائید.

خبرنگار: وای چه جالب!

- بله خیلی جالب است فکرش را بکنید دو دختر و یک پسر. یعنی این بچه‌ها وقتی بزرگ شدند و ازدواج کردند برای مثال بچه‌های این دخترها هم... چیز... چی بود اسمش حاله، هالو، خالو، آهان خاله، آره هم خاله هم دایه!

خبرنگار: دایی

- دایی؟ خب شاید هم خاله هم دایی دارند یا بچه این پسر وقتی ازدواج کرد و بچه‌دار شد بچه‌هاش دو تا خالو

خبرنگار: حاله

- نه، خاله، آره خاله دارند یعنی با سیاست جدید در پیش گرفته شده این مفاهیم در حال احیا و بازآفرینی هستند. ● (در تصویر بعدی: خبرنگار روبه‌رو پیرمردی در یک کتابخانه قدم می‌زند.)

- بله، گزارش بعدی ما هم درباره همین مفاهیم فراموش شده است. مطلع شدیم استاد «تجات بشریان» در حال تهیه فرهنگ لغتی در همین رابطه می‌باشند از ایشان می‌خواهیم در مورد فرهنگشان توضیحاتی بدهند. - بله، فرهنگی که این‌جانب به کمک همکاران در حال تهیه آن هستیم «فرهنگ انسانی یکی بود یکی نبود روزگاری خیلی‌ها بودند» نام دارد. این فرهنگ به توضیح و تفسیر لغات مهجور و شناساندن این اصطلاحات به مردم پرداخته است. کلماتی که روزگاری بسیار مورد استفاده قرار می‌گرفته اما در حال حاضر کمتر کسی از آن‌ها اطلاعی دارد. برای مثال کلمه «خالو» شاید برای شما جالب باشد که به معنی «دایی» بوده و دایی به معنای برادر مادر است. این کلمه بسیار شبیه کلمه «خاله» به معنی خواهر مادر بوده. ما همه این اصطلاحات را در «فرهنگ انسانی یکی بود روزگاری خیلی‌ها بودند» توضیح داده‌ایم. مطلب دیگر این که برای تفهیم بهتر در این فرهنگ‌نامه، اینفوگرافی‌هایی دقیق،

خبرنگار: با سلام به بینندگان خوب شبکه گزارش ۸ یک‌سال از تصویب قانون «حمایت از جلوگیری از انقراض نسل آدم‌ها» می‌گذرد. امروز در سالگرد تصویب این قانون تصمیم گرفتیم گزارشی از نحوه اجرای این قانون تهیه کنیم. برای شروع سری زدیم به اداره «ثبت نفوس و چیزهای دیگر» تا حرف‌های رئیس این سازمان را بشنویم.

- خب سلام می‌کنم خدمت باقیمانده مردم شریف! ما در این یک سال با هماهنگی‌هایی که با وزارت بهداشت، حفظ محیط‌زیست، میراث فرهنگی و باستان‌شناسی داشتیم به نتایج خوبی دست پیدا کردیم. خدمتتان عرض کنم در این یک‌سال با تفاهم‌نامه‌های منعقد شده بین سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌های مذکور و برنامه‌های تشویقی ارایه شده از سوی این مراکز تعداد چندقلوها به نحو چشم‌گیری افزایش یافته و بنابراین خود به خود مسئله بی‌فرزندگی، تک‌فرزندگی



راه تأثیر در آهن سرد ضعیفه!

محمد احمدی

آورده‌اند که پسری بهر پدرش ایمیل بزد که پدر جانم! بعد سلام و تحیات معموله، این اصرار که مر شماست ما را که فرزندآوری کنیم کلامی بس صحیح باشد اما چه کنم که هر آن چه گویم در آهن سرد حضرت ضعیفه (!) موثر نگردد و عرایض حقیر را به قدر اخبار یارانه، ارزش قائل نمی‌شود. علی‌ای حال شما که از اصحاب تجربه‌اید، بگویید که چه حیلتي درسام؟

پدر نیز ایمیل پسر را reply کرده، مرقومه ذیل را برایش مرسوله بکرد: و اما بعد! نظر کن که کار ما به کجا رسیده که جمله اولاد بر پدرانشان اخبار فتح خوارزم ایمیل کنند و ولد ما این اسئله را! به هر روی گوش دار و نیک به پندهایم عمل کن که این چنین مضمون است که عیالت راضی گردد:

۱. به طور مداوم و پیوسته از این گو که فلان کس را چه حظی (بهره‌ای) باشد که بیست ولد دارد و هر کدام را به کاری گمارد و خود پای به پشت پای دراندازد و به قول متجددین (امروزی‌ها) مدیریت کناد! و چون امور به اولاد واگذار هم ایشان را از بطالت به در آورد و هم تواند که با عیال بنشیند و سخن عشق‌ولانه بسراید!

کار خانه، جمله به اولاد خویش واگذار

آن گه نشین و پا پشت پای گذار

۲. گوش دار که هر زمان که کسی را یاد کردی که فرزند بسیار داشتی، از عنفوان جان و از اعماق وجودت آهی بکش تا گوشی دست عیالت بیاید!

۳. بدان که عیال انسان هر چه و هر که باشد، باز هم نیازمند به مشوق است. در این طریق از اعطای مشوق‌ها روی گردان مباش و فی‌المثل این گونه سخن بران: عیال ماه من! هر چند در فرزندان ماقبل! حقیر کانه سیب‌زمینی بودم و کارایی‌ام در اندازه جالباسی ایستاده بود، اما خاطرت جمع که در فرزندان مابعد این! چنین کنم و چنان کنم و قبول نداری، امتحانم کن!

۴. چون عیالت تو را امر به کاری کرد، فی‌الفور بگو که: آه! اگر فرزندی داشتم این کار را بدو می‌گفتی و جور مرا نمی‌کشیدی! البته دانی که پیش‌فرض این نکته اندکی تنبلی است که دانم اگر مثقالی از خون من تو را باشد، از آن زیاد داری!

۵. عیال را گو که تو فرزند آور و خود در گوشه‌ای بنشین و حقیر را به کار گمار که اجازت ندهم دستی بر ابیض و اسود (سیاه و سفید) زنی و از «های بی‌بی» آن طفل تا «ایزی لایفش» جمله را بر گردن خواهم گرفت!

۶. زنت را برگو که جمله یارانه‌های این ولد و اولاد من بعد این (رزقکم الله) تو را باشد (برای تو باشد) و با آن، هر آن کن که خواهی. هر چند که نفقه حضرتتان جمله هم‌چنان بر گرده حقیر باشد.

۷. عیال را خبر ده که ضیق سرا و نبود نقلیه، صرفاً از این باب است که این به قدر دو نفر کافی باشد و الا اگر فی‌المثل چهار فرزند داشتی، هم سرای دیگرگون کردی و هم علی‌الاقل یک پراید راهوار ابتیاع کردی و باقی عمر را متجملانیه گذراندی!

و بدان که این‌ها همه یک سو است و باقی با توست. ببینم چه می‌کنی! تمت. ●

جالب و رنگی با عکس‌هایی از خانواده‌های پرجمعیت در قرن‌های گذشته آمده است و خوانندگان را سر ذوق می‌آورد.

● (در تصویر بعدی خبرنگار زیر یک تابلو در سطح شهر ایستاده است.)

- شهرداری هم به کمک قانون آمده. حتماً شما هم تابلوهای تبلیغاتی این چنینی را در سطح شهر دیده‌اید (تصاویر روی دو تابلو زوم می‌کند که رویش نوشته شده است: غلط کرد هر که گفت ایست دو تا بچه کافی است/ همان‌طور که پدر و مادران فرزندان را از داشتن دایی و امو و خاله و امه محروم کردند شما نوه‌هایتان را محروم نکنید.)

خبرنگار: اما در پایان گزارش ما برای مصاحبه با چند تن از شهروندان خوبمان در این خیابان منتظر شدیم اما خب توی سه ساعتی که اینجا منتظر بودیم غیر از یک پیرمرد و یک پیرزن کسی رد نشد.

● (تصویر یک پیرمرد و پیرزن)

خبرنگار: پدرجان! نظر شما درباره قانون حمایت از جلوگیری از انقراض نسل آدم‌ها، چیه؟

پیرمرد: ای بابا! دیگه از ما گذشته، به قول شاعر «آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا؟»

خبرنگار: مادر نظر شما درباره قانون حمایت از جلوگیری از انقراض نسل آدم‌ها، چیه؟

پیرزن: (صورت خود را با دست می‌پوشاند): وای چه سؤال‌هایی که این خبرنگارها نمی‌پرسند!

خبرنگار: به امید نجات بشر از انقراض، خدا نگهدار ●



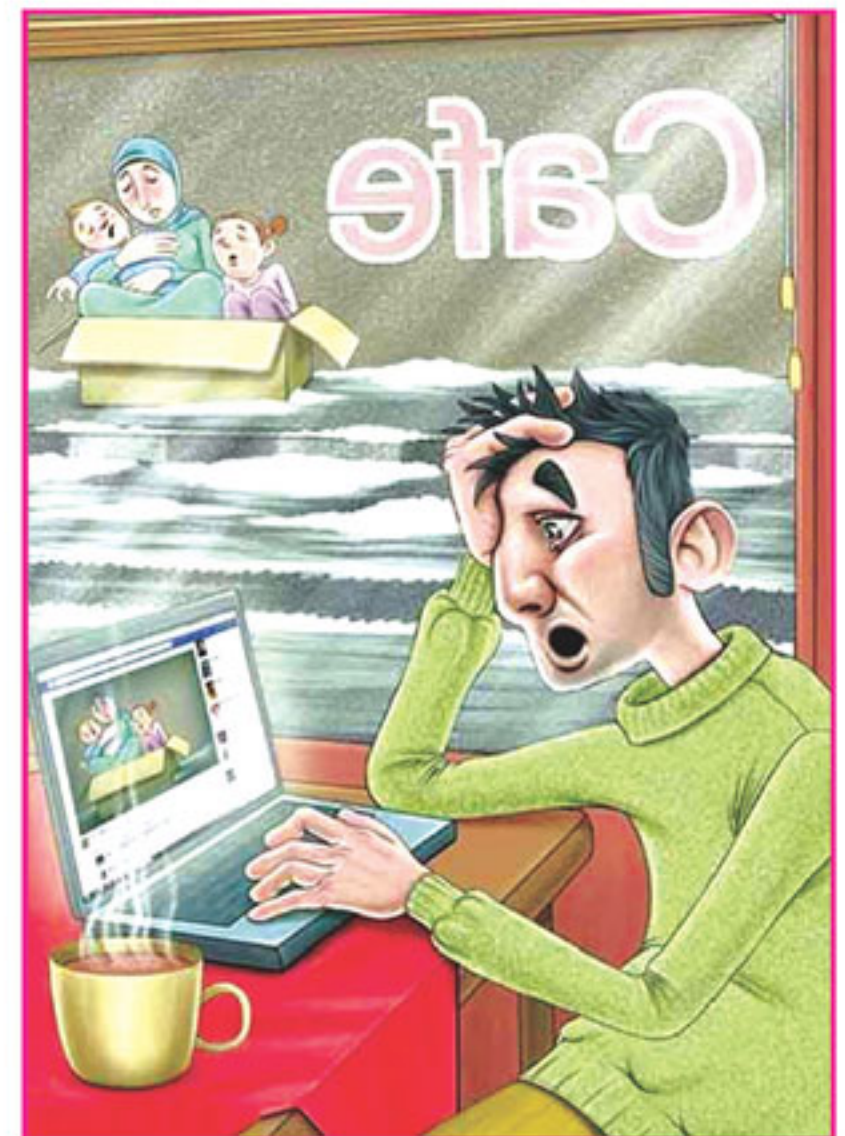
عروسک

محمد مبینی

«عزیزم! امروز روز تولد مریم است لطفاً موقع برگشتن، یک عروسک برایش بخر.» مرد یادداشت را دوباره در جیبش گذاشت... بعد از جشن تولد که مهمان‌ها رفتند، مریم مشغول بازی با عروسک جدیدش شد؛ پدر، طوری که کسی نفهمد و در حالی که لبخند می‌زد، به او گفت «ولی اصلاً دست‌خط مامان‌ت رو خوب تقلید نکردی!».

نفهمیدند

هم مرد پزشک متخصص بود و هم زن، پریسا تنها فرزندشان بود. تمام تلاش آن‌ها برای تامین آینده این دختر، و تهیه وسایل و امکانات برای رفاه او صرف می‌شد. آقا و خانم دکتر از صبح تا شب در چند بیمارستان و مطب کار می‌کردند. با این وجود آن‌ها هیچ‌وقت نفهمیدند که چرا باید سارا با یک پسر هرزه فرار کند؟



نازا

محمد مبینی

دست خودش نبود. حالش داشت به‌هم می‌خورد. شوهرش را می‌دید که حالا کنار یک زن جوان نشسته و... البته شوهرش تقصیری نداشت. خودش اصرار کرده بود که برود یک زن دیگر بگیرد. بالاخره هرچه بود دلش برای مردش می‌سوخت که بچه‌دار نمی‌شد، اما حالا انگار کمی حسادتش گل کرده بود. عاقد داشت صیغه عقد را جاری می‌کرد... یاد سفره عقد خودش افتاد. حالش داشت بدتر می‌شد. ناگهان حق زد، بلند شد و بیرون دوید.

اسطوره

وحید شاکر

داشتم کتاب اسطوره‌ها رو مرور می‌کردم، از رستم و اسفندیار گرفته تا سهراب و آرش کمانگیر و سیاوش، وقتی نگاهم به پدرم افتاد ترجیح دادم کتاب رو ببندم.

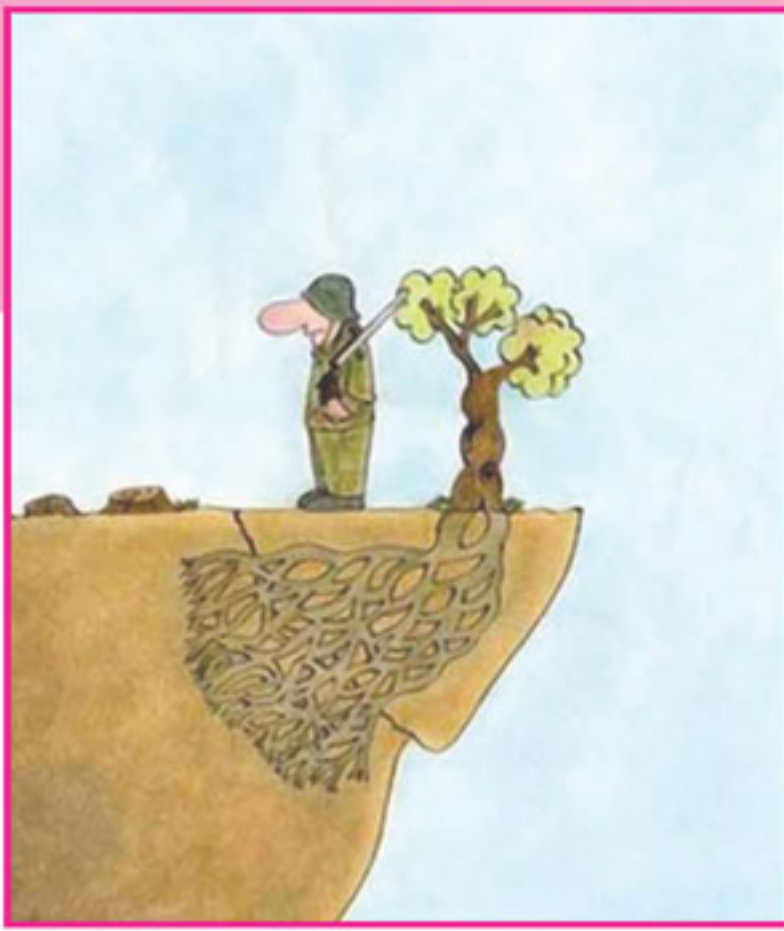
ستاره سهیل

محمدحسن ابوحمزه

وقت بسیار تنگ و راه بسته بود. یکی گفت: قرعه‌کشی کنیم.

هر هفت نفر می‌خواستند به قرعه‌کشی نظارت داشته باشند. هر یک سنگ خودش را به سینه می‌زد. یک برگه مرخصی را که از ته جیب یکی از خودش پیدا شده بود به هشت قسمت تقسیم و پاره کردند. در تاریکی شب نام هر هفت نفر را نوشتند. همه سرک کشیدند تا مطمئن شوند نامشان نوشته شده است. گذشت، ستاره سهیل شده بود. فرمانده از میان کلاه آهنی یکی از کاغذها را برداشت. دستش لرزید و آن را باز کرد. ۱۴ چشم حریصانه انگشتان فرمانده را می‌نگریست. همه خود را محق می‌دانستند. قرعه به نام کوچک‌ترینشان افتاد. همه با اندوه و حسرت به او نگاه کردند و بعد از فرمانده او را در آغوش گرفتند. خفه و بی‌صدا گریه کردند و با او خداحافظی کردند. برنده خوشحال به طرف میدان مین دوید مثل پرنده‌ای که از قفس می‌پرید. فرمانده، کاغذ قرعه را به‌عنوان آخرین یادگاری از پسرش در مشت گرفته بود.





هزینه‌برداری، اول چشم‌پوشی و بعد صرفه‌جویی، اولویت اول بود. با همه این احوال، مرد ضرر سنگینی کرد؛ زن این اخلاق را تاب نیاورد و کارشان به طلاق کشید. حالا او باید تا سال‌ها قسط مهریه سنگین همسرش را بپردازد. مرد، حساب این‌جا را نداشت.

جانباز

محمد مبینی

«بابایی! کارنامه‌ام رو امضا می‌کنی؟ خودکارتم شستم آوردم!» پدر دهانش را باز کرد و دخترک خودکار را در دهان پدر گذاشت...

تذکر کتبی

محمد مبینی

پرسید «بابا! اگه دوستم یه کار بدی بکنه، من چی کار باید بکنم؟» پدر جواب داد «باید بهش بگی این کار خوبی نیست. این کارو نکن!» پرسید «اگه روم نشه بهش بگم چی؟» جواب داد «خب روی یه تیکه کاغذ بنویس بذار توی جیبش» صبح که مرد برای رفتن به اداره آماده می‌شد، در جیب کتش کاغذی پیدا کرد که «بابا سلام! سیگار کشیدن کار خوبی نیست. لطفاً این کار رو نکن!»

یتیم

به دختر کوچکش گفت: معصومه‌جان! عمه اینا که اومدن این‌جا، جلوی زهرا نیای دست دور گردنم بندازی یا بشینی روی پاهام! خب؟ بابایی هم صدام نزن. ●



هدیه دردناک

کیف مدرسه را با عجله به گوشه‌ای پرتاب کرد و بی‌درنگ به سمت قلک کوچکی که روی طاقچه بود، رفت. قلک را به زمین زد، پول‌های خرد را از میان تکه‌های شکسته جمع کرد، در جیبش ریخت و با سرعت از خانه خارج شد. وقتی وارد مغازه شد، با ذوق گفت «ببخشید آقا! یک کمر بند می‌خواستم. آخر، آخر فردا تولد پدرم است.» مرد لبخندی زد و گفت «به‌به، مبارکه! حالا چه جوری باشه؟ چرم یا معمولی، مشکی یا قهوه‌ای...» پسرک چند لحظه به فکر فرو رفت و بعد گفت «فرقی نداره؛ فقط... فقط دردش کم باشه...»



مامان

روزهای خاله‌بازی، تو بابا بودی، او مامان، و من خاله هیچ‌وقت نفهمیدی که چه قدر دلم می‌خواست من مامان باشم.

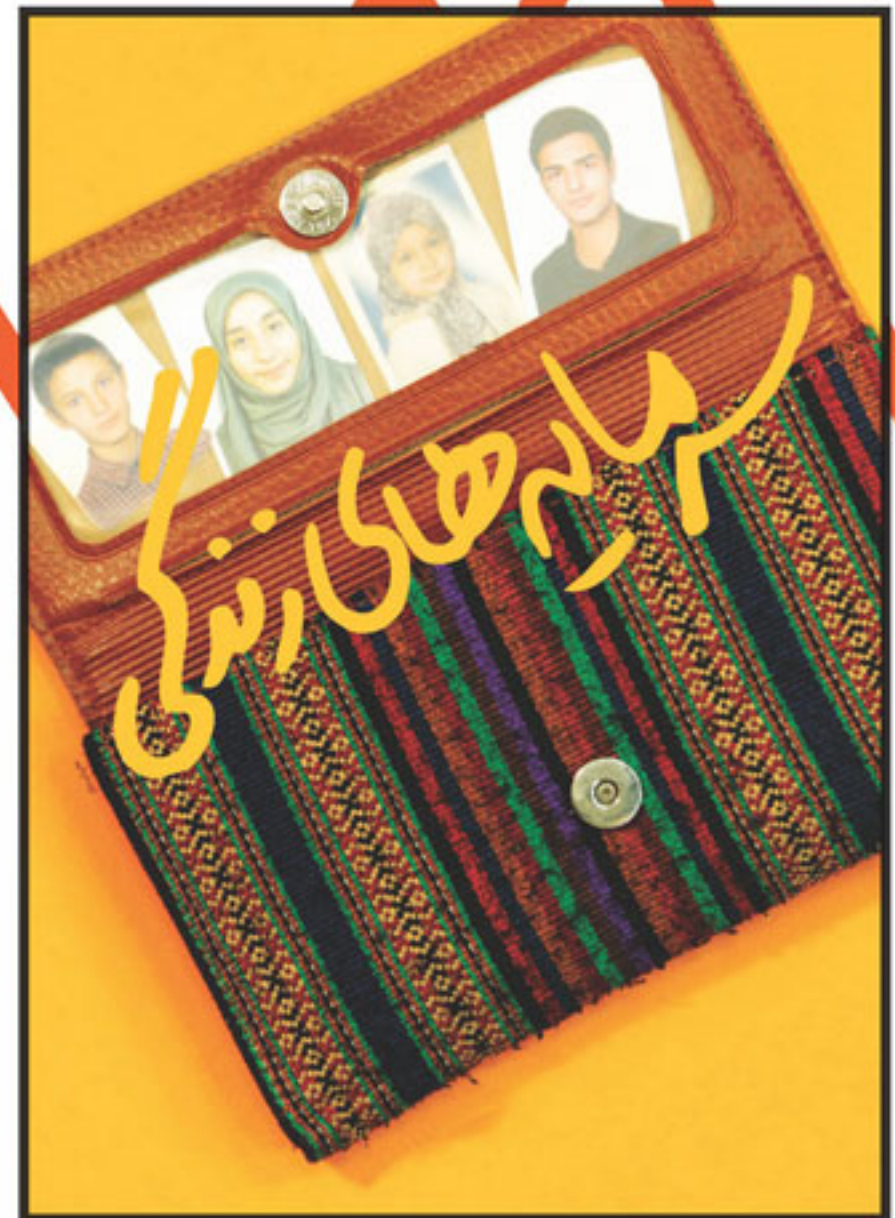
خریدار

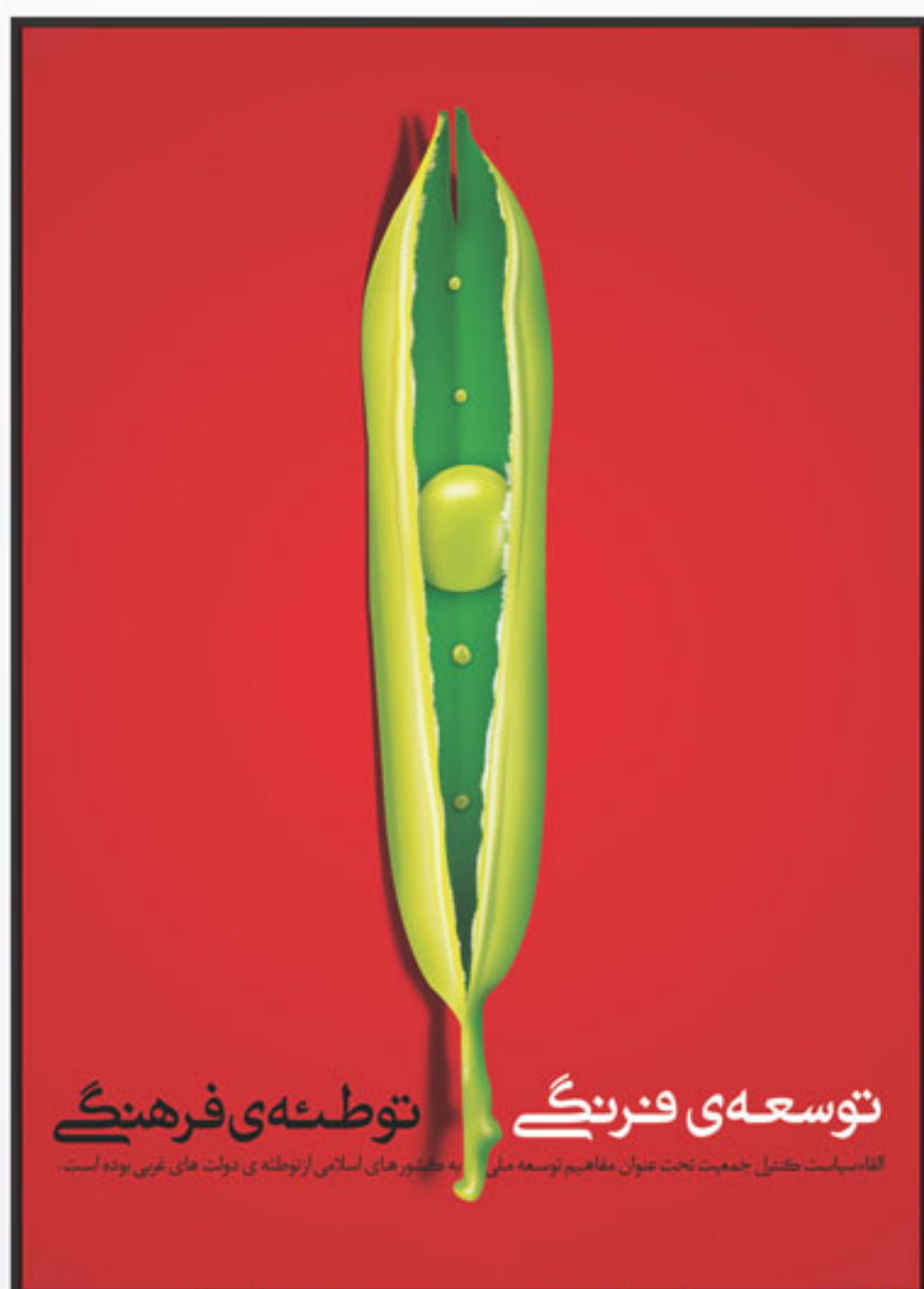
گربه به صاحب مغازه گفت: آن یکی بزرگه چه‌طور است؟ مغازه‌دار جواب داد: او برای شما مناسب نیست بیش‌تر به سگ‌ها علاقه دارد. گربه پرسید: آن کناریش چه‌طور؟ مغازه‌دار گفت: این یکی خوب است اما زن و سه بچه شیطان دارد. گربه گفت: اوه! من از بچه‌های وحشی و بی‌ادب این‌ها بی‌زارم، آن آخری چه‌طور است؟ مغازه‌دار جواب داد: این یکی کاملاً برای شما مناسب است. ۳۵ ساله است و بعد از یک شکست عشقی ده سال است که تنها زندگی می‌کند. گربه گفت: خوب است، این جور آدم‌ها با گربه‌ها خوب کنار می‌آیند. همین را برمی‌دارم.

خسیس

عبدالله نیازی

مرد، حساب همه چیز را می‌کرد؛ باید ریز و درشت خرج‌ها یادداشت می‌شد. هر خرید، فاکتور لازم داشت. برای هر کار







جان شما و جان جمعیت

نکته‌های جمعیتی که ارزش خواندن دارد
به انتخاب محمدعلی مهملوی

■ در فهرستی که «گروه بین‌المللی اقدام در مورد جمعیت» در سال ۱۳۷۱ منتشر کرد، جمهوری اسلامی ایران در شمار کشورهای موفق در کنترل جمعیت و روسیه در شمار کشورهای ناموفق ذکر شده بود؛ جالب است بدانید که آمریکا در رأس کشورهای ناموفق این فهرست بود!

■ ایران در میان ده کشوری که سریع‌ترین حرکت را به‌سوی پیری دارند، در جایگاه ششم قرار گرفته است.

■ تا پیش از قرن هفدهم میلادی رشد جمعیت جهان بسیار کند بوده است.

■ بعد از اواسط قرن هفدهم میلادی رشد جمعیت جهان به‌علت مهار شدن نسبی بیماری‌های همه‌گیر شتاب بیشتری گرفت.

■ جمعیت جهان در قرن بیستم میلادی، چهار برابر شده است، با این حال کیفیت زندگی افزایش یافته است.

■ اگر متوسط باروری هر خانواده در یک کشور برابر با ۲/۱ فرزند و یا کمتر از آن باشد، آن کشور در مسیر انقراض تدریجی است.

■ متأسفانه متوسط باروری هر خانواده در ایران در سال ۱۳۹۱ در حدود ۱/۷ فرزند بوده و روند کاهش آن هنوز هم ادامه دارد.

یک دغدغه و چند نگرانی

مدرنیته در حال نشان دادن چهره واقعی خویش به جامعه بشری است و آهسته آهسته جوامع انسانی را به مردابی فرو می‌کشد که بیرون رفتن از آن آسان نیست. بسیاری از تأثیرات به‌جای مانده از گفتمان مدرن، مانند تحولات جمعیتی را نمی‌توان در کوتاه مدت و بدون تحول در نظام معنایی اصلاح کرد.

تحولات جمعیتی ایران هم‌سو با تحولات جهانی، اما با آهنگی شتابنده‌تر رخ داده است. اگر این تحولات با تغییرات دیگری که دامن‌گیر خانواده ایرانی شده، در کنار هم دیده شوند، بر نگرانی‌ها می‌افزایند. «میانگین سنی جمعیت» که در سال ۱۳۶۵ برابر ۲۱/۷ سال بود، در سال ۱۳۹۰ به ۲۹/۸۶ سال رسیده است که به‌روشنی، آهنگ پیری جمعیت را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۹۰، بعد از خانوار شهری برابر ۳/۵ نفر و بعد از خانوار روستایی برابر ۳/۷ نفر شده که نشانگر آن است که تعداد فرزندان به کمتر از «حد جایگزینی» رسیده است.

در کنار این آمارها، افزایش آمار طلاق و افزایش آمار خانواده‌های «زن سرپرست» به دو میلیون و پانصد هزار خانوار - که ۴۰ درصد آنان از خانواده کم‌تعداد هستند - نشانگر تحولاتی غم‌انگیز در خانواده و بیانگر مشکلاتی است که نظام مدیریتی کشور در برابر این گروه دارد. افزایش خانوارهای یک نفره از ۵/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۷/۱ درصد در سال ۱۳۹۰ نشان از تحولات شتابان اجتماعی و فرهنگی دارد که نمی‌توان نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت بود یا آن‌ها را پدیده‌هایی جدا از هم دانست.

شناخت درست و تحلیل جامع این پدیده‌ها، پیش‌شرط بنیادین برای دستیابی به سیاست‌ها و راهبردهای درست جمعیتی است. نگرانی جامعه علمی کشور آن است که نهادهای سیاست‌گذار و قانون‌گذار و برنامه‌ریز، برای پاسخ به درخواست رهبر معظم انقلاب، پیش از دستیابی به شناخت و تحلیلی جامع، به تصمیمات شتاب‌زده و کم‌پایه دست زنند و کشور را دچار هزینه‌هایی کنند.

نگرانی دیگر آن است که انگیزه تدوین اسناد راهبردی برای افزایش جمعیت، نظام را از آماده شدن برای روبه‌رویی با جامعه‌ای با رشد منفی جمعیت و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی آن باز دارد. باید به فهرست نگرانی‌ها، پیگیری سیاست‌های جمعیتی با وارد کردن ضربه‌های روانی به مردم یا در پیش گرفتن رویکردهای دولت‌سالارانه را نیز افزود.

آنچه باید بر آن پافشاری کرد، ضرورت دخالت و مشارکت همگانی مردم در این روند است. مسئله جمعیت، مسئله جامعه‌ای بزرگ است که همه افراد باید نسبت به آن حساس باشند و به این باور برسند که افزایش جمعیت، کامرانی امروز و شادکامی فردای آنان را به همراه دارد و صد البته، بخش مهمی از این باور می‌تواند از آمادگی نظام مدیریتی کشور برای روبه‌رو شدن با فزونی جمعیت، سرچشمه گیرد. ●

■ متوسط باروری در برخی از کشورهای پیشرفته هم از ۲/۱ فرزند کمتر است ولی در این کشورها سیاست‌های تشویقی افزایش جمعیت دنبال می‌شود و کسی هم این سیاست‌ها را منفی ارزیابی نمی‌کند!

■ اولین سرشماری در ایران در سال ۱۳۳۵ انجام شد. طبق نتایج این سرشماری، ایران در آن موقع جمعیتی در حدود ۱۹ میلیون نفر داشت و یکی از کشورهایی بود که بیش‌ترین میزان زاد و ولد را به خود اختصاص داده بود. میزان رشد جمعیت ایران در آن سال‌ها بیش از ۳ درصد بود.

■ جمعیت ایران در سال ۱۳۵۵ در حدود ۳۴ میلیون نفر، در سال ۱۳۶۵ در حدود ۴۹ میلیون نفر، در سال ۱۳۷۵ در حدود ۶۰ میلیون نفر، در سال ۱۳۸۵ در حدود ۷۰ میلیون نفر و در سال ۱۳۹۰ در حدود ۷۵

میلیون نفر بوده است.

■ متوسط سن جمعیت ایران در سال ۱۳۵۵ در حدود ۲۲ سال، در سال ۱۳۶۵ در حدود ۲۱ سال، در سال ۱۳۷۵ در حدود ۲۴ سال، در سال ۱۳۸۵ در حدود ۲۸ سال و در سال ۱۳۹۰ در حدود ۳۰ سال بوده است.

■ کشورهای نروژ و سوئد به والدین، ۱۵ ماه مرخصی اعطا می‌کنند تا والدین بتوانند تا رسیدن فرزندانشان به سن ۸ سالگی از آن به‌طور متناوب استفاده کنند.

■ طبق آمار منتشره از متوسط باروری کشورهای مختلف دنیا، متوسط باروری ایران از رژیم صهیونیستی، انگلستان و ایالات متحده آمریکا هم کمتر است!

■ در نروژ، از سال ۱۹۵۶ بیمه ملی موظف است تا حقوق مربوط به مرخصی‌هایی را که در ارتباط با نگهداری از فرزندان گرفته

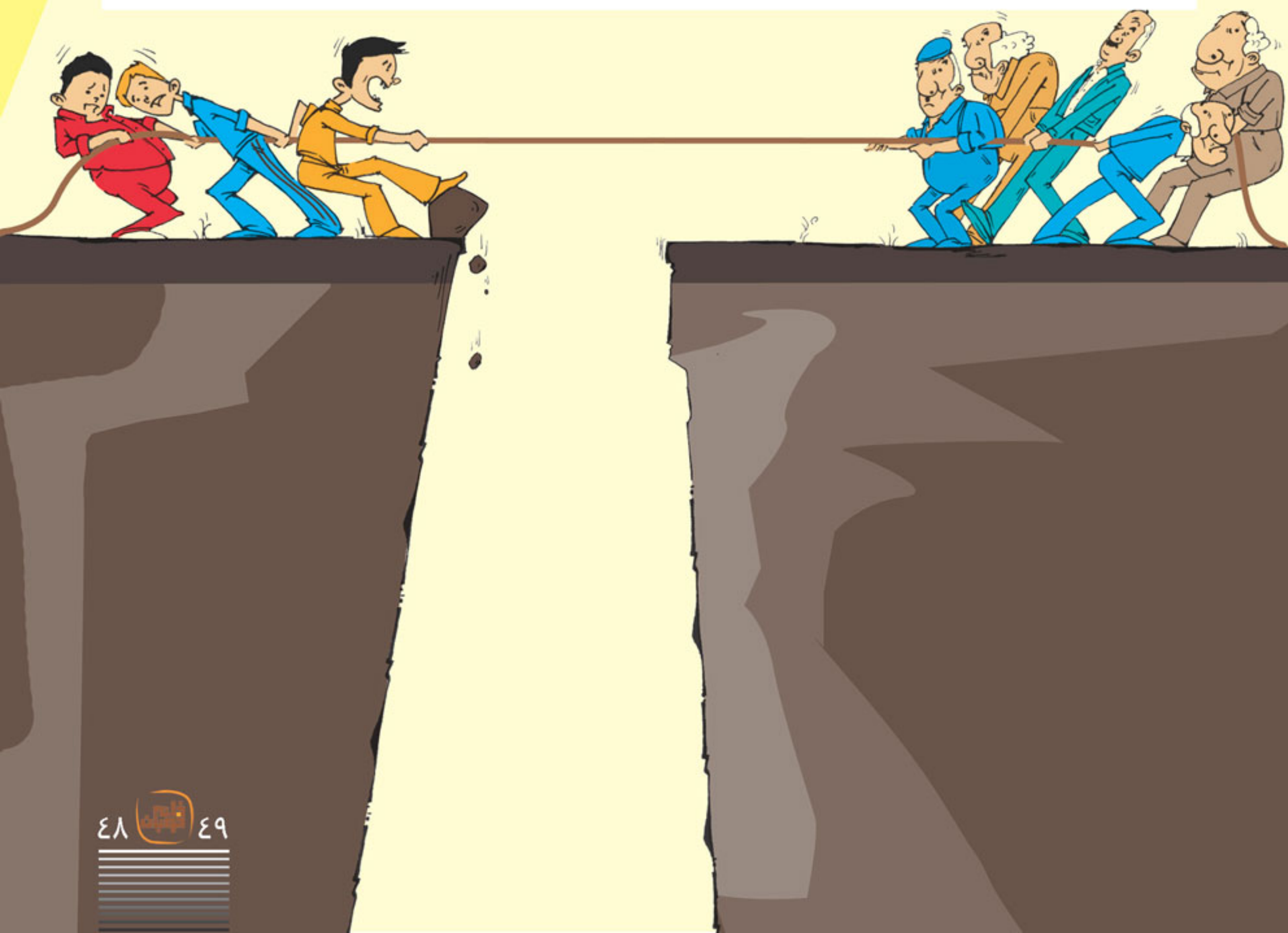
می‌شود، به والدین پرداخت کند.

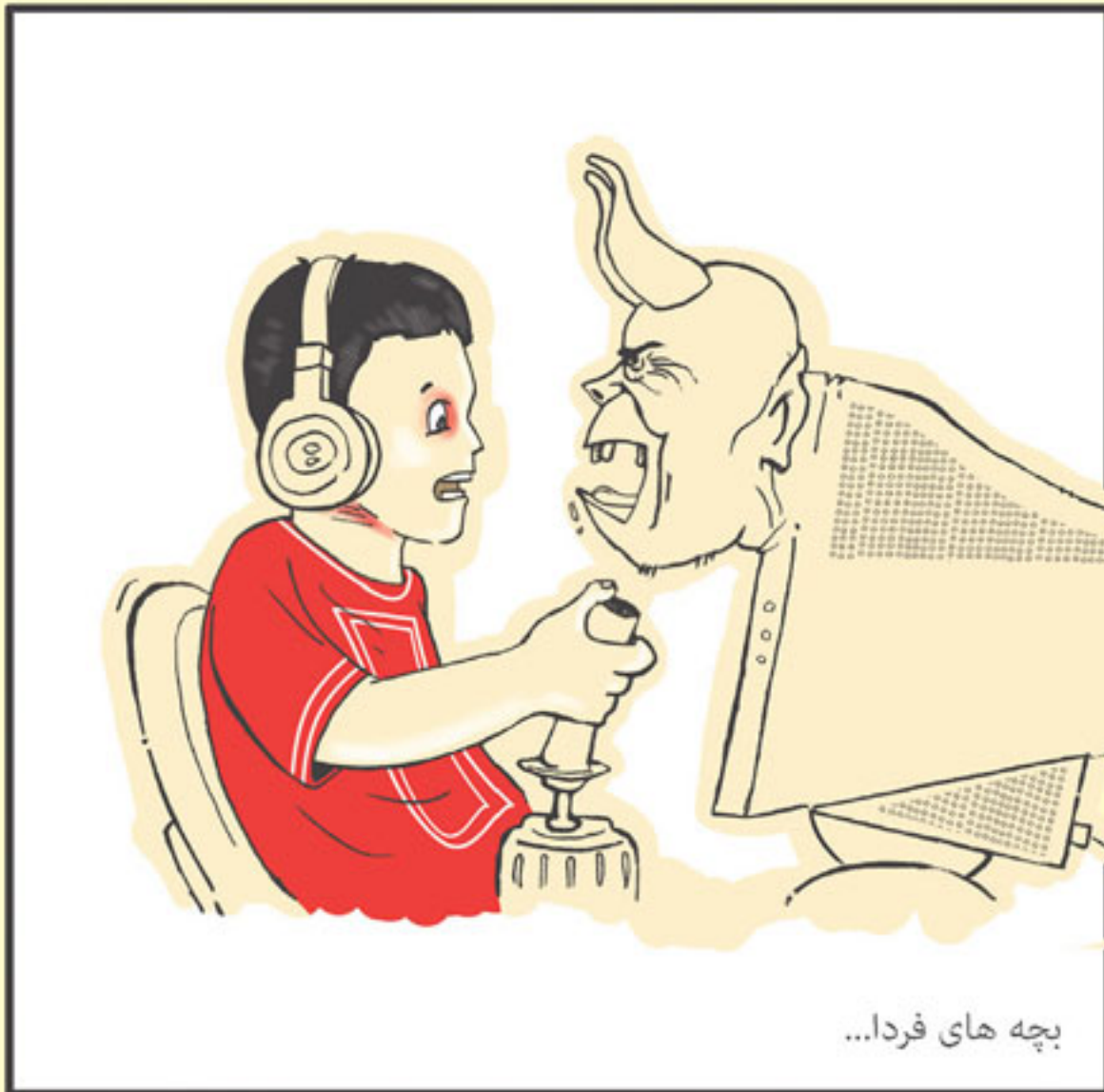
■ پژوهش‌های انجام‌شده در کشورهای اروپایی نشان داده است احتمال فرزندآوری برای بار دوم از سوی زنانی که همسرشان به هنگام تولد فرزند اول از امکان مرخصی ویژه پدران برای کمک به آن‌ها استفاده کرده‌اند، بیش‌تر است.

■ در سال ۱۳۹۱ استان گیلان کم‌ترین نرخ باروری و استان سیستان و بلوچستان بیش‌ترین نرخ باروری را در کشور به خود اختصاص داده است.

■ بر طبق پیش‌بینی‌ها متوسط سن جمعیت ایران در سال ۱۴۰۰ به حدود ۳۱ سال و در سال ۱۴۳۰ به بیش از ۴۰ سال خواهد رسید.

■ زمانی که جمعیت ایران ۲۷ میلیون نفر بود نیاز مبرمی به واردات مواد غذایی حتی





داشت و توفیق‌های کنونی، با این شتاب ادامه نخواهد یافت و شاهد رشد نزولی در عرصه تولید علم و فناوری نیز خواهیم بود.

■ نیروی جوان و جمعیت فراوان، نقش انکارناپذیری در تقویت توان نظامی و مصونیت در برابر تهاجم بیگانگان دارد. نگاهی به تجربه دفاع مقدس، نمونه خوبی برای درک اهمیت کثرت جمعیت و جوان بودن نیروهای دفاعی است. در آن دوران برخی خانواده‌ها، چند فرزند خود را به جبهه فرستادند؛ اما از جامعه مبتلا به تک‌فرزندی چه توقعی می‌توان داشت؟

■ از معایب تک‌فرزندی می‌توان به وابستگی شدید والدین به تک‌فرزند یا بالعکس، حساسیت افراطی والدین به رفتار و گفتار تک‌فرزند، تجربه نکردن برخی احساسات به واسطه نداشتن برخی

از این تعداد در طول سال ۱۳۹۱، تنها در حدود ۱,۴۰۰,۰۰۰ فرزند به دنیا آورده شده است.

■ مطابق با گزارش‌های نیکولاس ابرشتات، از محققان انستیتو انترپرایز آمریکا، کاهش باروری در ایران، یکی از سریع‌ترین و چشمگیرترین آمارهای کاهش باروری در تاریخ بشر بوده است. حتی، نرخ باروری شهر تهران نسبت به تمامی ایالات آمریکا پایین‌تر است.

■ اقتدار علمی، عاملی مهم در قدرت چانه‌زنی ایران در سطح بین‌الملل است، طبیعی است که در آینده برای تداوم پیشرفت‌های کنونی و نیز حفظ دستاوردهای موجود به نیروهای علمی بیشتری نیازمندیم. پس باید بدانیم با کاهش نرخ رشد جمعیت، در آینده‌ای نه چندان دور، دانشمندان کمتری خواهیم

گندم وجود داشت اما امروز با جمعیت بالغ بر ۷۵ میلیون نفر ما جزو کشورهای صادرکننده برخی از محصولات و مواد غذایی هستیم.

■ پرجمعیت‌ترین کشور جهان یعنی چین با حدود یک و نیم میلیارد جمعیت، بالاترین نرخ رشد اقتصادی را هم در جهان داشته است.

■ بر اساس گزارشی که اخیراً سازمان جاسوسی ایالت متحده آمریکا (سازمان سیا C.I.A) منتشر کرده است تعداد فرزندان در یک خانواده ایرانی، کمتر از تعداد فرزندان در یک خانواده اسرائیلی و حتی کمتر از خانواده‌های انگلیسی، آمریکایی و فرانسوی است.

■ در حال حاضر حدود ۲۲ میلیون زن با قابلیت بارداری در کشور وجود دارند که

دایه‌های مهربان‌تر از مادر!

نگاهی به مساعدت‌های نهادهای بین‌المللی به ایران برای کنترل جمعیت

درباره کمک‌های مالی اعم از کمک‌های بلاعوض و انواع و اقسام وام‌های ارائه شده با هدف کنترل جمعیت به کشور ما اطلاعات مدون و مشخصی در دسترس نیست اما شواهد موجود حکایت از این دارد که مقصد بیش‌ترین کمک‌های بین‌المللی در این زمینه کشورهای ایران و هندوستان بوده‌اند. آری سالیان سال است که سازمان‌های بین‌المللی در قالب انجام فعالیت‌های خود به‌صورت دایه‌های مهربان‌تر از مادر با اعطای کمک‌های مالی و وام‌هایی چند میلیون دلاری به کشورهای جهان سوم آن‌ها را در اجرای سیاست‌های کاهش جمعیت یاری می‌رسانند. به‌راستی انگیزه‌های پنهان این کشورها و این حاتم‌بخشی‌ها چیست؟ ما به برخی از این کمک‌ها (!) اشاره می‌کنیم:

۱. ۱۵۰ میلیون دلار مساعدت یونسکو و سازمان ملل در امر کنترل جمعیت در روستاهای ایران در سال ۱۳۶۸
۲. اعطای ۴ میلیون دلار کمک برای کنترل جمعیت در سال ۱۳۷۱
۳. مصوبه کمک ۱۰ میلیون دلاری صندوق جمعیت ملل متحد برای ایران در ژنو
- گفتنی است در چارچوب این طرح وسایل پیشگیری از بارداری در اختیار وزارت بهداشت ایران قرار گرفته است.
۴. افزایش ۱۰۰ درصدی بودجه کنترل جمعیت و تنظیم خانواده وزارت بهداشت در سال ۱۳۷۱ با توجه به مساعدت‌های بین‌المللی صورت گرفته است.
۵. وام ۱۵۰ میلیون دلاری صندوق جمعیت ملل متحد برای تنظیم خانواده در ایران در سال ۱۳۷۲ و انتخاب ایران به عنوان مرکزی برای آموزش کنترل جمعیت کشورهای آسیای میانه
۶. قرار گرفتن کمک ۱/۸ میلیون دلاری به ایران در محورهای برنامه پنج ساله یونیسف در سال ۱۳۷۲
۷. سرمایه‌گذاری ۴ میلیون دلاری صندوق جمعیت سازمان ملل متحد برای انجام پروژه‌های آموزشی و تحقیقاتی کنترل جمعیت در ایران در سال ۱۳۷۱. ●



اقوام نظیر عمو و عمه، ارتباط کمتر با هم‌سالان، به‌خطر افتادن استقلال تک‌فرزند و در یک کلام، خطرات روحی و شخصیتی عدیده اشاره کرد.

■ تمامی کشورهای توسعه‌یافته در هنگامه صنعتی‌شدن دارای نرخ باروری بالایی بودند و اصولاً هیچ کشوری با جمعیت سالخورده و رو به زوال امکان پیشرفت ندارد.

■ پروژه‌های مطالعاتی مربوط به امنیت ملی ایالات متحده آمریکا، روند فزاینده رشد جمعیت جهانی را بر خلاف امنیت ملی این کشور دانسته و اقناع رهبران کشورها را اعمال سیاست‌های کاهش جمعیت و مولید ضروری دانسته است.

■ در سیاست‌های فراملی امنیت ملی ایالات متحده، حداقل خطر افزایش جمعیت کشورهای در حال توسعه، افزایش سطح توقعات عمومی از دولت و به‌دنبال آن، ترغیب آن دولت‌ها برای افزایش قیمت نفت عنوان شده است که به شدت بر اقتصاد کشوری نظیر آمریکا، تأثیر سو دارد.

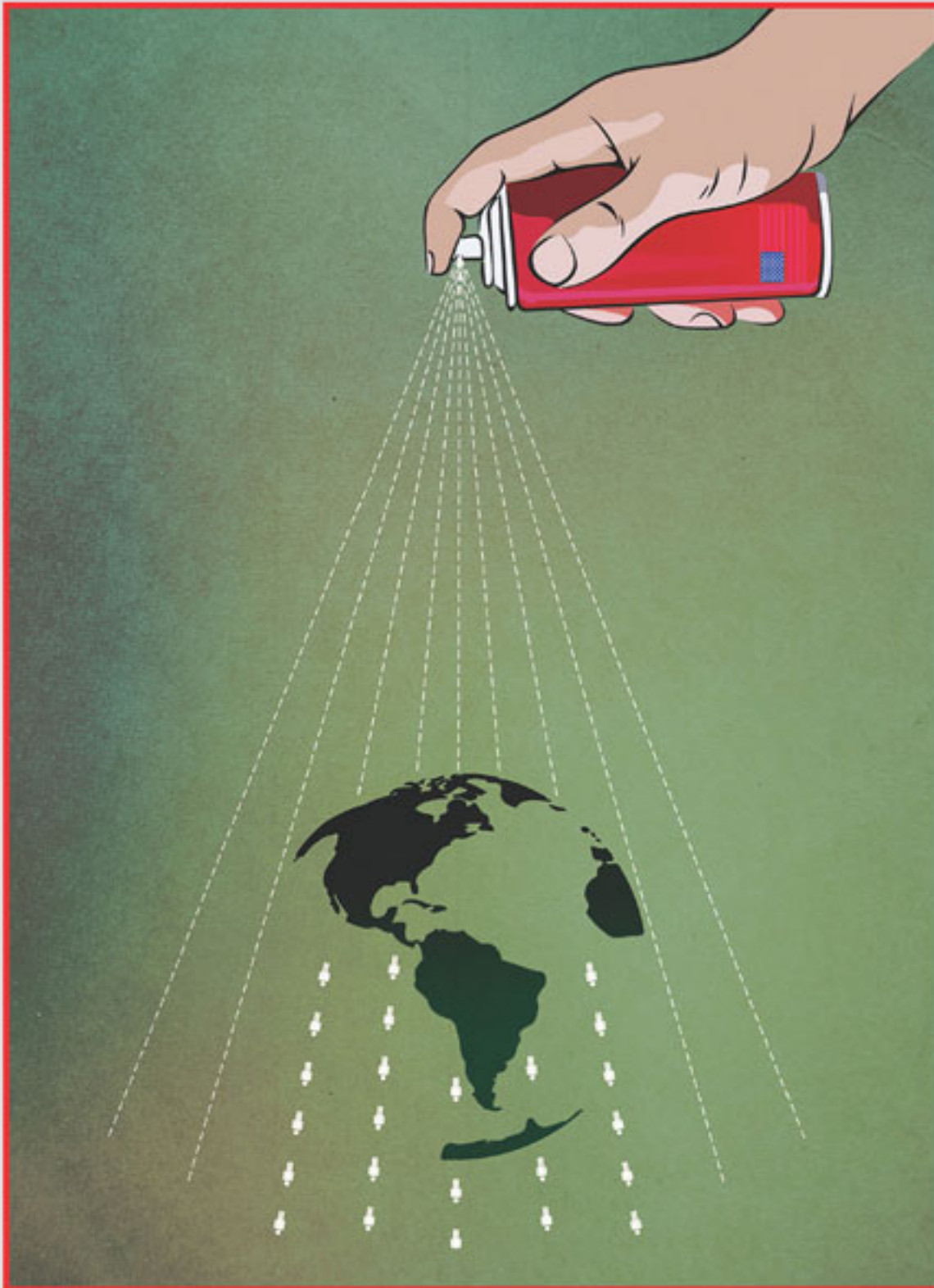
■ بر اساس بررسی‌های سازمان ملل در سال ۲۰۰۳، حدود ۳۳ درصد رشد اقتصادی آسیای جنوب شرقی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ ناشی از سود و موهبت رشد جمعیتی بوده است.

■ حدود ۱۵ درصد رشد اقتصادی چین در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۰ ناشی از تغییرات ساختار سنی جمعیت بوده است. ●



سیاست‌های سیاه کاخ سفید

وقتی آمریکا نمی‌خواهد جمعیت جهان افزایش یابد



■ جالب است که بدانید آژانس رشد و توسعه بین‌المللی آمریکا (U.S.AID) هزینه تمامی طرح‌های کاهش جمعیت را در کشورهای اسلامی به عهده دارد.

■ پایگاه خبری «اینفووارز» منتشر کرد دولت آمریکا برای کنترل موقعیت اقتصادی خود از طریق کنترل جمعیت جهانی و حتی جمعیت ملی خود، دست به اقداماتی عجیب و مجرمانه هم‌چون مسموم نمودن تدریجی افراد، عقیم کردن مردان، بلوغ زودرس در کودکان، افزایش تمایلات هم‌جنس‌گرایانه و... زده است تا مسیر باروری در مردم خود و مردم برخی کشورهای دیگر را مختل کند. باروری در ایالات متحده از طریق سیاست‌های فرهنگی هم‌چون به تعویق انداختن ازدواج، مالیات‌های دلسردکننده برای قشر آماده ازدواج، تشویق زنان به کار و حتی افزودن مواد محلول کنترل‌کننده باروری به منابع آب شهری کاهش داده شده است.

■ سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) توسط برنامه‌ای دقیق و مخفی، بیش از ده هزار زن سرخ‌پوست را با عناوین مختلف قانع کرده است که تنها راه درمان بیماری‌شان، عقیم شدن آن‌هاست و به این وسیله سیاست انقراض نسل سرخ‌پوستان را پیگیری کرده است!

■ سازمان ملل به واسطه وجهه دینی حکومت ایران می‌کوشد سایر کشورهای اسلامی را نیز به متابعت از ایران در زمینه تنظیم خانواده و کنترل جمعیت فرا خواند.

■ معماری آپارتمان‌های بسیار کوچک و یا سوئیت‌های بدون اتاق سیاستی برای مهار رشد جمعیت در جوامع است! ■ انبوهی از اسناد و مدارک نشان می‌دهد دو بنیاد بین‌المللی «راکفلر» و «گیتز» با همکاری «بانک جهانی»، «سازمان بهداشت جهانی» و «صندوق جهانی برای واکسینه کردن کودکان» اقدام به برنامه‌ریزی برای تولید واکسن‌های دوگانه‌ای کرده که منجر به ناباروری و سقط‌جنین زنان می‌شود و این واکسن‌ها را در سطح وسیع در برخی از کشورهای در حال توسعه به کار گرفته‌اند.

به دنبال استفاده پنهانی گسترده از واکسن‌های ضد باروری، BBC برنامه مستندی را با عنوان «آزمایشگاه انسانی» در سال ۱۹۹۵ پخش کرد. در این برنامه کشف واکسن‌های ضد کزاز «آلوده شده» و در نتیجه عقیم‌سازی زنان فیلیپینی فاش گردید. در یکی از قسمت‌های این برنامه مستند چنین

آمده بود «این زنان می‌گفتند چرا باید واکسن‌های ضد کزاز به ما تزریق شود که چنین اثراتی بر ما داشته است؟ چرخه باروری ما مختل شده و زنانی در بین ما هستند که خون‌ریزی و سقط‌جنین داشته‌اند. بعضی از آن‌ها در همان مراحل اولیه بارداری، بچه‌هایشان را از دست داده‌اند.»

■ طبق گفته مردم محلی آخا در تایلند، زنان باردار مجبور به دریافت چند واکسن از جمله کزاز شدند تا کارت‌های شناسایی کودکان‌شان به آن‌ها داده شود. این واکسن اغلب به سقط‌جنین منجر می‌شد.

اگر چه واکسیناسیون با سوزن، شکل مشهود این کار است، اما فن‌آوری‌های جدیدی با حمایت‌های مالی بنیاد «راکفلر» ابداع شده است. به‌نوشته نشریه هندی «مدیکال مایکروبیولوژی»، واکسن‌های خوراکی پذیرش اجتماعی بیشتری از واکسن‌های سوزنی خواهند داشت. به عبارت دیگر، مردم در مقابل خوردن یک موز معمولی در مقایسه با فرو رفتن یک سوزن به بازویشان مقاومت کمتری خواهند کرد. این نشریه خاطرنشان می‌کند که فن‌آوری واکسن‌های خوراکی جدید، می‌تواند اهداف دوگانه‌ای برای کنترل بارداری نیز داشته باشند. ■



اسپانیا برای تولد هر کودک، ۲۵۰۰ یورو به زوج‌ها پرداخت می‌کند.



کره جنوبی برای تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری، ۳۰۰۰ دلار برای تولد هر کودک به زوج‌ها می‌دهد.



آلمان به مهاجرانی که چندین سال در این کشور زندگی کرده‌اند و فرزندانشان تا ۱۷ سالگی در کشور آلمان درس می‌خوانند کمک‌هزینه تحصیلی پرداخت می‌کند. در این کشور اشخاصی که به دلیل فرزندآوری یا فرزندداری، دستمزدی دریافت نکرده‌اند می‌توانند دوسوم دستمزد خود را در هر ماه از دولت آلمان دریافت کنند و اگر یکی از والدین در مرخصی باشد، تا ۱۲ ماه می‌تواند به همین صورت در مرخصی باقی بماند، با این تضمین که بعد از ۱۲ ماه به همان شغل قبلی خود باز می‌گردد و اگر هر دوی والدین در مرخصی باشند تا ۱۴ ماه می‌توانند این گونه در کنار خانواده خود



حضور داشته باشند. براساس قوانین جدید فرانسه، خانواده‌های فرانسوی تا سه سال می‌توانند با تضمین این که به شغل خود بر می‌گردند، در کنار فرزند خود حضور داشته باشند؛ دولت به صورت سالانه از سه سالگی تا سنین تعیین شده درباره کمک‌هزینه‌های مالی فرزندان برای پیش‌دبستانی و همچنین دوران مدرسه و دانشگاه به خانواده‌ها تضمین قانونی می‌دهد. سبد کالا، کاهش اخذ مالیات و استفاده از امکانات دولتی برای فرزندان و خانواده‌ها و حتی کمک‌هزینه استخدام خدمتکار برای خانواده‌هایی که بچه‌دار شده‌اند، از دیگر تدابیر دولت فرانسه در این راستا است.



خانواده‌های ژاپنی می‌توانند برای فرزندانشان تا ۱۵ سالگی، ماهانه تا ۱۳ هزار ین، کمک مالی دریافت کنند؛ همچنین پدر و مادر یک‌به‌یک می‌توانند، در صورت اخذ مرخصی با نصف حقوق خود، تا سقف

تعیین شده، مرخصی داشته باشند و در پایان، بدون هیچ تغییری به کار قبلی خود بازگردند.



پوتین رئیس‌جمهور روسیه، صرف‌نظر از حمایت‌های مالی و مالیاتی، چندی پیش به خانواده‌های پرجمعیت روسی نشان «شهرت والدین» اعطا کرد.



در ایران دولت موظف است وام رفاه دانشجویان متأهل را تا سقف ۲ برابر وام رفاه دانشجویان مجرد، افزایش دهد و برای آنان وام ودیعه مسکن نیز تأمین نماید همچنین دولت مکلف است خدمات و تسهیلات برای تأمین وسایل لازم و ضروری معیشت را در آغاز زندگی معادل حداقل ۵۰ درصد هزینه آن، در اختیار زوجین قرار دهد.

■ دولت مکلف شده است تمهیدات لازم را برای بیمه اجتماعی زنان متأهل خانه‌دار، متناسب با میزان تحصیلات و شأن آن‌ها، میزان درآمد (در صورت اشتغال به کار) و تعداد فرزندان آنان فراهم کند.

■ دولت مکلف است سبد تغذیه رایگان به صورت ماهیانه به صورت کالا برگ شامل: پروتئین، لبنیات، برنج و حبوبات معادل یک تا دو میلیون ریال به مادران باردار و دارای فرزند زیر ۵ سال حداقل برای ۳ دهک جمعیت در آمدی پایین و نیازمندان به تشخیص و با معرفی مراکز بهداشت بر اساس ارزش ریالی سال ۱۳۹۱ (به عنوان سال پایه) اختصاص دهد.

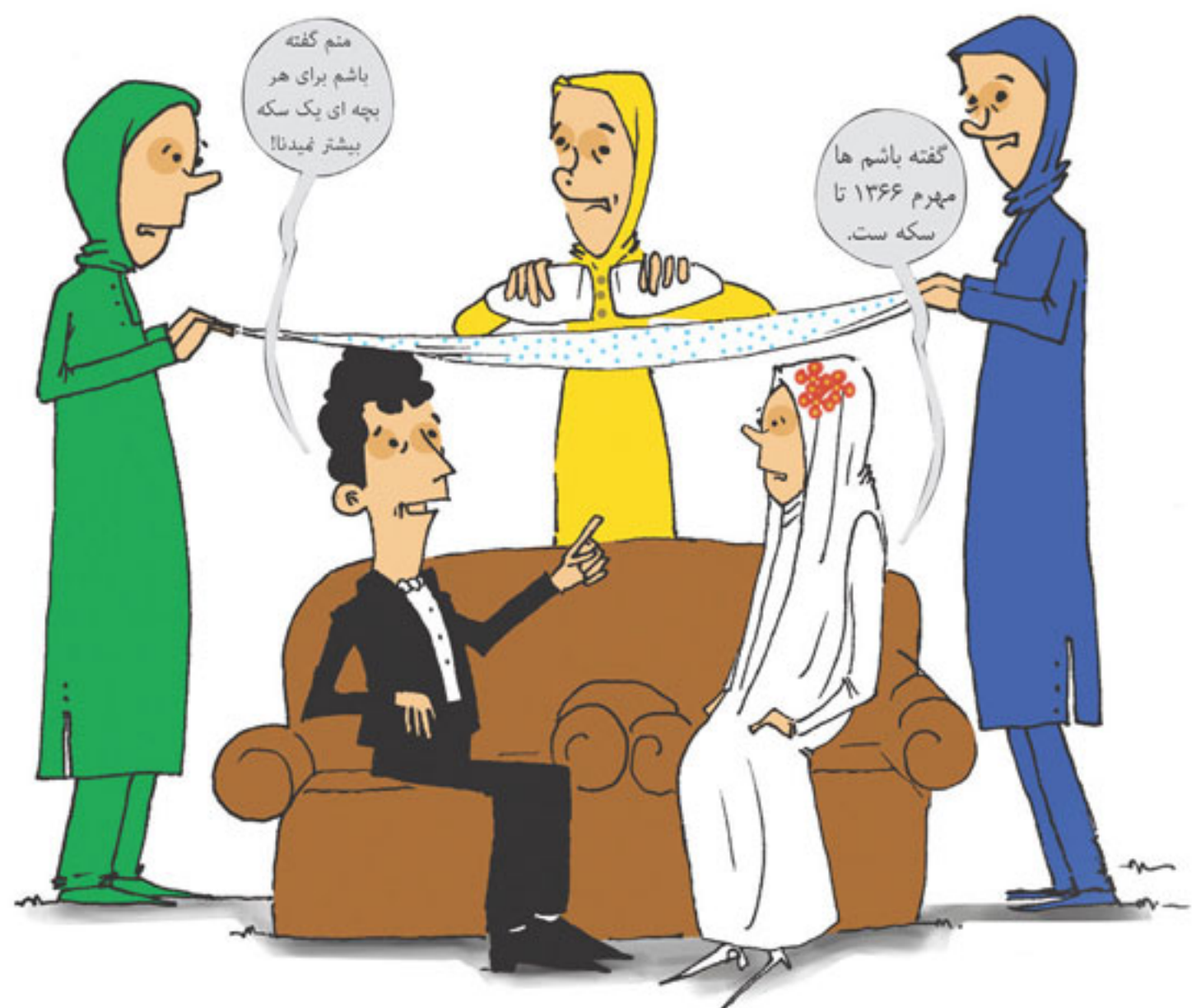
■ وزارت اقتصاد و دارایی موظف است طرح هدیه تولد فرزند به مادر را به صورت سکه بهار آزادی به شرح زیر اجرا نماید:

سن پدر یا مادر زیر ۲۵ سال: فرزند اول نیم‌سکه، فرزند دوم یک سکه، فرزند سوم ۱٫۵ سکه، فرزند چهارم سکه ندارد.

سن پدر یا مادر ۲۵ تا ۲۹: فرزند اول سکه ندارد فرزند دوم نیم‌سکه، فرزند سوم یک سکه، فرزند چهارم ۱٫۵ سکه.

سن پدر یا مادر ۳۰ تا ۳۹: فرزند اول سکه ندارد فرزند دوم سکه ندارد، فرزند سوم نیم‌سکه، فرزند چهارم یک سکه. ●

مطابق دستورالعمل ملی «افزایش جمعیت و ارتقای نرخ باروری» دولت موظف است طرح هدیه سکه برای تولد فرزند را مطابق جدولی خاص، اجرا نماید





شما از این حرف‌ها نزنید

«جمعیت کمتر، زندگی بهتر» را آن قدر محکم و جدی گرفتیم که کمتر کسی مجال تفکر، تحلیل و یا حتی تشکیک در آن را یافت. در عوض تا توانستیم با ابزار تردید و تهدید و تمسخر، فرزندآوری را مانع شدیم تا هنوز آن حرف و شبهه‌ها در ذهن بسیاری بماند.

در این اوضاع آشفته اقتصادی...

شما به ما بگویید که قصه بی‌پولی، بیکاری و آشفته‌گی اقتصادی کی در زندگی ما نبوده، کجای عالم نیست و با چه اطمینانی می‌شود گفت که در آینده نخواهد بود، اما این که چرا هر وقت حرف بچه به میان می‌آید، همه زوم می‌کنند روی غصه معیشت و اوضاع آشفته اقتصادی، دلایل مختلفی دارد. اصلی‌ترین‌اش هم تبلیغات و هجمه‌های دستگاه‌های تبلیغاتی به‌ویژه دولت‌های غربی است برای منحرف کردن اذهان عمومی و پاک کردن صورت مسئله، برای زدودن این غصه باید گفت که مشکلات اقتصادی بیش‌تر شبیه بهانه است. اگر این‌طور است که می‌گویید باید خانواده‌های ثروتمند و مرفه فرزندان

بیش‌تری نسبت به خانواده‌های ضعیف‌تر داشته باشند، که چنین نیست. در تمام کشورهای دنیا تعداد فرزندان خانواده‌های ثروتمندتر نسبت به خانواده‌های با درآمد متوسط و ضعیف، کمتر است.

از طرف دیگر همه می‌دانیم که روزی‌دهنده، پروردگار عالمیان است اما همیشه پای عملمان لنگیده و نسبت به این باور آسمانی، اعتقاد چندانی نداریم. دور شدن از فرهنگ اصیل اسلامی که یکی دیگر از اهداف غرب در ترویج سیاست‌های کنترل جمعیت است سبب شده تا با پناه بردن به دیدگاه‌ها و نظرات غربی از اعتقادات و باورهای مذهبی خود فاصله بگیریم.

با این همه مشغله، تربیتشان را...

این حرف هم از همان حرف‌های مروجان سیاست‌های کنترل جمعیت و تنظیم خانواده است تا افراد با شنیدن واژه قشنگ و مهم «تربیت» بدون فکر به این موضوع و این که مراتب و اولویت‌هایش را بسنجند، اصل مسئله فرزندآوری را فراموش کنند. هنوز چند سالی از وجود خانواده‌های پرجمعیت با بیش از پنج یا شش فرزند در کشورمان

نگذشته است. حتی بسیاری از ما خودمان عضو یکی از این خانواده‌های پرجمعیت هستیم، و همگی در کنار سایر اعضای خانواده از موهبت و محبت پدر و مادر و تربیت خانوادگی برخوردار بوده‌ایم، پس باید همان‌طور که پیشینیان برای تربیت و ارشاد ما کوشیدند ما نیز در این جهت کوشا و پرتلاش باشیم؛ البته همان‌طور که همه تلاش‌های پیشینیان در این زمینه به ثمر نشست از ما هم این توقع نیست که همه تلاش‌هایمان به ثمر بنشیند.

این آدم‌ها اما با طرح این دغدغه به دنبال این نکته‌اند که چون برای تربیت فرزندشان زمان ندارند، راحت از خیرش بگذرند. از این‌ها می‌پرسیم شما برای همین یکی دو بچه چه قدر وقت می‌گذارید؟ جواب بسیاری از این‌ها «هیچ» است. امروزه تقریباً بیش‌تر افراد نقش تربیتی را به برخی نهادها مثل مدرسه و جامعه واگذار کرده‌اند. گروه دیگری از والدین نیز پول و امکانات را عامل اصلی در تربیت فرزندان می‌دانند و خیال می‌کنند فقط با استفاده از آن می‌توان بچه را تربیت کرد. به این گروه از والدین نیز می‌گوییم از آسیب‌های





خوب است بدانید:

- برخی ها فکر می کنند که هر چه تعداد فرزندان کمتر باشد، تربیت آن ها موفق تر و بهتر خواهد بود، اما خوب است بدانید که:
- بر اساس یک پژوهش، فراوانی اختلال های رفتاری سلوک، کمبود توجه، بیش فعالی و سایر اختلال های رفتاری در کودکان تک فرزند در مقایسه با چند فرزند به مراتب بیشتر است.
- در تحقیق دیگری مشخص شده است که تمایلات روان پریشی در فرزندان خانواده های پر فرزند به مراتب کمتر است.
- بر اساس یک پژوهش، تمایلات دروغ گویی دختران دبیرستانی از خانواده های کم جمعیت بیش تر از خانواده های پر جمعیت بوده است.
- برخی هم فکر می کنند بارداری و زایمان سلامت بانوان را تهدید می کند، در حالی که در پژوهشی که در بیمارستان شهید بهشتی اصفهان صورت گرفت مشخص شد میزان شیوع فوبیا، افکار پارانوئید، خصومت، افسردگی، حساسیت بین فردی، وسواس، روان پریشی و اضطراب در زنان نابارور بیش از زنان بارور بوده است. ●

رفاه زندگی که بگذریم، تجربه ثابت کرده است که تربیت و موفقیت به هیچ وجه نیازمند هزینه های سنگین نیست؛ گاهی یک راهنمایی درست، یک محبت خالصانه و یا حتی یک لبخند کافی است. اصلاً شما آمار آدم های موفق اطرافتان را بگیرید، از گذشته و امکاناتشان بپرسید و بعد قضاوت کنید.

دولت در تأمین نیازهای ۷۰ میلیون مانده...

برای پاسخ به این شبهه هم دوباره یقه غربی ها را می گیریم که برای چپاول بیش تر ثروت و ذخایر زمین، مسئله محدودیت منابع را با اغراق و تأکید فراوان توی بوق و کرنا می کنند. بد نیست بدانید کشور چهار فصل ما در حال حاضر دومین دارنده منابع گاز و سومین دارنده منابع نفت جهان است و از نظر منابع زیرزمینی و معادن حدوداً دو درصد کل منابع معدنی دنیا را در اختیار دارد. این در حالی است که ما فقط یک درصد از جمعیت جهان را داریم. حالا شاید بگویید ای بابا! «مهم مدیریت منابع است» که البته حرف حقی است و ما باید تلاش کنیم تا با مدیریت بهتر و افزایش بهره وری راندمان استفاده از ثروت هایمان را بالاتر ببریم. پس این که می گویند دولت توان تأمین نیازهای ۷۰ میلیون آدم را ندارد، بیش تر حالت بهانه جویی دارد. هیچ کشوری در روی کره خاکی نیست که حتی برای یک روز، تمام نیازهای ساکنانش تأمین شده باشد. به هر حال در هر جامعه ای عده ای هستند که متأسفانه دچار محدودیت ها و مشکلات متعدد می شوند اما نکته ای که نباید یادمان برود این است که برای یک جامعه ۷۰ میلیونی در حد ظرفیتش نیروی کار، سرمایه انسانی، دانشمند و پزشک وجود دارد و برای جامعه ۱۵۰ میلیونی هم ظرفیت نیروی کار، سرمایه های انسانی، دانشمند و ... در حد ظرفیت های ۱۵۰ میلیونی اش وجود خواهد داشت.

جمعیت بیاید کیفیت می رود...

ترس، همیشه مانع رشد و پیشرفت بوده، در مسئله جمعیت هم هراس از دست رفتن وضعیت فعلی و کاهش سطح خدمات و رفاه، همیشه دستاویز ترویج کنندگان مسئله کاهش جمعیت قرار گرفته. درباره سطح کیفیت زندگی شاخصی وجود دارد به نام «شاخص توسعه انسانی» که همه ساله سازمان های بین المللی با محاسبه و ارزیابی آن سطح کیفی زندگی در کشورهای مختلف را مقایسه می کنند. این شاخص شامل آموزش، امید به زندگی و درآمد سرانه تبدیل شده به قدرت خرید مردم برحسب دلار است. این آمار در سال ۲۰۱۰ گویای آن است که ایران از نظر شاخص توسعه انسانی در میان ۱۷۳ کشور دنیا در رتبه ۷۲ قرار گرفته که در مقایسه با دو دهه گذشته ارتقای بسیار خوبی داشته است. بر این اساس نمی توان پذیرفت که افزایش جمعیت موجب کاهش سطح کیفی زندگی ایرانیان شده است و اتفاقاً همواره با افزایش جمعیت کشور در طول سه دهه اخیر، شاخص توسعه انسانی که مبین سطح کیفی زندگی در کشور است رو به بهبود رفته است. ●



از دفتر خاطرات مانی و علی...

محمد احمدی فیروزجائی

این سطرها می‌تواند انتخابی از دفتر خاطرات نوه یا نتیجه ما باشد در سال‌های دور. این که کدام یک از این دو، فرزندی از نسل ما باشد، به انتخاب امروز ما برمی‌گردد.

پنج‌سال بعد، دفتر خاطرات مانی شنبه

شروع مدرسه یعنی درآمدن از تنهایی. همین اندازه هم کافی است. یک کلاس پنج نفره هستیم در یک مدرسه ۵۷ نفره. تازه سه روز در هفته هم مدرسه آن لاین هستیم، اما این دو روز هم لااقل از صبح تا ظهر چند نفر هم‌سن و سال‌هایم را می‌بینم. از این تکنولوژی‌ها خسته شدم. دوست دارم گرمای یک انسان را درک کنم. تقریباً خانه هیچ کدامشان نزدیک خانه ما نیست. تو تمام «ادلیستم» یک نفر نیست که بتواند گرمای مهربان نزدیک بودن را به من منتقل کند.

یکشنبه

مامان از چهارشنبه که رفته، هنوز نیامده. برنامه کاری بابا هم تغییری نکرده. غذاها همه با خودم است. دیگر عادت کرده‌ام به این فست‌فودهای اتمی! بابایی که دائم مأموریت شهرستان و خارج هست. اسمش چی بود؟ طراحی ابرسازه‌های پتروشیمی. شاید هم طراحی یک زندگی هوایی! پدرجون که خانه سالمندان هستند. مادرجونم که نمی‌دونم کی بود که فوت کرد؟ شش ماه پیش

یا دو سال پیش؟! کل فامیلم یک عمو داریوش بود که رفت سوئد و یک خاله مهشید که دنبال کارهای طلاق غیابی‌اش است. بیچاره! شوهرش دست آخر ترکش کرد و به قول خاله، با «دختر ریزه» رفت. چه اهمیتی دارد یک خانه بزرگ وقتی که دائم دو نفر از سه نفرمان نیستند. کاش لااقل یک بچه دیگر هم بود.

دوشنبه

امروز مدرسه آن لاین هستیم. تصویرش را می‌اندازم سمت آشپزخانه؛ بالای کابینت. آقای ریاحی که حرف می‌زند انگار کسی تو آشپزخانه است؛ سرگرمی دل خوش کنکی است. این دو ساعت نشستن و خواندن آن لاین مبانی فیزیک نو اخترها مصیبتی شده است. ای کاش، قشنگ صبح‌ها پا می‌شدیم و می‌رفتیم مدرسه. آقای ریاحی البته اجازه می‌دهد کمی راحت باشم. گاهی این کمی، یعنی دو ساعت درد دل کردن. می‌گفت: عموی صاحب‌خانه دوستش دوقلو دار شده! کلا آمار بچه‌ها را دارد. نصیحت اول و آخرش هم این است: مانی زود ازدواج کن و ده تا بچه بیار! بیچاره ۲۵ سال است که منتظر بچه است.

سه‌شنبه

فرید اینا امروز از این آپارتمان رفتند. الان تنها بچه این آپارتمان بیست واحدی من هستم. فرید که رفت ورزش و شنا و بازی هم

دوشنبه

کشف کردم: مسئله لاینحل وجود ندارد. فوقش از بابا می پرسم، نشد از داداش سعید. نشد، آبجی سعیده. نشد، دایی رضا. نشد، فرشته عمه! یک فامیل خرخوان که بیش تر نداریم!

سه شنبه

دیشب همه خانه آقاجون بودیم که یهو گفت می خواهم وصیت کنم و سهم هر کدامتان را بدهم. آن قدر همه ناراحت شدند و حرف تو حرف آوردند که بیچاره پیرمرد فراموش کرد چه کار می خواست بکند.

پدرزن عمو امشب آمده بود برای تشکر؛ از این که خانومش که فوت کرد فامیلمون دور و برشون رو گرفتند و از پخت و پز تا پذیرایی را انجام دادند و نگذاشتند که نگران این چیزها شوند. همین غم مرگ همسر، برایش بس بود.

چهارشنبه

تصویب شد یک شعبه «فامیلی بانک» بسازیم. از این تشکیلات بانک فامیلی-خصوصی! یا شاید صندوق خانوادگی سنتی؛ قرض الحسنه. پول های کم مان را جمع کنیم و بیش تر به هم کمک کنیم. تا حالا از این بیست خانواده شلوغ، ۷۰ تا عضو آمدند. تا ببینیم چه می شود...

پنجشنبه

امروز که تعطیل می رسم به کار مورد علاقه ام؛ کارهای فنی. مامان یک فهرست آماده کرده؛ از «کنترل مجازی کتابخانه» تا «تنظیم ماکروفر خورشیدی».

امروز ظرف شستن هم نوبت من است. مامان، این سیستم های ظرف شویی جدید را اصلاً قبول ندارد. تکیه کلامش هم این است: در این ظرف شستن چیزهایی هست! آبجی لیلا این تقسیم کار را کرد. به خاطر کمردرد مامان. نظافت خانه هم با فاطمه است. مسئول خرید هم امیر، پختن غذا هم با ریحانه. تقریباً عادلانه است. همه برای مامان...

جمعه

فوتبال دیدن این طوری می چسبد. شصتاد نفر تو اتاق پخش و پلا بودیم. تله ویدو را روشن می کنیم و تصویرش را می اندازیم رو قاب عکس های تیره و تار! بعد متکاهای سنتی خانم چون تقسیم می شود. همه هم هستند از یاشار ۳ ساله تا آقاجون. عکس ها که با فوتبالیست ها مچ می شوند بمب خنده منفجر می شود. غیر از آن بهروز یک بوق بزرگ آورده بود و هر وقت بازی کسل کننده می شد، می زد. ما هم دم می گرفتیم: دی دی دی ...ایران! ●

تعطیل می شود. تنهایی که نمی شود کاری کرد. از فکر کردن به این که از این به بعد با فرید هم باید «لایو تله ویدئو» داشته باشیم، حرص می گیرد.

چهارشنبه

حوصله ندارم...

پنجشنبه

داشتم فکر می کردم که زمان پدر بزرگ این ها چقدر جالب بود. می گفت سه تا داداش داشت با دو تا آبجی. می گفت تو یک خانه حیاط دار همه با هم زندگی می کردند... مامان هم با یک بسته غذای کپسولی (باز کن - بنداز!) برگشت. این یعنی شبها شام را با هم می خوریم.

جمعه

بابا نیامده باز رفت مأموریت و مامان هم شیفت بود. من نمی دانم این ها که همدیگر را نمی بینند، پس چرا با هم دائم قهر می کنند؟ همیشه دعوایشان هم سر شام شروع می شود. بابایی یک چیزی می گوید، مامان هم فکر می کند کنایه زده. گاهی هم برعکس. بعد کم کم صداشان می رود بالا. من آرام پا می شوم و ظرفم را می گیرم و می روم اتاقم و آن ها می مانند و تمام سوء تفاهم های خواستگاری و عروسی شان.

امروز را آمدم پلی سیتی. نمی دانم شهر بازی ها را چرا این قدر بزرگ می سازند؟ برای این همه پیرمرد و پیرزن همان فضای سبز و چندتا صندلی کافی است. فقط سه نفر بچه بودیم که سوار Terrible train شدیم. فقط و فقط برای آدرنالینش رفتیم!

پنجاه سال بعد، دفتر خاطرات علی

شنبه

قهر تعطیل! دیشب که بابا و مامان پیچ پیچ می کردند، این دستم آمد. قهر که می کنند ما از خدا خواسته می رویم خانه بابا بزرگ. آن ها می مانند و در و دیواری که «می خوردشان!» و لاجرم آشتی می کنند! البته قبلاً هم قهر چندانی نمی کردند؛ قهری که آدم همسرش را با «جان» صدا بزند که اصلاً قهر نیست.

یکشنبه

آقامجید شوهر خاله فاطمی (علی آقای شماره سه!) پیشنهاد داد برای عید با هم برویم مشهد؛ دسته جمعی. همه پنجاه نفرمان. یک مینی قطار کرایه می کنیم و تمام... اگر همه زود جمع شویم یک ساعته مشهدیم. وای که چه تکنولوژی رو به راهی! کارها هم که قرار است تقسیم شود. بابا گفته اگر سرش شلوغ باشد، ما را با آن ها می فرستد. آخ جون! دلم برای شلوغی اسماعیل طلا تنگ شده. دو ماهی می شود که مشهد نرفته ام.



راز شیرین بقا

چند دلیل خوب برای این که از داشتن فرزندان لذت ببریم

ایمان مهرآبادی

پدر بزرگ یا مادر بزرگ شدن

تجربه رویارویی و لذت بخشی که نمی‌توانید، از آن فرار کنید، ولی برای رسیدن به آن اول باید پدر یا مادر بشوید!

سنجش زمان

«وقت طلاست.» ولی آیا واقعاً شما از این طلا، استفاده لازم را می‌برید؟ گاهی متوجه گذر سریع زمان نمی‌شوید، ولی کودکان که به دنیا می‌آید هر زمان که به او نگاه کنید، و بزرگ‌تر شدن و قد کشیدن او را ببینید، شما را متوجه این موضوع می‌کند که چه قدر زمان سریع می‌گذرد و باید به فکر بقیه عمرتان باشید.

سرمایه‌گذاری برای آینده

زمانی که در اوج جوانی هستیم، هیچ احتیاجی به این که کسی از ما مراقبت کند نداریم، ولی آیا در سنین بالاتر نیز این موضوع صدق می‌کند؟ مسلماً جواب منفی است. به‌طور کاملاً طبیعی با افزایش سن، قدرت جسمانی انسان‌ها کاهش می‌یابد و احتیاج به کسانی دارند که عصای دستشان در زمان پیری بشوند، چه بهتر که این تکیه‌گاه، فرزند و یا نوه‌تان باشد و نه شخصی غریبه.

احساس نزدیکی بیشتر با والدیتان

بسیاری از پدرها و مادرها به این موضوع اعتراف می‌کنند که با تولد اولین فرزندشان نسبت به گذشته رئوف‌تر و بخشنده‌تر شده‌اند. هم‌چنین آن‌ها با والدینشان بسیار سریع‌تر به تفاهم می‌رسند، در حالی که در دوران نوجوانی و جوانی با آن‌ها اختلافات زیادی داشتند. مادران می‌گویند زمانی که

عشق فراگیر و واقعی

زندگی شیرین می‌شود! باور کنید که این جمله نتیجه سال‌ها بررسی محققان است، آن‌ها معتقدند با ورود بچه به زندگی مشترک، به‌طور غریزی، احساس مهربانی و علاقه زوج‌ها به یکدیگر بیش‌تر می‌شود و به هم وابستگی بیش‌تری پیدا می‌کنند. عشقی که پدر و مادرها نسبت به فرزندانشان دارند و لذتی که از این دوست داشتن می‌برند، نمونه آن را در هیچ جای دیگری نمی‌توانید پیدا کنید حتی در افسانه‌ها!

وقت‌شناسی

خیلی راحت می‌توانید به یک انسان وقت‌شناس و خوش‌قول تبدیل شوید! مثلاً خانم خانه وقتی که بداند فرزندش هر سه ساعت، احتیاج به غذا خوردن و یا هر دو ساعت احتیاج به عوض کردن پوشک دارد، یاد می‌گیرد که وقت خود را چه‌طور تنظیم کند که سر آن زمان‌ها وقتش خالی باشد و یا حتی زمان‌هایی را که برای خواباندن نوزاد احتیاج است نیز در برنامه روزانه‌اش جای بدهد و آن موقع، با یک برنامه‌ریزی دقیق، می‌تواند به تمامی کارهایش برسد. وقتی که تجربه وقت‌شناسیتان را به دیگر زوج‌ها منتقل کنید، مطمئن باشید از تجربه‌تان تعجب و به شما حسادت خواهند کرد!

یادآوری دوران کودکی

یکی از نویسندگان بزرگ می‌گوید «ما فقط فکر می‌کنیم که بالغ و بزرگ شده‌ایم، در حالی که ما فقط کودکانی با جثه بزرگ‌تر هستیم.» زمانی که کودکان در کنار شما اولین نقاشی‌هایش را می‌کشد و یا به کمک شما تکالیفش را انجام می‌دهد همه این‌ها باعث می‌شود که شما با کودکی زمان خودتان ارتباط برقرار کنید و به خواسته‌هایی که در آن زمان داشته‌اید، بیاندیشید. شک نکنید که مرور رؤیاهای دوران کودکی‌تان بسیار لذت‌بخش است.

آرام‌بخش‌های زنده

تصور خیلی از ما بر این است که نگهداری از کودکان، کاری بسیار سخت و پر دردسر است و همیشه از آن فراری هستیم. در ظاهر ممکن است این چنین به نظر برسد، اما واقعیت چیز دیگری است. تحقیقات نشان داده است که پدر و مادرهایی که بعد از یک روز کاری سخت و پراسترس به خانه بازگشته‌اند و به نگهداری از کودکان مشغول شده‌اند، خیلی زودتر به آرامش رسیده‌اند تا زوج‌های بدون فرزند.

لذت جادویی جشن‌ها

پختن کیک تولد بچه‌ها، آماده کردن اطاق کودکان برای برگزاری جشن و عیدی دادن به آن‌ها و... از شیرین‌ترین و به یادماندنی‌ترین لحظاتی است که پدر و مادرها می‌توانند آن را تجربه کنند.



روحیه انتقادپذیری

داشتن فرزند به ما کمک می کند که در حقیقت با خودمان بهتر زندگی کنیم. آن ها درست مثل آینه هستند. هر زمانی که خطایی از ما سر می زند، ممکن است این خطا توسط آن ها تکرار شود، پس باید خیلی مواظب رفتارمان باشیم. با چنین واقعیتی که آن ها از ما الگوی رفتاری می گیرند می توانیم با اصلاح رفتار خودمان، هم به خودمان کمک کنیم و هم به آینده آن ها.

لالایی گفتن

خواب برای کودکان لحظه ای شیرین است. برای این که کودکان را بخوابانید می توانید برای او لالایی یا شعرهایی حماسی و کودکانه بخوانید و اگر هم بلد نیستید مهم نیست؛ به جای آن یک داستان کوچک و کودکانه را از یک کتاب برای او بخوانید تا خوابش ببرد. مطمئن باشید زمانی که کودکان بزرگ شد، خاطرات فراوانی از لحظات خوابیدن با صدای گرمتان خواهد داشت و همیشه به داشتن پدر و مادری مثل شما افتخار خواهد کرد.

راز بقا

اگر هنوز نظرتان عوض نشده به این فکر کنید که اگر پدر و مادرتان و بقیه پدر و مادرها مانند شما عمل می کردند چه اتفاقی رخ می داد؟ واقعیت این است که انسان ها برای اثر گذاشتن و نشان دادن هویتی از خود، احتیاج به ادامه بقا دارند؛ حقیقتی که از ابتدای پیدایش زمین بوده، هست و ادامه خواهد داشت. ●

بارز افراد بی استرس هستند. ممکن است، ابتدا تصور کنید که دیگر توان بازی کردن با کودکان را ندارید، اما فقط کافی است، یک بار امتحان کنید تا متوجه شوید، نه تنها بازی کردن از شما انرژی نمی گیرد، بلکه با لذتی که از کنار هم بودن خانواده و بودن فرزندان در کنارتان می برید به شما نیروی تازه و طراوت دو چندان داده خواهد شد.

یک زندگی سالم تر

وقتی که شما مسئولیت نگهداری از کودکان را به عهده دارید، ساعت های زیادی را باید به او اختصاص بدهید و دیگر مثل ایام گذشته نمی توانید تا پاسی از شب بیدار یا بیرون از خانه باشید و یا غذاهای آماده بخورید. مجبورید برای سلامت فرزندان خود غذاهای طبیعی، میوه و سبزیجات تهیه کنید که رشد خوب و سالمی داشته باشند، و در کنارش خودتان نیز از این مواد سالم و مغذی استفاده می کنید.

آزادی، نه کمتر و نه بیش تر

فوتبال، رفتن به گردش، دوچرخه سواری و... همه این ها می توانند سرگرمی هایی باشند که شما با فرزندان انجام بدهید و اوقات خیلی خوشی را بگذرانید. تصور خیلی زوج ها بر این است که با فرزنددار شدن، آزادی تفریح کردن از آن ها گرفته می شود و تمام مدت باید مراقب کودکشان باشند، ولی واقعاً این طور نیست. شما خیلی راحت می توانید، تفریحات مورد علاقه تان را با فرزندان تقسیم کنید و دوتایی از آن لذت ببرید.

دخترانشان صاحب فرزند می شوند و خود را مادر می بینند، راحت تر از گذشته با آن ها نزدیک می شوند و هم دلی بیش تری دارند.

احساس غرور مضاعف

خیلی از ما به شغل، اتومبیل و یا خانه مان می بالیم، ولی هیچ لذت و افتخاری بالاتر از این نیست که فرزندان را به خاطر هوش و ذکاوت و موفقیت هایش تشویق کنند و همیشه از شما به عنوان پدر و مادری با درایت، در تربیت فرزندان یاد کنند، پس نخواهید این احساس غرور را از دست بدهید!

معلمان کوچک

وقتی بین فرزندان یک خانواده جروب بحث و یا دعوا پیش می آید، این وظیفه پدر و مادرهاست که این قضیه را بدون تبعیض و یا ضایع کردن حق کسی حل کنند، پدر و یا مادر شدن این فرصت را به شما می دهد که انعطاف پذیرتر، مهربان تر و از همه مهم تر عاقل تر از قبل بشوید. روان شناسان معتقدند «فرزندان باعث می شوند که بر خصلت های بدمان غلبه کنیم. آن ها، ما را به سمت کامل شدن سوق می دهند و در زندگی می توانیم خیلی چیزها از آن ها یاد بگیریم. آن ها می توانند بهترین مشاور و معلم برای پدر و مادرها باشند.»

بازی های کودکانه

بازی کودکان یکی از مؤثرترین راه های تخلیه استرس و آلودگی های روحی و روانی است. به عبارت آسان تر کودکان، نمونه





تمام تخم مرغ‌ها در یک سبد!

به کوشش حمیدرضا عبداللهی نیسیانی

این که کودکان چگونه با رقابت و حسادت کنار بیایند و آن را دفع کنند در پرتو ارتباط با خواهر و برادر ایجاد می‌شود.

وابستگی

بچه‌ها در مراحل رشد خود و با بزرگ‌تر شدن باید بتوانند از والدین فاصله بگیرند. بچه تک‌فرزند چون تنهاست، نمی‌تواند به‌خوبی از والدین فاصله بگیرد. در نتیجه، اغلب آن‌ها به‌مصدق عامیانه کلمه، وابستگی دارند و به‌زبان عامیانه لوس هستند و مفهوم استقلال را در افکار و اعمالشان نمی‌توان دید. گاهی هم جذب روابط بیرون و دوستان هم‌سن می‌شوند که این هم خوشایند نیست چون دوست‌های آن‌ها در شرایط تربیتی متفاوتی بزرگ شده‌اند. به‌هر حال برای تأمین رشد و سلامت روان بچه‌ها، خوب است که بچه‌های دیگری هم در خانواده شما باشند. معمولاً پدر و مادر نسبت به کودک تک‌فرزند بیش از حد توجه می‌کنند و این کودکان متکی به والدین بار می‌آیند. در این حالت تمام خواسته‌های کودک برآورده می‌شود و این موضوع سبب می‌شود که کودک آموزش اجتماعی لازم را نبیند.

مشکلات روحی و روانی

بسیاری از تک‌فرزندها نمی‌توانند ناامیدی‌ها و فشارهای روانی را تحمل کنند؛ چنانچه به این افراد توهینی شود بی‌آن که قصد و غرضی در کار باشد این توهین را رفتاری عمدی و به‌پشتوانه نیتی خاص تفسیر می‌کنند. چنانچه از مسئله‌ای رنجیده‌خاطر شوند این حالت را تا مدت‌های مدید درون خود زنده نگاه می‌دارند. آن‌ها فقط به برقراری روابطی علاقه‌مند هستند که در

آمدن پدیده تک‌فرزندی را در ایران تحصیلات عالیه زنان، استقلال مالی و اشتغال زنان، تأخیر در سن ازدواج و ترس از طلاق و عدم ثبات خانواده عنوان می‌کنند. خانواده‌هایی با زنان تحصیل‌کرده اشتیاقی به فرزندان زیاد ندارند در حالی که در خانواده‌هایی که زنان تحصیلات پایین‌تری دارند هنوز تمایل به فرزندان بیش‌تر در آن‌ها دیده می‌شود. با این روند، نرخ باروری تحصیل‌کرده‌ها کم می‌شود و از آن طرف نرخ باروری خانواده‌هایی که تحصیلات کمتری دارند بیش‌تر می‌شود.

بازی آموختن

بچه‌ها با پدر و مادرشان در یک تراز نیستند. در خانواده، پدر و مادر در یک ترازند و بچه‌ها در تراز دیگری. در نتیجه، خیلی از آموزش‌های لازم را باید در تعامل با هم‌شیرها (خواهر و برادر) بیاموزند و اگر این امکان وجود نداشته باشد به مشکل می‌خورند. اولین موهبتی که تک‌فرزندها از آن بی‌بهره‌اند داشتن هم‌بازی و هم‌زبانی است که هر وقت بخواهند در دسترس آن‌ها باشد و با شرایط تربیتی همانند او که برایش نامأنوس نیست، رشد یافته باشد. اگرچه بعضی‌ها می‌گویند تک‌فرزند خود را به مهدکودک می‌فرستیم تا با هم‌سن و سال‌هایش تعامل اجتماعی داشته باشد ولی زندگی ۲۴ ساعته با برادر و خواهر و پیوند عاطفی ناشی از آن با مهدکودک قابل جبران نیست و مهد نمی‌تواند جای خواهر و برادر را بگیرد. تک‌فرزندها به بازی‌های انفرادی گرایش پیدا می‌کنند و تماشای تلویزیون و بازی با رایانه را نسبت به بازی‌های گروهی ترجیح می‌دهند که انزوا و گوشه‌نشینی را همراه خواهد داشت.

وقت دادن هدیه‌ها که رسید، اضطراب سارا دو برابر شد. اول پدر و مادر داماد او آمدن جلو و هدیه‌هاشون رو دادن. بعدش نوبت برادر بزرگ و دو تا خواهر کوچیکاش رسید. خاله‌ها و دایی‌های داماد هم بودند؛ بعد از اونا هم دو تا عمو و دو تا عمه‌هاش. تبریک گفتن‌ها و دیده‌بوسی‌ها که تموم شد، نوبت فامیلا و آشناهای عروس خانم بود که بیان جلو و دست‌به‌کار شن. پدر و مادر عروس که هدیه شونو دادن تنها فامیل باقی‌مانده، خاله عروس بود که هدیه‌شو رو آورد. محدثه و حدیثه هم که دوستای جون‌جونی سارا بودن یه کادوی مشترک دادن به اون و کلی توی آغوش هم گریه کردن...

سارا تنها بود، سایه تنهایی‌هاش روی مهم‌ترین روز زندگیش هم سایه انداخته بود اما با خودش عهد کرد که امروز آخرین روز تنهاییه! با خودش زمزمه می‌کرد که محاله بذارم حس تنهایی، بچه‌هامو زخمی کنه، محاله!

داستان تک‌فرزندی داستان تلخ و دور و درازی است؛ داستانی که در زبان عامیانه خودمان هم به آن معترضیم: «یکی یه دونه یا خل می‌شه یا دیوونه!» اما انگار تلخی این فصل از کتاب تنهایی را از یاد برده‌ایم.

دست‌پخت مدرنیته

پدیده تک‌فرزندی ویژه جوامع مدرن و صنعتی و از دید جامعه‌شناختی، ویژه جوامع سرمایه‌طلب در مقابل جوامع کارگر‌طلب است. چون جامعه ایرانی تقریباً مدرن و سرمایه‌ای است بنابراین خانواده‌های تک‌فرزند در جامعه ایران بیش‌تر از خانواده‌های چند فرزند هستند. جامعه‌شناسان، مهم‌ترین عوامل به‌وجود

پسران علاقه دارند بنابراین داشتن هر دو جنس می‌تواند این نیاز را نیز برآورده سازد. هم‌چنین پدران و مادران دوست دارند ویژگی‌های دوران کودکی خود را در فرزندانشان بازسازی کنند که در صورت نداشتن فرزند از یک‌جنس، نوعی نارسایی در والدین ایجاد می‌شود.

تک‌فرزندی می‌تواند خانواده‌ها را درون‌گرا کند و خانواده‌هایی که تنها یک فرزند دارند و به اصطلاح تمام تخم‌مرغ‌های زندگی‌شان را در یک سبد می‌گذارند باید ریسک و خطرات آن را نیز بپذیرند؛ لذا در صورتی که مشکل یا اتفاقی برای تک‌فرزند آن‌ها به وجود آید، خانواده دچار مشکل می‌شود. به علاوه با قرار گرفتن تک‌فرزند در دوران سربازی یا تحصیلات دانشگاهی و یا ازدواج، پدر و مادر فشار روانی زیادی را متحمل خواهند شد و از سوی دیگر در فرضی که پدر یا مادر به حمایت نیازمند شوند، چند فرزند بسیار مطلوب‌تر از تک‌فرزندی خواهد بود.

جنستان را جور کنید

کودکان در کنار خواهران و برادران خود یاد می‌گیرند که خصوصیات هر جنسی چگونه است مثلاً پسر شما می‌فهمد که خواهرش شکننده‌تر است یا برادرش فلان ویژگی خاص را دارد که این مهارت و هضم تفاوت‌ها در بزرگسالی بسیار کمک‌کننده است. اهمیت این مسئله را می‌توان درباره کسانی که چنین تجربه‌ای را نداشته‌اند، بهتر درک کرد. حتی داشتن دو فرزند از یک جنس نیز مشکلاتی در پی خواهد داشت. بر این اساس، فرزندان پسری که تنها یک برادر دارند از درک ظرافت‌های دختران بی‌بهره می‌مانند. دختران نیز در صورتی که تنها یک خواهر داشته باشند نمی‌توانند با رفتار و روحیات پسرها آشنا شوند. این فرزندان در زندگی زناشویی خود نیز دچار مشکل می‌شوند. ●

و...، کودک در تکمیل مالکیت یکی از مهم‌ترین نکته‌ها و مهارت‌های زندگی را می‌آموزد؛ یعنی «همه چیز منحصر به من نیست.» او از حالا باید بیاموزد که آدم‌های دیگر همه به اندازه او محبوبند، محترمند و حق دارند. اگر این مسئله را یاد نگیرد برای حرکت طبیعی و موفق آینده‌اش در جامعه با مشکل مواجه می‌شود. افزون بر این، برخی آموزش‌ها را که لازمه زندگی سالم است، فقط وقتی می‌توان به بچه‌ها یاد داد که در تعامل با خواهر و برادرشان باشند. تقدم و تأخر از این جمله است: «اول داداشت آب بخوره، بعد تو»، «اول خواهرت که کوچک‌تره بره دست‌شویی، بعد تو»!

من مانده‌ام تنهای تنها...!

واقعیت این است که پدران و مادران دارای تک‌فرزند هم با مشکلاتی مواجه خواهند بود زیرا در وجود دو جنس ویژگی‌هایی وجود دارد که والدین با داشتن یک فرزند از آن محروم می‌مانند. پدران به‌طور ذاتی به دختران، و مادران به

برگیرنده منافعتشان باشد و احساساتشان را جریحه‌دار نکند. آن‌ها ممکن است ناراحتی‌های خود را برای دیگران بیان نکنند و فردی درون‌گرا شوند. اگر والدین، مراقبتی افراطی از تک‌فرزند خود به عمل آورند و او را به فردی ضعیف و کم‌تحمل تبدیل کنند، فرزندشان از دیگران نیز انتظار خواهد داشت با او چنین رفتاری داشته باشند. اگر والدین اجازه ندهند فرزندشان با احساسات سخت و ناراحت‌کننده روبه‌رو شود یا امکان آشکار کردن این نوع احساسات را برایش فراهم نکنند، تحمل وی را در برابر این نوع احساسات ضعیف خواهند کرد.

دیگران هم هستند!

نکته بعدی که هر بچه‌ای از هم‌شیرها و در تعامل با آن‌ها می‌آموزد، تجربه حس «مالکیت» و دفاع از مالکیت است: «این تراش منه»، «اون عروسک توه»





خانم‌ها، شما بیش‌تر در خطرید!

در گفت‌وگو با آقای حق‌ویسی (کارشناس مسئول تغذیه معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی قم)

در گذشته، کمتر بود

قدیم، ناباروری خیلی مفهوم نداشت، یکی از عواملش این بود که مردم آرامش داشتند توکل بر خدا خیلی بیش‌تر بود این قدر استرس و مشغله نداشتند؛ سنتی و به تعبیر بهتر، خیلی سالم‌تر و راحت‌تر از امروز زندگی می‌کردند حتی اگر وضعیت اقتصادی خوبی هم نداشتند و کم می‌خوردند، خویش را می‌خوردند. ما باروری سالم برایمان خیلی اهمیت دارد یعنی درست است که ما باید جمعیت‌مان طبق آمار از این وضعیتی که هست بیش‌تر شود ولی در عین حال، باروری سالم هم برایمان اهمیت دارد. ریشه سلامتی هم، از دوره بارداری و قبل از بارداری است. برای همین هم ما اعتقاد داریم که اگر قرار است باروری افزایش یابد حتماً با برنامه و با نظم باشد. از دیدگاه بهداشتی، در سطح جهان باید افرادی را تحویل جامعه بدهیم که کارا و پیشرو باشند و بتوانند خودشان یک جامعه را پیش ببرند و این وقتی است که فرد، خودش سالم باشد و ریشه‌اش هم از دوران بارداری و قبل از بارداری است.

اول پیشگیری

درباره ناباروری، مهم‌ترین بحث، مسئله پیشگیری است یعنی چه کار کنیم که ناباروری اصلاً رخ ندهد. روی این تا به حال خیلی تمرکز نکرده‌ایم. اگر

پیشگیری کنیم فرد، دیگر خیلی هزینه نمی‌کند. پیشگیری نیز از دوران بارداری مادر آغاز می‌شود؛ نه تنها این ناباروری، بلکه برنامه طول عمر زندگی انسان‌ها در دوران بارداری نوشته می‌شود به شرطی که بعد از بلوغ، شرایط بهداشتی و تغذیه‌ای هم فراهم باشد.

از بارداری مراقب ناباروری باشید!

تغذیه جنین در دوران بارداری نه تنها به تغذیه مادر او برمی‌گردد بلکه به تغذیه مادر بزرگ او هم برمی‌گردد یعنی اگر مادر بزرگ نکاتی را رعایت نکرده و چاق بوده باشد، این چاقی را به عنوان ارث و ژنتیک به نسل آینده انتقال می‌دهد. متأسفانه عمده مردم کشور به‌ویژه خانم‌ها دچار اضافه وزن هستند. در خصوص ناباروری هم اگر بخواهیم از ریشه درستش کنیم باید روی تغذیه دوران بارداری کار کنیم

چون اگر مادر به اندازه کافی در دوران بارداری غذا دریافت نکند کمبودش می‌تواند مشکل‌ساز بشود اگر هم زیادتر دریافت کند آن هم می‌تواند مشکل‌ساز باشد یعنی هورمون‌ها را به هم می‌زند.

لاغری هم در ناباروری مؤثر است

بررسی‌های علمی جهانی می‌گوید نه تنها اضافه وزن و چاقی، سلامت فرد و مادر را دچار مخاطره می‌کند خود لاغری هم سلامتی مادر را دچار مشکل می‌کند؛ البته درصد قابل توجهی مربوط به چاقی است، درصد کمی هم در اثر لاغری است یعنی آن‌هایی هم که لاغر هستند و ذخایر چربی‌شان کمتر از ۱۷ درصد است عمدتاً بارور نمی‌شوند.

فعالیت، علاج مشکل

برای لاغر شدن، راحت‌ترین فعالیت پیاده‌روی است البته اگر شخص بتواند به باشگاه یا شنا برود خیلی خوب است اما راحت‌ترینش همان پیاده‌روی است که حتی داخل خانه هم می‌توان انجامش داد، اما باید منظم باشد. ما توصیه می‌کنیم به‌طور متوسط روزانه ۳۰ الی ۶۰ دقیقه فعالیت انجام بشود. عمده مادران ما به‌خاطر خانه‌داری، فعالیت دارند یعنی مادر موقعی که ظرف می‌شوید در حال فعالیت است ولی انرژی کمی مصرف می‌کند؛ فعالیتی که با پا انجام بشود انرژی بیش‌تری را مصرف می‌کند و ما دنبال این هستیم.



نقش محوری اسید فولیک

عمده متخصصین تغذیه و متخصصین زنان در سطح جهان توصیه می‌کنند حداقل سه ماه قبل از باروری، اسیدفولیک مصرف بشود چون کمبود اسیدفولیک جداً می‌تواند مشکل ایجاد کند یعنی امکان دارد فردی بارور هم بشود ولی به‌خاطر کمبود اسید فولیک سقط بکند یا نقص لوله عصبی در جنین ایجاد بشود. کسانی که چاق هستند متأسفانه دفع ادراری اسید فولیک‌شان هم بیش‌تر است برای همین به خانم‌هایی که اضافه وزن دارند یا چاق هستند به‌طور ویژه توصیه می‌شود روزانه حداقل یک قرص حاوی اسید فولیک مصرف کنند.

سلول‌هایتان را سیر کنید

رژیم غذایی کامل و رفتارهای مناسب تغذیه‌ای شامل همه گروه‌های غذایی می‌شود. سیستم دفاعی بدن باید تقویت بشود و این، با خوردن زیاد نیست؛ یکی از معضلاتی که در جامعه کنونی داریم همین قضیه است. توجه کنید که بحث سیری شکم و سیری سلول داریم؛ سیری شکم یعنی شخص، انرژی دریافت کند که الحمدلله در جامعه کنونی در این مورد مشکلی نداریم. انرژی زیاد هم دریافت می‌شود و چاق و تپل‌هایمان خیلی زیاد است طبق آمار موجود کشوری، مردم ما در عین سیر بودن شکم، گرسنگی سلول دارند. گرسنگی سلول یعنی شخص، علی‌رغم این‌که انرژی دریافت کرده و شکمش سیر و برجسته است مواد مغذی مورد نیاز سلول را مثل پروتئین، آهن، کلسیم، ویتامین B₁₂، روی و... دریافت نکرده است. شخص از غذا فقط انرژی دریافت کرده اما مواد مغذی که سلول‌هایش را سیر کند در غذا نبوده است. افرادی که مواد مغذی در سلول‌هایشان کم است به‌خوبی باروری در آن‌ها رخ نمی‌دهد. وزن بالا و چاقی (یعنی BMI بالا)، وضعیت ناباروری را بدتر می‌کند. عدم تحرک هم وضعیت را حادتر می‌کند.

خانم‌ها، شما بیش‌تر در خطرید!

ناباروری در خانم‌ها بیش‌تر و عللش هم مشخص است. از مهم‌ترین عواملی که ناباروری ایجاد می‌کند این است که به‌واسطه سبک نادرست و غیر سالم زندگی عمدتاً تعادل خدادادی در بدن خانم به هم می‌خورد. تغذیه نادرست، فعالیت بدنی کم و حتی استرس نتیجه‌ای جز چاقی و اضافه‌وزن ندارد و در اضافه‌وزن و چاقی هم تعادل هورمون‌های بدن به هم می‌ریزد؛ متأسفانه عمده خانم‌هایی که اضافه‌وزن دارند و چاق هستند دچار کیست تخمدان نیز می‌شوند و خود این، مانع از باروری می‌شود، به‌علاوه درصد دیگری از این خانم‌ها که اضافه وزن دارند و چاق هستند دوره عادت ماهیانه‌شان نیز به هم می‌خورد و دوره‌های قاعدگی نامنظمی دارند.

کمک‌حال آقایان نابارور

خوب است بدانیم حدود یک‌سوم ناباروری‌ها مربوط به مردان است که تقریباً ۷۰ درصد از مشکلات ناباروری آقایان قابل درمان است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در حدود یک‌چهارم از مشکلات ناباروری آقایان ناشی از شیوه نادرست زندگی آنان مثلاً کشیدن سیگار، چاقی یا لاغری مفرط و... است. در مسأله ناباروری آقایان، بعضی اصلاً اسپرم ندارند که در چنین وضعیتی، کار از ریشه خراب است که البته خیلی احتمالش کم است؛ بعضی‌ها اسپرم دارند اما فعال نیست؛ بعضی‌ها اسپرم دارند تعدادش کم است؛ بعضی‌ها اسپرم دارند علاوه بر این‌که تعدادش کم است تحرک هم ندارد که در نهایت بتواند لقاح رخ دهد. برای همین هم به عمده این‌ها این توصیه کلیدی را می‌کنند که اول آرامش داشته باشید یعنی وقتی شخص استرسش زیاد باشد هم تعداد اسپرم‌هایش و هم تحرک و قدرت اسپرم‌ها کم می‌شود. به‌خاطر داشته باشید که در این مورد، دمای بدن

هم مهم است مثلاً اگر شخص به‌مدت طولانی در حمام یا سونا بماند یا لپ‌تاب را روی پایش بگذارد و استفاده کند با گذشت زمان اسپرم‌ها دچار مشکل می‌شوند که البته با تغییر رفتار، مشکل حل خواهد شد. به هر حال به عمده این افراد (هم به مرد هم به زن) ویتامین E که حرف اول را می‌زند، توصیه می‌کنیم. ویتامین E در روغن‌ها، مغزها و دانه‌های روغنی مانند فندق، پسته، کنجد، شاه‌دانه و هم‌چنین در جوانه غلات وجود دارد و در یک سری از روغن‌ها هم به‌عنوان افزودنی اضافه می‌شود. اگر مشکل حاد باشد حتماً باید دارو هم مصرف شود. ویتامین E خودش به عنوان یک آنتی‌اکسیدان است؛ آنتی‌اکسیدان‌ها یکی از عوامل ضدسرطانی‌اند و در مردها بیش‌تر برای تقویت اسپرم توصیه می‌شود که سعی کنند عوامل آنتی‌اکسیدانی دریافت کنند. به‌علاوه از «روی» هم نباید غافل باشیم. بسیاری از زن‌ها و مردهای متأهل، روی زیادی از بدن‌شان دفع می‌شود و در جامعه کمبود آن شایع است. عمده کسانی که در کار درمان هستند مکمل روی را هم توصیه می‌کنند چون عمدتاً روی هم از طریق ادرار و مدفوع دفع می‌شود و هم از طریق اسپرم که بسیار زیاد است.

روی را از آن بگیرید

منابع غذایی روی دار عمدتاً غذاهای پروتئینی هستند؛ حرف اول را در غذاهای پروتئینی انواع گوشت سفید و گوشت قرمز و تخم‌مرغ می‌زند. کنار این‌ها که انواع مغزها هم توصیه می‌شود. گردو بیش‌ترین مقدار روی را در میان مغزها دارد؛ نه تنها روی دارد امگا سه خیلی خوبی هم دارد. از بین این‌ها، آن‌هایی که حیوانی هستند، هم مواد مغذی‌اش بیش‌تر است و هم بیش‌تر جذب بدن می‌شود فقط باید مواظب باشیم که اگرچه گوشت قرمز یکی از منابع خیلی خوب روی و آهن



عیبی ندارد صد درصدش جذب نمی‌شود، هفتاد درصدش که می‌شود. فعلاً بخور و آبرومندانه زندگی کن. به کسانی که مشکل زانو درد دارند، یک توصیه ساده می‌کنیم که «پاچه» بخورید. کتاب‌های علمی دنیا به همین می‌گویند ژلاتین!

امان از آلودگی‌ها!

ما در آلودگی هوا هم خیلی مشکل داریم یعنی آلودگی هوا و مشکلات زیست‌محیطی روی ناباروری تأثیر دارند کما این که غذای آلوده هم مشکل ساز می‌شود غذاهایی که مواد افزودنی زیاد یا رنگ دارند هم می‌تواند مشکل ساز بشوند. در خصوص میوه‌های گران قیمت مثلاً سیب درشت، متوجه باشید که عمده این‌ها کود شیمیایی دریافت کرده‌اند و یکی از احتمالات این است که کود شیمیایی می‌تواند روی ناباروری تأثیر داشته باشد؛ کما این که غذای مانده یا حتی ظرف غذا هم در مسأله ناباروری مؤثر است؛ ظرف ملامین ظرف جالبی برای صرف غذا نیست و مشکلات متعدد ایجاد می‌کند و احتمال این که روی ناباروری تأثیر داشته باشد متأسفانه هست. به علاوه مصرف افراطی مواد غذایی که ذاتاً بی‌خطر هستند هم گاهی در خصوص باروری مشکل ساز می‌شود مثلاً مصرف بیش از حد آویشن و زیره.

مسئله جگر

حدود بیست سال پیش در توصیه‌های تغذیه‌ای وزارت بهداشت بیان می‌شد مادر باردار به خاطر آهن موجود در جگر، هفته‌ای دو بار باید جگر بخورد مدتی که گذشت گفتند هفته‌ای یک مرتبه مصرف شود. بعد گفتند ماهی یک مرتبه. الان توصیه می‌شود ماهانه بیش‌تر از یک مرتبه جگر گوسفند نباید مصرف بشود که می‌تواند روی سقط جنین تأثیر داشته باشد چرا که

برگ، یعنی مرغ و ماهی. حالا اگر بدانند که ارزش پروتئینی تخم‌مرغ از گوشت هم بیش‌تر است می‌تواند در یکی از وعده‌ها با رضایت و آرامش، تخم‌مرغ مصرف کند. در کتاب‌های علمی جهان می‌نویسند که صد گرم گوشت گوسفند این قدر انرژی، پروتئین، ویتامین و املاح دارد در همان کتاب و همان جدول، درباره شش و سیرابی هم آمده که صد گرمش این قدر پروتئین، این قدر ویتامین و این قدر املاح دارد؛ فقط این‌ها نه این که هضم و جذبش یک مقداری مشکل است کمتر توصیه می‌شود. حالا ما می‌خواهیم بگوییم آقا



است اما زیاده‌روی در مصرف آن می‌تواند عوارضی ایجاد کند؛ با گذشت زمان یکی از علت‌هایی که زمینه سکته‌ها و یا سرطان سینه را می‌تواند فراهم کند مصرف بیش از حد گوشت قرمز است. به هر حال، گوشت سفید هم مثل مرغ و ماهی، روی و آهن خوبی دارد ولی مردم جامعه این را نمی‌دانند یعنی فکر می‌کنند که گوشت قرمز حالا چون قرمز است آهنش خیلی بیش‌تر است.

دیابتی‌ها بخوانند

متخصصان زنان و کسانی که مامایی کار می‌کنند عقیده دارند که دیابت به شدت می‌تواند روی مسائل جنسی و ناباروری تأثیر منفی ایجاد کند. متخصصین تغذیه هم این مشکل را در بیماران خودشان می‌بینند. در درصد قابل توجهی از کسانی که دیابت نوع ۲ دارند که این نوع دیابت بیش‌تر در افراد ۳۰ الی ۴۰ سال به بالا است و ریشه‌ای‌ترین عاملش هم چاقی در ناحیه شکم یعنی چربی شکمی است، این چربی شکمی باعث می‌شود گیرنده‌های انسولین خوب کار نکنند و در نتیجه قند خون بالا برود که این فرایند در نهایت میزان و تعادل هورمون‌ها را به هم می‌ریزد و کیست تخمدان تشکیل می‌شود که در باروری ایجاد اشکال می‌کند.

تغذیه خوب با درآمد کم

مردم فکر می‌کنند باید خیلی پولدار باشند که تغذیه‌شان خوب باشد ولی ما می‌گوییم این نیست. اگر شما غذاها را بشناسید با همین وضعیت اقتصادی کنونی می‌توانید تغذیه خوبی داشته باشید. غذای خوب خوردن مبتنی بر این نیست که فرد باید پولدار باشد. شخص فکر می‌کند که تغذیه خوب یعنی کباب



اجاق، کور می‌شود یا روشن؟

قبل از ازدواج چگونه بفهمیم ناباروریم؟

دکتر ملک منصور اقصی (متخصص زنان و زایمان و فوق تخصص نازایی)

باقی، نه شما اطلاع دارید، نه پزشکتان. البته توصیه می‌کنم مانند بسیاری از کسانی که قدرت باروری آن‌ها مشکلی ندارد و حتی خودشان هم یک یا دو بچه دارند و کودکی را هم به فرزند می‌پذیرند، عمل کنید. یادم هست قدیم‌ترها در همین ایران خودمان صاحب‌خانه ثروتمند، سرپرستی یکی از بچه‌های کارگر، آشپز یا کلفت خانه را به عهده می‌گرفت و بین او و بچه‌های خودش فرق نمی‌گذاشت، به او می‌رسید، غذا و لباسش را تأمین می‌کرد و حتی او را به دانشگاه می‌فرستاد.

مشکل نازایی

دکتر مرضیه مهرانزا (فوق تخصص نازایی)

اکثر خانم‌هایی که ازدواج می‌کنند هدف نهایی‌شان بچه‌دار شدن است. این امر یکی از هدف‌های نهایی خانواده‌های ایرانی است. زمانی که این مسئله تحقق نمی‌یابد: اولاً یک هدف بزرگ خانواده اجرایی نمی‌شود و باعث می‌شود که ضربه عاطفی به زن و شوهر وارد شود و این امر از سوی خانواده مرد مشکلات زیادی ایجاد می‌کند. معمولاً با این که ۵۰ درصد آقایان هم مشکل باروری دارند اما بعضاً دیده شده که خانم مورد تهاجم قرار می‌گیرد. اگر مرد هم مشکل داشته باشد، تمام انگشت‌ها به سمت خانم نشانه می‌رود. از این رو آن‌ها توسط اقوام و همسرشان مورد سرزنش قرار می‌گیرند. از طرفی در اجتماع، خانواده‌ای که صاحب

بعد از رحم او عکس‌برداری کنیم، اما تا حدودی می‌توان گفت خانم یا آقا قدرت باروری دارد یا نه. از آن‌جا که نیمی از مشکلات ناباروری به مردان و نیمی به خانم‌ها مربوط است، یک آقا می‌تواند قبل از ازدواج، آزمایش اسپرموگرام بدهد تا معلوم شود در مایع منی او اسپرم (سلول جنسی نر) وجود دارد یا نه و آیا اسپرم‌ها قدرت حرکتی مناسب را برای بارور کردن تخمک دارند یا ندارند؟ اما بسیاری از آقایان تمایلی ندارند این بررسی را انجام دهند. این آقایان باید بدانند همان اندازه که قدرت باروری خانم مهم است، سلامت سلول‌های جنسی آن‌ها هم اهمیت دارد. معمولاً آقایان سلامت عمومی و قدرت مردانه و ظاهری خود را ملاک قرار می‌دهند، به همین دلیل از این نکته غفلت می‌کنند و به انجام بررسی مردانه تن نمی‌دهند. یک خانم هم با سونوگرافی از تخمدان و رحم می‌تواند سلامت قدرت باروری خود را بسنجد و متوجه شود تخمدان‌های او سالمند یا نه؛ البته قاعدگی مرتب یک خانم هم تا حدی می‌تواند تأییدی بر سلامت دستگاه تناسلی او باشد.

مبتلایان به تخمدان پلی‌کیستیک هم می‌توانند با دارو تحت کنترل قرار گیرند و بچه‌دار شوند. پس ۸۰ درصد ماجرا را قبل از ازدواج می‌توانیم بفهمیم ولی از ۲۰ درصد

شاید یکی از دغدغه‌های ذهنی زوج‌های ناباروری که وقت و هزینه زیادی را صرف بچه‌دار شدن کرده‌اند، این باشد که آیا نمی‌شود قبل از ازدواج از قدرت باروری مطلع شد؟ پاسخ به این پرسش آن‌قدرها هم ساده نیست زیرا بچه‌دار شدن پدیده‌ای چند علتی است و مثلاً نمی‌توان ناتوانی جنسی یک مرد را قبل از ازدواج او سنجید یا متوجه بسته بودن لوله‌های رحم یک خانم قبل از ازدواج شد. می‌پرسید چرا؟ چون نمی‌شود از رحم یک دختر خانم عکس گرفت و با سونوگرافی هم باز یا بسته بودن لوله‌ها معلوم نمی‌شود. باید منتظر بمانیم تا او ازدواج کند و



چرا در شیب ناباروری افتاده‌ایم؟

دکتر محمدجلال عباسی شوازی (دانشیار
دانشگاه تهران)

به چند دلیل کاهش باروری در جامعه ما استمرار خواهد یافت:

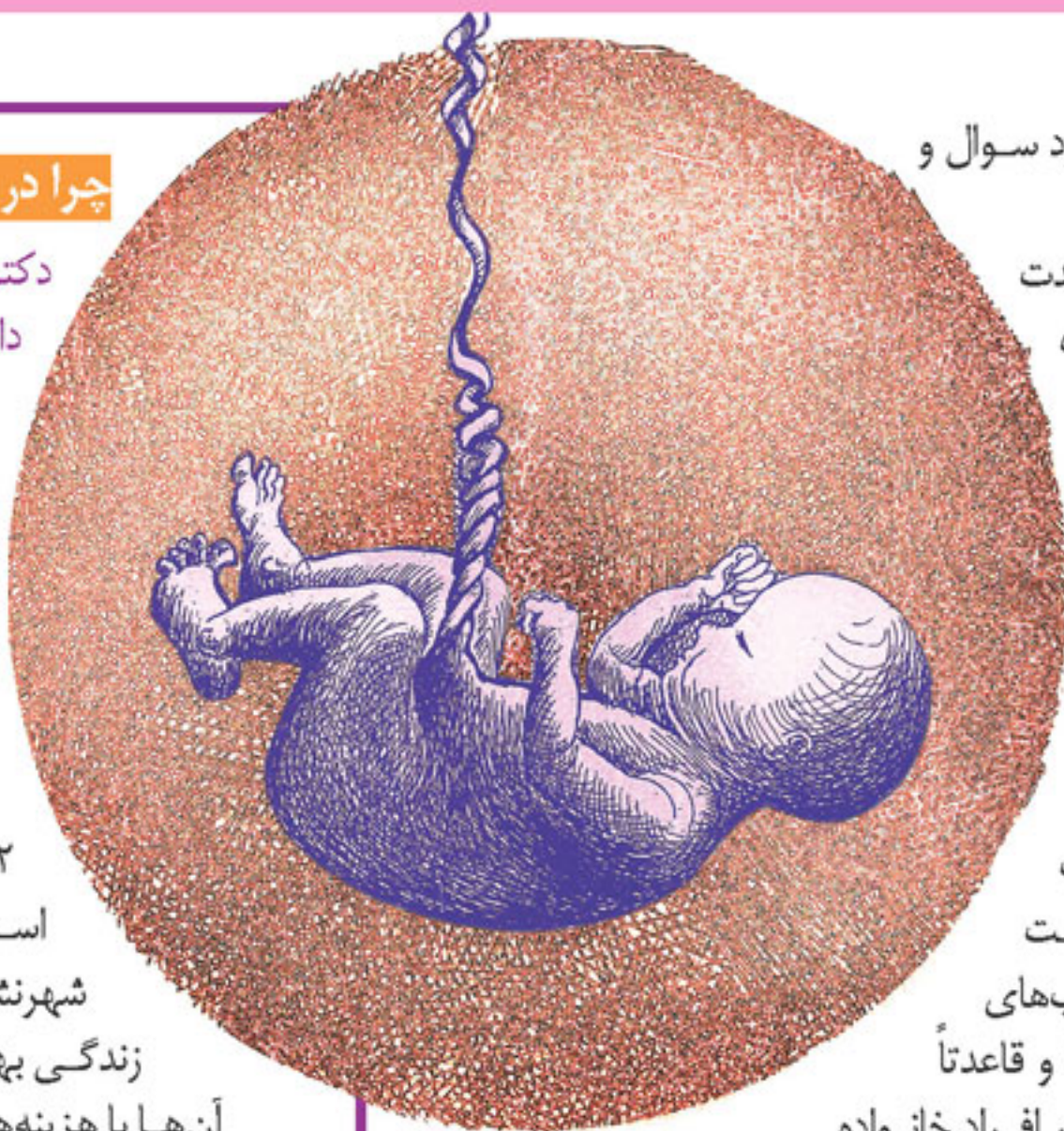
۱. آمارها از سقوط باروری به کمتر از ۲ فرزند برای هر مادر در همه استان‌های کشور به استثنای سیستان و بلوچستان حکایت دارد.
۲. شهرنشینی یکی دیگر از دلایل استمرار روندهای نزولی باروری است. شهرنشینی، انتظارات زوج‌ها برای یک زندگی بهتر را در حالی افزایش خواهد داد که آن‌ها با هزینه‌های بالاتر مسکن در مناطق شهری مواجه می‌شوند.

۳. سطح سواد و تحصیلات افزایش خواهد یافت. این پدیده از طریق افزایش برابری جنسیتی و نیز مشارکت بیش‌تر زنان در بازار کار سبب خواهد شد که زنان نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری‌های باروری داشته باشند.
۴. با افزایش سطح سواد و تحصیلات بانوان، میانگین سن ازدواج زنان نیز در حال افزایش است. فشارهای اقتصادی و نیز مشکلات زوج‌ها در یافتن شغل و مسکن نیز در این زمینه تأثیرگذارند. علاوه بر این‌ها، نوعی عدم تعادل جنسیتی در بازار ازدواج در ایران وجود دارد.

۵. منزلت بالاتر زنان در ایران تأثیر منفی بر باروری در آینده خواهد داشت. یکی از دلایل کاهش باروری در کشورهای در حال توسعه این است که زنان بیش‌تر از پیش شبیه مردان شده‌اند.

۶. وقتی هنجارهای باروری پایین در میان افراد و خانواده‌ها نهادینه شد، برای دولت‌ها بسیار مشکل است که آن را تغییر بدهند.

۷. این باور فرهنگی مبنی بر این که زنان بایستی زودتر ازدواج کنند و نخستین فرزندشان را بلافاصله پس از ازدواج به دنیا بیاورند، امروزه خیلی در ایران عمومیت ندارد. ●



بچه نیست همواره مورد سوال و قضاوت قرار می‌گیرد. این عوامل در درازمدت باعث افسردگی خانواده و به‌خصوص خانم می‌شود. خیلی از مراجعان از نظر کارآیی دچار ضعف می‌شوند و ریشه آن افسردگی به‌علت نازایی است. هر زمانی که درمان صورت گیرد و نتیجه آن مثبت نباشد خانم با اضطراب‌های متعددی روبه‌رو می‌شود و قاعدتاً

موضوع مذکور بر سایر افراد خانواده

هم تأثیر منفی می‌گذارد. بنابراین معتقدم به

غیر از آن که نازایی یک بیماری جسمی است موجب یک بیماری روحی و عاطفی هم می‌شود.

در این مدت آگاهی مردم خیلی بیش‌تر شده و خوشبختانه اکثر خانواده‌ها برای درمان نازایی مراجعه می‌کنند، چراکه می‌دانند مشکلشان قابل درمان است، اما سال‌های گذشته به دلیل نبود آگاهی و اطلاع خیلی از خانواده‌ها از هم جدا شدند و یا چند همسری پیش می‌آمد. خوشبختانه طی سال‌های اخیر این موضوع حل شده و خانواده‌ها برای درمان مراجعه می‌کنند؛ البته آقایان هم در این مدت از نظر فکری نسبت به گذشته بسیار متفاوت شده‌اند و قبول کرده‌اند که بخشی از نازایی به‌علت مشکل آقایان است. متأسفانه سن ازدواج کمی بالاست، به‌علت آن که خانم‌ها و آقایان در معرض یکسری مواد سمی محیطی، شغلی و عفونت‌های مختلف، احتمال ناباروری را مضاعف می‌کند. بنابراین هر میزان که سن ازدواج بالا برود، میزان ناباروری هم افزایش پیدا می‌کند. از این‌رو به خانواده‌ها توصیه می‌کنیم در سنین کمتر نسبت به ازدواج اقدام کنند تا مشکلات ناباروری به سراغ خانواده‌ها نیاید.

من وازکتومی (لوله بستن آقایان) و توبوکتومی (لوله بستن بانوان) را توصیه نمی‌کنم و معتقدم تعداد بچه‌ها نباید محدود شود. ممکن است این عقیده با سیاست‌های کلی جامعه مغایرت داشته باشد اما همواره خانواده‌ها را برای داشتن حداکثر ۴ بچه ترغیب کرده‌ام، اما اگر کسی لوله‌اش را بست ممکن است اتفاقات ناگوار و غیرقابل بازگشتی رخ دهد؛ لذا برای جلوگیری از این بیماری‌ها، بحث وازکتومی و توبوکتومی توصیه نمی‌شود. ●



هر که بامش بیش، برفش بیش تر

چند راهبرد

محمدعلی رامین

این روزها، بسیاری از کشورهای پیشرفته با معضل کاهش و پیری جمعیت دست‌به‌گریبانند. ما نیز در دهه‌های گذشته به مسیری رفته‌ایم که بی‌شک به همین مقصد منتهی می‌شود؛ مقصدی که مطلوب نیست. پس لازم است که مسیر و مقصدمان را عوض کنیم.

فرهنگ‌سازی

در خصوص مسأله جمعیت، فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش، از ضروریات و حتی بنا به فرموده مقام معظم رهبری از قانون‌گذاری نیز مهم‌تر و مؤثرتر است. نگرش‌آحاد جامعه باید نسبت به زندگی و نقش خانواده اصلاح و دگرگون شود و این مهم، محتاج به برنامه‌ریزی و همت ملی است؛ امری که در آن نباید از نقش صدا و سیما غفلت کرد.

صدا و سیما

صدا و سیما باید رویکردش را اساسی اصلاح کند؛ البته برنامه‌هایی هم که در صدد تغییر نگرش و رویکرد ما به مقوله فرزندآوری است کم نیست اما تجربه نشان داده که تأثیرپذیری غیرمستقیم فرهنگی غالباً شایع‌تر، سریع‌تر و کارآمدتر است. این مطلب در خصوص اصلاح نگرش‌ها درباره ازدواج، سبک زندگی، قناعت و ساده‌زیستی هم صادق است. صدا و سیما باید مبلغ ازدواج در آغاز جوانی باشد. از به تصویر کشیدن پیوسته کشمکش‌های خانوادگی و طلاق خودداری کند و زیبایی‌های نقش مادری و پدری را هنرمندانه بازگو نماید. این رسانه موظف است شادابی، هم‌گرایی و پشتیبانی را در خانواده‌های بزرگ نشان

بدهد، اما هنوز هم در بسیاری از برنامه‌ها، خانواده‌های پُر جمعیت در سطوح پایین اقتصادی و فرهنگی به تصویر کشیده می‌شوند و اکثر خانواده‌های متمول یا فرهیخته، نهایتاً یک یا دو فرزند دارند.

اقتصاد و معیشت

نقش اقتصاد و معیشت را نباید در زمینه تشکیل خانواده و فرزندآوری انکار کرد؛ بر همین اساس، حفظ و ثبات ارزش پول ملی، تعادل و امنیت بازار پول و سرمایه و به‌طور کلی تدوین و اجرایی‌سازی نقشه‌های میان‌مدت و بلندمدت راهبردی اقتصادی را نباید از نظر دور داشت. دولت‌ها موظفند به‌اجرای هرچه دقیق‌تر قوانین جاری برنامه توسعه کشور همت بگذارند و آن‌را میثاقی ملی در عرصه اقتصادی بشمارند.

مهارت پدر و مادری

خیلی چیزها را باید یاد داد و یاد گرفت حتی پدری و مادری را. نباید از گنجاندن آموزش‌ها و تعلیم مهارت‌ها در این خصوص غفلت کرد. یکی از حساس‌ترین مهلت‌ها و موقعیت‌ها برای این تعلیم و آموزش‌ها، سنین زیر ۱۸ سال است. با این اوصاف، جلوگیری از این وظیفه را باید آموزش و پرورش قلمداد کرد.

نظام آموزشی

نظام آموزشی را هم باید با ازدواج و فرزندآوری سازگار کرد. وقتی دانش‌آموزانی که ازدواج کنند به مدارس شبانه و احیاناً با امکانات علمی کمتر رانده می‌شوند یعنی برای ازدواج توان می‌دهند.

آموزش عالی

بومی‌گزینی در آموزش عالی نیز از دیگر راه کارهایی است که علی‌رغم توجه به آن در این سال‌ها باید با جدیت و عنایت ویژه‌تری مورد کارشناسی و استمداد قرار بگیرد تا نقشی جدی در حمایت از ازدواج و فرزندآوری ایفا کند.

نظام جامع حمایتی از اشتغال بانوان

حمایت‌های مالی و اقتصادی از بانوان را نباید از قلم انداخت؛ گسترش ضابطه‌مند دورکاری بانوان، برنامه‌ریزی برای دستیابی به بیمه‌های تأمین اجتماعی برای بانوان خانه‌دار و پی‌ریزی نظام حمایتی از اشتغال بانوان باردار و شیرده به‌گونه‌ای که باعث قانون‌گریزی کارفرمایان و یا انصراف آنان از به‌کارگیری بانوان نگردد از مهم‌ترین مسائل این حوزه است که هنوز محتاج به چاره‌جویی‌های تطبیقی و کارشناسانه است.

انتخاب آری، تحمیل نه

از آن جایی که فرزندآوری، امری انتخاب‌گرانه در حریم خصوصی است نباید فضایی ایجاد شود که پدران و مادران احساس کنند برای فرزندآوری تحت فشارند؛ در این خصوص، تأکید بیش از اندازه می‌تواند نتیجه‌ای وارونه بدهد.

تجربه دیگران

تجربه برخی کشورها مثل آلمان نشان داده است که سازوکارهایی نظیر نیمه‌وقت‌سازی مشاغل برای بانوان می‌تواند از راه کارهایی باشد که هم به‌طبیع بازار خوش می‌آید و هم کمک‌حال نیروی کار در عین کسب رضایت نسبی او

آگاهی بخشی و حمایت از فرزندآوری را در دستور کار قرار دهند.

عدالت و تناسب

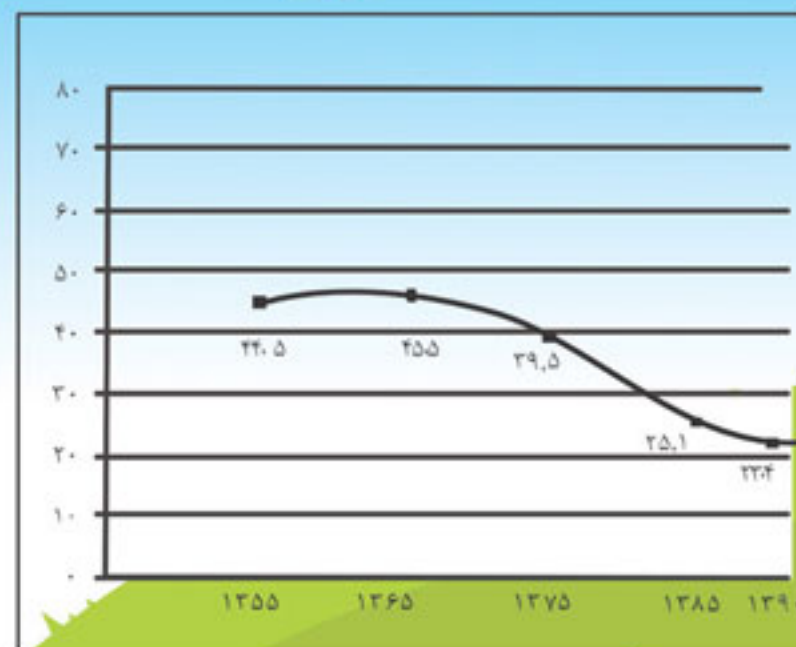
دولت موظف است تمام تلاش خود را برای برقراری تعادل جمعیت از راه توزیع عادلانه امکانات، فرصت های شغلی، افزایش بهره وری و مهار مهاجرت ها بنماید و گر نه سفارش به افزایش جمعیت، اگر هم مؤثر واقع شود، افزایش آسیب ها و محرومیت های اجتماعی را هم به دنبال دارد. برای نمونه، رشد فزاینده مهاجرت مردان کارآمد روستایی به شهرها، درصد قابل توجهی از دختران روستایی را به سن مجرد قطعی رسانده است.

صنعت و سنت

در دهه های گذشته، استانداردها و حمایت های بهداشتی و اقتصادی امکان رشد چشمگیر صنایع بزرگ را فراهم آورده اما صنایع و دامداری های کوچک را به انقراض و نابودی کشانده است در حالی که در کشورهایی مانند هلند، سیاست حمایت از دامداری های کوچک سبب شده که نگهداری حیوانات در خانه های روستایی به کاری پرسود تبدیل شود.

بازنگری در بازنشستگی

این روزها، سالمندی با عناوینی چون بازنشستگی، سرباری، پارکنشینی و روزمرگی همراه شده است و این برداشت از سالمندی، سلامت روانی سالمندان را تهدید می کند؛ از این رو باید به راهبردهایی اندیشید که این گروه از جامعه به گروهی کارآمد و مؤثر بر اوضاع اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی تبدیل شوند؛ حضور سالمندان در هیئات امنای مساجد و بنیادهای خیریه و امداد اجتماعی، نمونه ای عینی از این کارآمدسازی است. ●



گرفته اند. اسپانیا برای هر نوزاد، ۲۵۰۰ یورو و کره جنوبی ۳۰۰۰ دلار می پردازد؛ حتی در بسیاری از کشورها این مشوق ها مستمر و ادامه دار است تا شخص با آسودگی بیش تری به فرزندآوری اقدام کند زیرا مشوق های زودگذر، تأثیرات گذرا و کمی برجای می گذارند مثلاً در فرانسه امکان حضور مادر در کنار فرزند خود با گرفتن مرخصی تا سه سالگی فرزند فراهم است و پس از سه سالگی، کمک هزینه دولتی برای حضور در دوره پیش دبستانی و مدرسه و دانشگاه در نظر گرفته می شود و... در ژاپن نیز خانواده هایی که فرزند زیر ۱۵ سال دارند، ماهیانه یارانه دریافت می کنند. روسیه نیز بخشودگی های مالیاتی فراوانی برای خانواده های دارای فرزند در نظر می گیرد. البته تجربه نشان داده که این دست سیاست های تشویقی نتوانسته تغییر چندان در نرخ فرزندآوری ایفا کند و این نشان می دهد عدم گرایش به این موضوع، بیش تر برآمده از ساختارهای فرهنگی است البته تشویق هایی مانند گشایش پس انداز دولتی برای تأمین آتیه شغلی و مسکن و جهیزیه می تواند در این زمینه اثرگذارتر باشد.

همکاری و همیاری

تحول در نگرش خانواده ها در زمینه جمعیت، آن گاه رخ می دهد که مسئله جمعیت و کاهش و پیری آن به دل مشغولی همگانی تبدیل شود و در همین راستا نهادها و کانون های مردم نهاد، دوشادوش و تحت نظارت و هدایت فائقه دولتی،

است؛ در چنین وضعی، کارفرما دو نیروی تازه نفس و نیمه وقت در اختیار دارد و در عین حال، هزینه و دستمزد یک کارگر را متحمل می شود و در مقابل هم، بسیاری از بانوانی که درآمد، هدف اصلی و محوری آنان از اشتغال نیست فرصت بیش تری برای بودن با خانواده و فرزندآوری دارند.

خطاسنجی و کنترل کیفی

برنامه هایی که در قالب مقررات و یا دستورالعمل های لازم الاجرا و یا به شکل طرح هایی توصیه ای اجرا می شوند، همواره محتاج به رصد تحلیل گرایانه و پیامدسنجی هستند. برای نمونه، تأثیراتی که ساخت واحدهای مسکونی کوچک و انبوه در کاهش بُعد خانوار داشته است؛ تأثیری که فراخوان جامع و گسترده دختران در سن ازدواج به تحصیلات عالی، در افزایش سن ازدواج و کاهش تمایل به فرزندآوری پدید آورده است و همچنین تأثیری که حضور گسترده پسران در سطوح تحصیلات عالی در افزایش بیکاری و تأخیر در ازدواج در پی آورده، می تواند مصادیقی از این موضوع باشد.

سیاست های تشویقی

اعمال سیاست های ملی و منطقه ای تشویقی درباره مقوله تشکیل خانواده و فرزندآوری نیز امری ضروری است. هم اکنون بسیاری از کشورهای توسعه یافته که زنگ خطر کاهش جمعیت را به گوش خود شنیده اند، سیاست های جدی و معنادار تشویق به افزایش مولید را در پیش



آیا حس از علم بالاتر است



دو نوزاد پس از این که ۱۲ هفته زودتر از موعد به دنیا آمدند، در اتاقک مخصوص نوزادان زودرس قرار داده شدند و پزشکان انتظار داشتند تنها یکی از آن‌ها زنده بماند. پس از سه هفته، یکی از نوزادان به دلیل مشکل در تنفس به مرگ بسیار نزدیک شد. یکی از پرستاران بیمارستان با زیر پا گذاشتن قوانین بیمارستان، دو نوزاد دوقلو را در کنار هم و در یک دستگاه قرار داد. زمانی که دو نوزاد در کنار هم قرار گرفتند، نوزاد سالم دست خودش را دور گردن خواهر انداخت و با محبت او را در آغوش گرفت. پس از مدتی ضربان قلب نوزادی که امیدی به زندگی او نبود، به حالت عادی بازگشت و دمای بدن او روند افزایشی یافت و در نهایت زنده ماند.

سالی ۱۳ هزار و خرده‌ای برای ده سال

یک شهر کوچک ۸۰۰ نفره در فنلاند، در سال فقط شش مورد تولد داشت اما پس از آن که در سال ۲۰۱۲ میلادی این عدد به یک مورد تولد رسید، مسئولان احساس خطر کردند و تصمیم گرفتند برای ترغیب خانواده‌ها، پاداش نقدی در نظر بگیرند. این پاداش که مبلغ ۱۳۶۵۰ دلار و به مدت ده سال است موجب شده که آمار متولدین در یک سال به ۱۴ نفر برسد. شهردار این شهر گفته که تنها به پاداش دادن اکتفا نخواهند کرد و خدماتی نظیر بهداشت و سلامت برای کودکان و آموزش با کیفیت را نیز به شهروندان ارائه خواهند داد.

مستحضر هستید که اگر همین‌طور پیش برویم



روزگاری از این خبرها درباره خودمان هم خواهیم شنید.

باور نکردنی از میزان ناباروری

«میزان ناباروری در کل کشور ۲۰/۲ است.» این آمار را رییس پژوهشگاه فناوری‌های نوین جهاد دانشگاهی ابن سینا گفته و ادامه داده: بررسی‌های این حوزه نشان داده که میزان ناباروری در جوامع شهری ۱۹/۹ درصد و در جوامع روستایی ۲۲ درصد است.

طبق آمار کشوری، از هر پنج زوج کشورمان یک زوج نابارور هستند. بر اساس آمارهای جهانی ۴۰ درصد علل ناباروری مربوط به مردان، ۴۰ درصد مربوط به زنان، ۱۵ درصد عوامل مشترک و ۵ درصد عوامل ناشناخته هستند. بر اساس مشاهدات، مراجعه به کلینیک‌های ناباروری در کشور، میزان ناباروری مردان در کشور نسبت به زنان بیش‌تر است. ایشان بهترین سن باروری را ۱۸ تا ۳۲ سال دانسته و گفته است: میزان



ناباروری در این گروه سنی از تمام سنین دیگر کمتر بوده و ۱۶ درصد است.

وی با اشاره به این که هرچه سن باروری از ۲۰ سال پایین‌تر و از ۳۲ سال بالاتر رود با افزایش میزان ناباروری مواجه خواهیم بود، تصریح کرده: میزان درمان ناباروری در این دوران نیز نسبت به سنین ایده‌آل ضعیف‌تر خواهد بود.

برای ۲۰۰ میلیون نفر

به نظر شما سرزمین ایران می‌تواند غذای چند میلیون نفر را تأمین کند؟ یکی از مسئولان وزارت جهاد کشاورزی در پاسخ این سوال گفته «کشاورزی طی هفت‌هزار سال غذای کشور را تأمین کرده و ظرفیت فراوانی برای تأمین نیاز بیش از ۲۰۰ میلیون نفر را دارد، در شرایط فعلی هم هیچ تحریمی بر این بخش تأثیر ندارد و به‌نوعی کشاورزی بدل تحریم است؛ چراکه تمام عوامل تولید، خدادادی و در داخل است و مجبور نیستیم آن را وارد کنیم تنها باید این موهبت‌های خدادادی را به‌نحو درست مدیریت کنیم.»

متأسفانه به‌رغم ظرفیت‌های مناسب در این بخش، طی سال‌های گذشته اقتصاد کشور بیش‌تر نفت‌محور بوده؛ همان مایعی که بنا به اظهار کارشناسان تا ۴۰ سال دیگر تمام خواهد شد!

آمار بی سرو سامان ها

به نظر شما چند میلیون ایرانی هنوز به خانه بخت نرفته اند؟ مدیر کل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال پاسخ شما را می دهد؛ پاسخی که بدون شک برای شما تعجب برانگیز و برای متولیان فرهنگی افسوس زاست.

ایشان گفته: ۴۸ درصد زنان و ۴۶ درصد مردان در سن ازدواج، هرگز ازدواج نکرده اند که این جمعیت ۱۱ میلیون نفر را شامل می شود. علی اکبر محزون افزوده: تعداد جمعیت زیر ۱۵ سال ۲۳،۴ درصد، ۱۵ تا ۲۹ سال ۳۱،۶ درصد، ۳۰ تا ۶۴ سال ۳۹،۳ درصد و ۶۵ ساله و بیشتر ۵،۷ درصد از جمعیت کشور را شامل می شود که در مجموع ۵۱ درصد از آمار جمعیت مربوط به پسران و ۴۹ درصد نیز مربوط به دختران است.



وی تاکید کرده: در حال حاضر بیش از ۲۳ میلیون نفر از جوانان در سن ازدواج قرار دارند، این در حالی است که ۱۱ میلیون نفر آن ها بر اساس آمارهای سازمان هرگز ازدواج نکرده اند. محزون تاکید کرده: ازدواج ۸۵ درصد از پسران در سن ۲۰ تا ۳۴ سالگی و ۸۵ درصد زنان نیز در سن ۱۵ تا ۲۹ سالگی ثبت می شود.

چند مار کبرای بسیار خطرناک مسئول نگهداری از یک نوزاد هندی

والدین کودک در برابر تعجب و اعتراض دیگران می گویند این مارها خطری ندارند زیرا دندان هایشان کشیده شده است. الان فکر می کنید این پدر و مادر با این سطح فکرشان خطرشان کمتر از این مارهاست؟



این مقام مسئول گفته: شرایط آب و هوایی و اقلیم ایران مهم ترین ظرفیت برای کشاورزی کشور ایجاد کرده است. آب و هوای کشور چهار فصل بوده و در فصل زمستان نیز امکان کشت و کار در فضای آزاد در جنوب کشور وجود دارد و این ظرفیت تولید را افزایش می دهد.

همچنین میکرو اقلیم های بسیار زیادی هم در کشور وجود دارد که امکان کشت متنوع محصولات کشاورزی را می دهد برای مثال در منطقه سردسیری مثل استان اردبیل، دشت مغان وجود دارد که دما و آب و هوای کاملاً متفاوتی با بقیه مناطق استان دارد و چنین مثال هایی در سطح کشور فراوان است.

وجود ۱۸ میلیون هکتار زمین کشاورزی که به اندازه کل مساحت برخی کشورها می شود ظرفیت زیادی است که سالانه ۱۱۸ میلیون تن محصول تولید می کند و در صورت مدیریت آب، امکان توسعه نیز وجود دارد. چنین سطح کشتی می تواند برای هر کشوری یک فرصت استثنایی باشد.

۱۵۰ هزار فارغ التحصیل کشاورزی جویای کار در کشور وجود دارد که می تواند ظرفیت زیادی را برای بخش کشاورزی ایجاد کنند. هم اکنون با توجه به این که بر اساس آمار فائو هر هکتار زمین کشاورزی در کشور ما غذای ۸ تا ۹ نفر را تأمین می کند که نسبت به کشورهای پیشرفته که غذای ۲۷ نفر را تأمین می کند، بسیار پایین است.

در کشور ما همچنین تنوع گونه های گیاهی بسیار بالاست و امکان انجام تحقیقات و تولید محصولات متنوع را در بخش کشاورزی می دهد. ما از معدود کشورهایی هستیم که دارای انواع گیاهان دارویی و جنگلی هستیم.

مادری که از فرزند دو ساله اش کوچک تر است



[illegible]



این نقشه را جدی بگیرید

با ادامه وضع کنونی، کشور ما در آینده با کمبود نیروی کار روبه‌رو خواهد شد. تهدیدات امنیتی، در سطح گسترده کشور را فرا خواهد گرفت و بافت فرسوده جمعیتی کارایی اقتصادی نداشته و بیشتر مصرف کننده خواهد بود تا تولید کننده.

خانه سالمندان

مهد کودک